

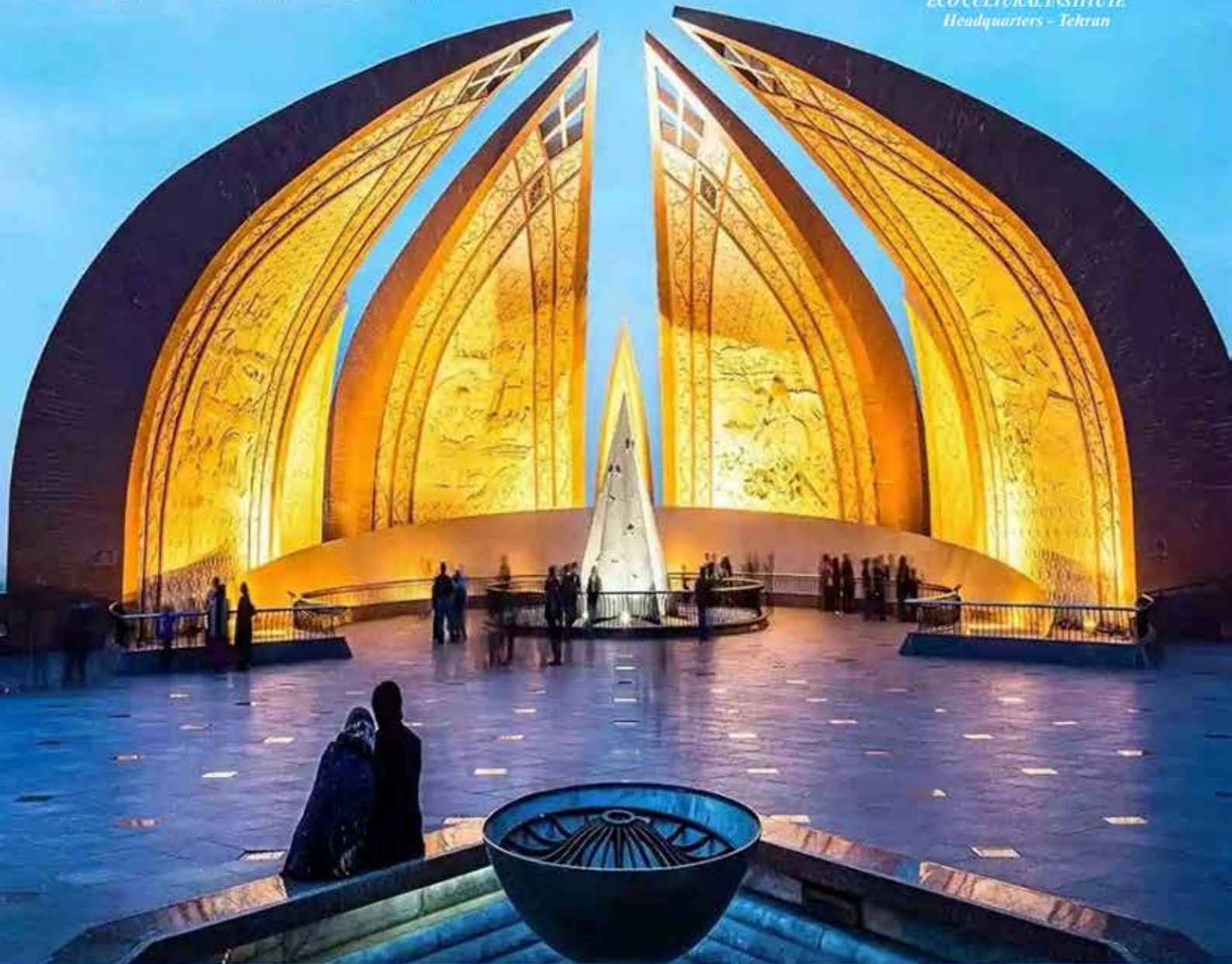
اکونامه

تحلیلی | فرهنگی | اجتماعی



مؤسسه فرهنگی اکو

ECO CULTURAL INSTITUTE
Headquarters - Tehran



بنای یادبود - اسلام آباد - پاکستان

شماره ۰۴ - دی ماه ۱۴۰۴



اکونامه

ماهنامه الکترونیک بازتاب رویدادهای فرهنگی و تعاملات منطقه‌ای حوزه اکو

سال نخست، شماره ۰۴ – دی‌ماه ۱۴۰۴

بام مشترک فرهنگ، نبض تمدن خاور زمین

مؤسسه فرهنگی اکو (ECI)، قلب تپنده سازمان همکاری اقتصادی (ECO) است؛ جایی که اقتصاد به پژواک فرهنگ پیوند می‌خورد. این مؤسسه نه یک دیوار، بلکه پلی میان ده ملت کهن، بر فراز تاریخ، زبان، هنر و اندیشه می‌باشد.

در این بام مشترک، فرهنگ نه در مرزها محدود می‌شود و نه در زمان فرسوده؛ بلکه زنده و جاری است، و در گفت‌وگوی تمدن‌ها نفس می‌کشد. ما حافظان حافظ، راویان رودکی، و هم‌نفس با مولانا هستیم؛ در جغرافیایی که از کوه‌های آناتولی تا دشت‌های خراسان امتداد دارد.

مؤسسه فرهنگی اکو، با رسالت گسترش همدلی فرهنگی، بستری برای تبادل هنری، پژوهش‌های تاریخی، و خلق روایت‌های نو از میراث کهن فراهم می‌آورد. اینجا، فرهنگ نه گذشته‌ای دور، بلکه آینده‌ای مشترک است.

با کمال مسرت، انتشار ماهنامه اکونامه را به عنوان گامی نوین در راستای تقویت پیوندهای فرهنگی، هنری و فکری میان کشورهای عضو اکو اعلام می‌داریم. این نشریه، بستری پویا برای بازتاب غنای تمدنی و فرهنگی منطقه اکو فراهم می‌آورد و با هدف معرفی میراث مشترک، ترویج گفت‌وگو و هم‌افزایی میان ملت‌هایی که تاریخ، ارزش‌ها و آرمان‌های مشترک دارند، طراحی شده است. مؤسسه فرهنگی اکو بر این باور است که شناخت متقابل، احترام به تنوع فرهنگی و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای، پایه‌های صلح، همزیستی مسالمت‌آمیز و توسعه پایدار را استوار می‌سازد.

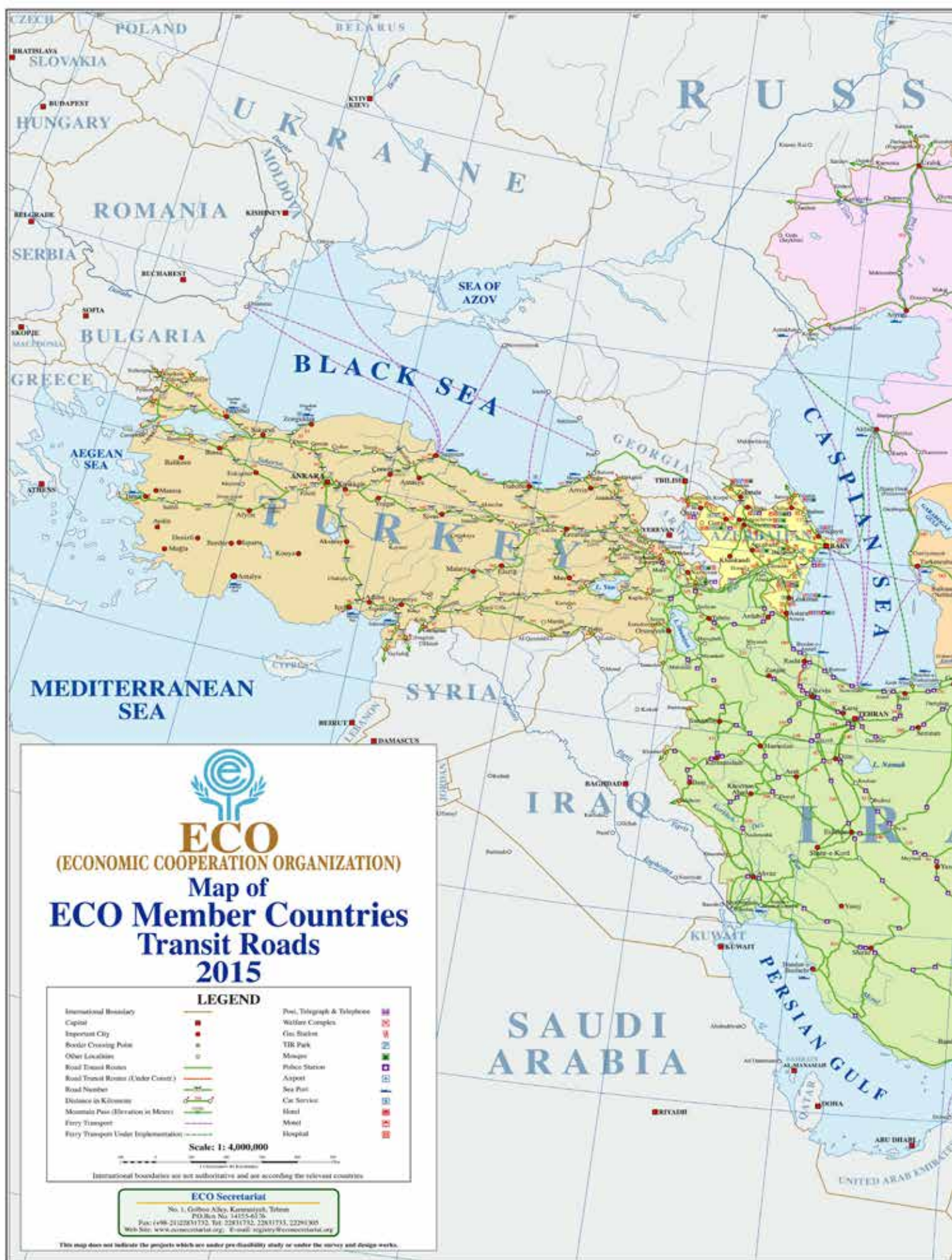
اکونامه نه تنها رسانه‌ای برای انعکاس فعالیت‌ها، برنامه‌ها و ابتکارات مؤسسه فرهنگی اکو است، بلکه فضایی برای تعامل دوسویه با مخاطبان فرهیخته خود ایجاد می‌کند. ما از اندیشمندان، هنرمندان و دوستداران فرهنگ دعوت می‌کنیم تا با ارائه دیدگاه‌ها، تجربیات و پیشنهادها، خود، در غنابخشی به محتوای این نشریه و تقویت شبکه‌ای از هم‌اندیشان و خلاقان منطقه مشارکت فعال داشته باشند. این تعامل، به‌عنوان نیروی پیش‌برنده، به پیوند هرچه عمیق‌تر ملت‌های منطقه یاری می‌رساند.

این نشریه، با نگاهی به آینده، بستری برای گفت‌وگوهای سازنده و همکاری‌های پایدار فراهم می‌آورد تا از این رهگذر، شاهد شکوفایی فرهنگی و تقویت دوستی‌های دیرپا در منطقه اکو باشیم.

مؤسسه فرهنگی اکو، با تعهد به این چشم‌انداز، از همه شما دعوت می‌کند تا در این سفر فرهنگی همراه ما باشید و با مشارکت فعال خود، به غنای این حرکت جمعی بیفزایید. باشد که اکونامه به‌عنوان پلی میان قلب‌ها و اندیشه‌ها، نقشی ماندگار در تقویت همبستگی فرهنگی منطقه ایفا نماید.

مؤسسه فرهنگی اکو





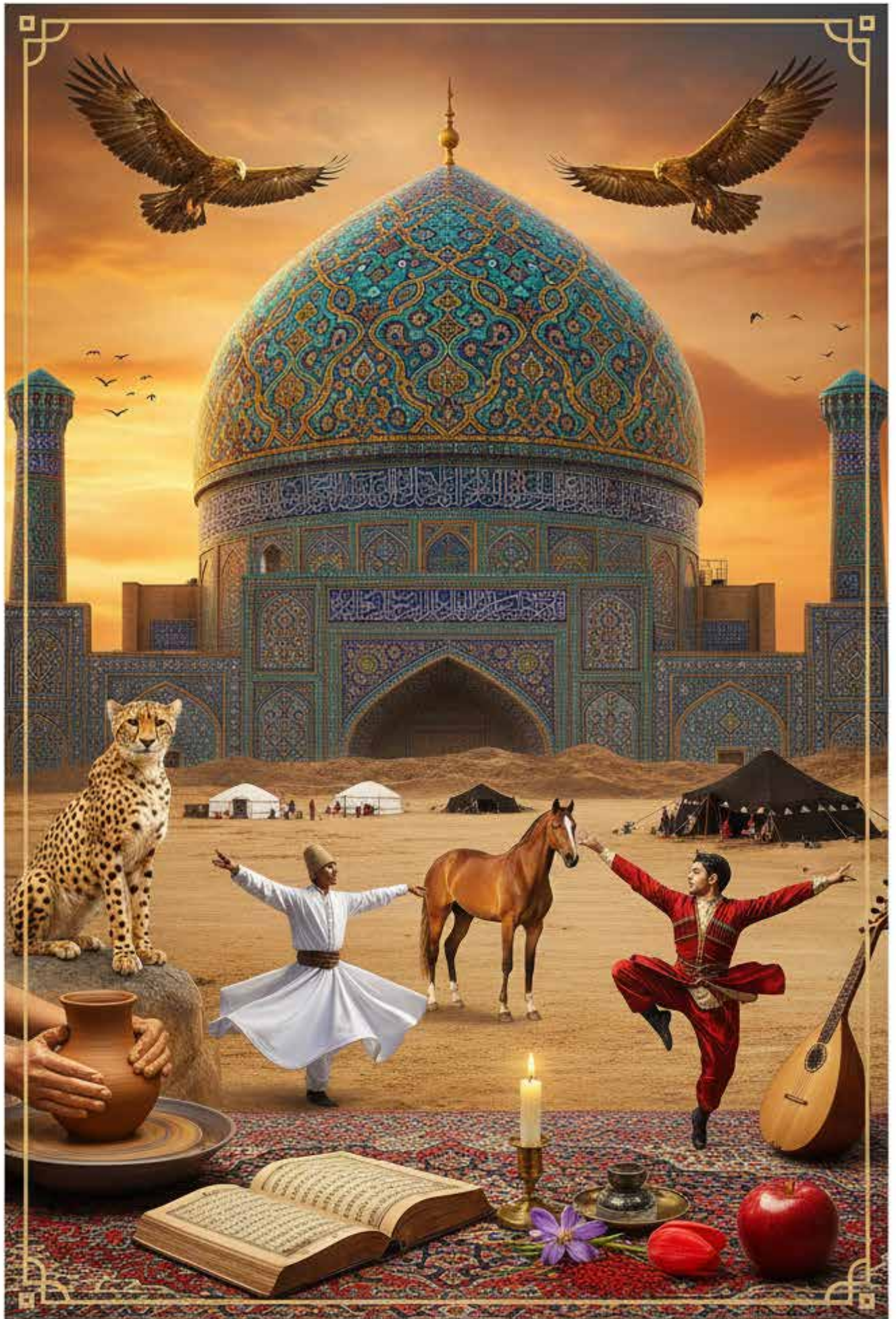
فهرست مطالب

فصل اول.....	۱۳
معرفی میراث فرهنگی ملموس و ناملموس کشورهای عضو.....	۱۳
بازار قدیم هرات؛ نبض تپنده جاده ابریشم.....	۱۴
افغانستان.....	۱۴
کاروانسرای زرد هرات؛ نگین بازرگانی در قلب خراسان بزرگ.....	۱۶
پلنگ برفی؛ روح سفید هندوکش.....	۱۸
جمهوری آذربایجان.....	۲۰
کاروانسرای شکی.....	۲۰
اسب قره‌باغ؛ میراث زنده و زرین آذربایجان.....	۲۲
شاه‌پیلو؛ تجلی شکوه و هنر در مطبخ آذربایجان.....	۲۴
نقاشی‌های دیواری کاخ شکی؛ روایت تاریخ بر تار و پود گچ.....	۲۷
سنتور، ساز اصیل ایرانی و گسترش آن در منطقه اکو.....	۲۸
ایران.....	۲۸
شیراز، پایتخت فرهنگی ایران.....	۳۰
قلعه پشتاب: دژی مستحکم بر فراز آسمان ارسباران.....	۳۳
یزد، شهر میراث جهانی و اولین شهر ایران در فهرست یونسکو.....	۳۴
هنر نقاشی و نگارگری در ایران: از ارژنگ مانی تا مکتب اصفهان.....	۳۶
رشت؛ از «دارالمرز» صفوی تا «شهر خلاق خوراک» یونسکو.....	۳۸
قزاقستان.....	۴۰
مرد طلایی: شکوه تمدن و هویت ملی قزاقستان.....	۴۰
سایگا؛ بازمانده عصر یخبندان در دشت‌های قزاقستان.....	۴۲
بش‌بارماق؛ آیین باستانی مهمان‌نوازی در استپ.....	۴۴
«تای‌قازان؛ دیگ عظیم و نماد همبستگی.....	۴۶
تاش‌رباط؛ دژ سنگی جاده ابریشم در بلندای کوهستان.....	۴۸
قرقیزستان.....	۴۸
مسجد چوبی دونگان؛ سمفونی رنگ و سنت در کاراکول.....	۵۰
دره آلا-آراشان.....	۵۲
شورپو.....	۵۴
پاکستان.....	۵۶

۵۶	 اکبری سرای؛ دروازه تاریخ و شکوه معماری مغول
۵۸	 قلعه دراور؛ دژ استوار تاریخ
۶۰	 نان تنوری پاکستان
۶۱	 چینکاره؛ غزال تیزپای صحرای آسیا
۶۲	 تاجیکستان
۶۲	 کاروانسرای خشتین؛ نگین آجری جاده ابریشم در خاک تاجیکستان
۶۴	 آرامگاه میرسیدعلی همدانی
۶۵	 تونل استقلال
۶۶	 مدرسه عبداللطیف سلطان (کوک‌گنبد)؛ نگین فیروزه‌ای معماری تیموری در استروشن
۶۸	 قوروت‌آب؛ نماد همبستگی و میراث کهن سفره تاجیک
۷۰	 گرم‌چشمه؛ معجزه زمین‌شناختی و کانون آب‌درمانی در پامیر
۷۲	 آغازی کاراهان؛ شاهکار معماری و گذار تمدنی در عصر سلجوقیان آناتولی
۷۲	 ترکیه
۷۴	 قلعه آلانیا؛ نماد اقتدار دریایی و شاهکار معماری نظامی سلجوقیان
۷۶	 نان آناتولی
۷۸	 پلنگ آناتولی؛ بازگشت شب‌ کوهستان به قلمرو باستانی
۸۰	 ترکمنستان
۸۰	 گردشگری در ترکمنستان: گنجینه‌ای پنهان در قلب آسیای مرکزی
۸۲	 دروازه جهنم: راز شعله‌های ابدی در بیابان ترکمنستان
۸۴	 مسجد ارطغرل غازی؛ نماد معماری اسلامی
۸۵	 چرخ‌وفلک آله‌تین، نماد مدرن عشق‌آباد
۸۶	 بیابان قره‌قوم؛ دریای سیاه‌ شن در قلب ترکمنستان
۸۷	 دریاچه ساری‌قمیش؛ آینه‌ای نوظهور در دل بیابان
۸۸	 کاروان‌سرای رباط ملک؛ قصر دشت
۸۸	 ازبکستان
۹۰	 باکلان کوچک؛ نگهبان تالاب‌های ازبکستان
۹۲	 لغمان؛ هنر نودل‌های دست‌ساز
۹۴	 از آبادانا تا اکو: واکاوی نماد نیلوفر آبی در امتداد تاریخ و دیپلماسی
۹۴	 میراث مشترک
۹۸	 هنر ویتراي یا نقاشی روی شیشه در ایران و کشورهای عضو اکو
۱۰۲	 فلات ایران، گهواره تمدن‌های بزرگ
۱۰۴	 معرفی کتاب

معرفی کتاب هزار مروارید	۱۰۴
مؤسسه فرهنگی اکو، روز بزرگداشت رودکی را گرامی می‌دارد	۱۰۶
شخصیت برجسته	۱۰۶
رویدادها و تازه‌های فرهنگی موسسه اکو	۱۰۹
فصل دوم	۱۰۹
بازدید رئیس مؤسسه فرهنگی اکو از مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب	۱۱۰
دیدار رئیس مؤسسه فرهنگی اکو با رئیس انجمن دوستی ایران و پاکستان	۱۱۰
همکاری مشترک مؤسسه فرهنگی اکو و مرکز هماهنگی‌های فرهنگی گفت‌وگوی همکاری آسیا	۱۱۱
گسترش تعاملات راهبردی میان منطقه فرهنگی و گردشگری عباس‌آباد و مؤسسه فرهنگی اکو	۱۱۱
برگزاری کنسرت «هایره»؛ جلوه‌ای از اشتراکات فرهنگی در قاب موسیقی	۱۱۲
چهل‌وهفتمین نشست شورای نمایندگان دائم مؤسسه فرهنگی اکو	۱۱۴
نشست علمی به مناسبت بزرگداشت مقام علمی و فرهنگی دکتر عارف نوشاهی، نسخه‌پژوه معروف منطقه اکو	۱۱۶
فصل سوم	۱۲۱
ویژه‌نامه	۱۲۱
ریشه‌های تاریخی و فرهنگی	۱۲۳
هنر و صنایع دستی پاکستان؛	۱۲۳
پیوند سنت، هویت و خلاقیت	۱۲۳
ورود فرهنگ موسیقایی اسلامی به شبه‌قاره	۱۲۳
تکامل آلات موسیقی و انتقال به اروپا	۱۲۴
نقش امیر خسرو دهلوی و نوآوری‌های موسیقایی	۱۲۴
توسعه کلاسیک و جایگاه موسیقی در پاکستان	۱۲۴
قرائت، حمد و نعت؛ هنرهای آوازی مذهبی	۱۲۶
نقاشی (تصویر گری)	۱۲۶
خطاطی	۱۲۹
صنایع دستی و هنرهای بومی	۱۳۴
جمع‌بندی	۱۳۶
رویدادها، برنامه‌ها و اخبار فرهنگی منطقه اکو	۱۳۹
فصل چهارم	۱۳۹
کشف یک ساحه جدید باستانی در ولایت بغلان	۱۴۰
توسعه همکاری‌های علمی و فرهنگی میان افغانستان و ایران	۱۴۰
بازدید سفیر اندونزی از موزه و مکان‌های تاریخی غزنی	۱۴۰
تدوین استراتژی جدید وزارت اطلاعات و فرهنگ برای تقویت صنعت گردشگری	۱۴۰

سرپل قهرمان هفتمین دوره لیگ برتر بزرگشی افغانستان شد.....	۱۴۱
«کلیات» آثار میرزا تورسونزاده رونمایی شد.....	۱۴۲
همایش «کوروش کبیر و اعلامیه جهانی حقوق بشر» در دوشنبه برگزار شد.....	۱۴۲
برگزاری روزهای فرهنگی تاجیکستان در پاکستان.....	۱۴۲
برگزاری جشنواره بین‌المللی سوزن‌دوزی در تاجیکستان.....	۱۴۴
دستور رئیس‌جمهور تاجیکستان مبنی بر تأسیس قانون تمدن آریایی.....	۱۴۵
۲۷ سند تاریخی در دیپلماسی فرهنگی ایران و قزاقستان.....	۱۴۶
چشم‌انداز فرهنگی منطقه اکو: برنامه‌ها و اخبار آتی.....	۱۴۹
فصل پنجم.....	۱۴۹
میزبانی کابل از کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های گردشگری و هتلداری.....	۱۵۰
برگزاری نشست تخصصی بین‌المللی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی در کابل.....	۱۵۰
کنفرانس بین‌المللی علوم اجتماعی، آموزش و یادگیری در پایتخت.....	۱۵۰
آماده‌سازی برای آغاز ماه مبارک رمضان و فعالیت‌های فرهنگی مذهبی.....	۱۵۰
باکو میزبان کنفرانس بین‌المللی زبان، ادبیات و فرهنگ.....	۱۵۱
حضور فعال جمهوری آذربایجان در نمایشگاه بین‌المللی گردشگری EMITT ۲۰۲۶	۱۵۱
میزبانی باکو از مسابقات قهرمانی تیمی اروپا.....	۱۵۱
برگزاری رویداد تخصصی Luxury Travel Mart در باکو.....	۱۵۱
آغاز رسمی ریاست پاکستان بر شورای وزیران اکو با رویکرد «فرهنگ و همبستگی».....	۱۵۲
جشنواره ادبی لاهور؛ قانون تبادلات اندیشه در منطقه اکو.....	۱۵۲
آماده‌سازی لاهور به عنوان «پایتخت گردشگری اکو در سال ۲۰۲۷».....	۱۵۲
میزبانی آستانه از کنفرانس بین‌المللی یونسکو در حوزه سواد رسانه‌ای.....	۱۵۳
بزرگداشت روز بین‌المللی زنان و دختران در علم در مراکز علمی قزاقستان.....	۱۵۳
آماده‌سازی برای نمایشگاه بین‌المللی محیط‌زیستی منطقه.....	۱۵۳
آغاز برنامه ملی برای حمایت از صنایع دستی.....	۱۵۴
بزرگداشت روز جهانی زبان مادری با محوریت حماسه «ماناس».....	۱۵۴
دوشنبه رسماً فعالیت خود را به عنوان «پایتخت فرهنگی آسیا ۲۰۲۶» آغاز کرد.....	۱۵۵
افتتاح بزرگترین تئاتر ملی منطقه در سالگرد ۳۵ سالگی استقلال.....	۱۵۵
هوشمندسازی اماکن تاریخی دوشنبه.....	۱۵۵
آنکارا رسماً فعالیت خود را به عنوان «پایتخت گردشگری جهان ترک ۲۰۲۶» آغاز کرد.....	۱۵۶
برگزاری بیست و هشتمین نمایشگاه بین‌المللی گردشگری در استانبول.....	۱۵۶
نامگذاری رسمی سال ۲۰۲۶ در ترکمنستان با نماد «اسب‌های بالدار».....	۱۵۷
اندیجان رسماً «پایتخت فرهنگی جهان ترک در سال ۲۰۲۶» شد.....	۱۵۷





فصل اول

معرفی میراث فرهنگی ملموس و ناملموس کشورهای عضو اکو

افغانستان

بازار قدیم هرات؛ نبض تپنده جاده ابریشم

بازار قدیم هرات با گذرگاه‌های سرپوشیده، طاق‌های خشتی و دکان‌های کوچک، بازمانده‌ای از دوران شکوه تیموریان و صفویان است. این بازار در اطراف «چهارسوی» بزرگ شهر شکل گرفته، جایی که چهار راسته اصلی بازار (شمال، جنوب، شرق و غرب) به هم می‌رسند.

۱. معماری و ساختار مهندسی «چهارسوق»

قلب بازار قدیم، چهارسوی هرات است که با گنبدی عظیم و خشتی پوشیده شده است.

مهندسی سنتی: سقف‌های گنبدی و طاق‌دار بازار به گونه‌ای طراحی شده‌اند که در تابستان‌های سوزان هرات، فضایی خنک و در زمستان‌ها، محیطی گرم برای بازرگانان فراهم کنند.

راسته‌ها: هر بخش از بازار به صنف خاصی تعلق دارد؛ از «بازار مسگران» با صدای همیشگی چکش بر فلز، تا «بازار ابریشم‌فروشان» که رنگ و جلای تمدن کهن هرات را به نمایش می‌گذارد.

۲. صنایع دستی و هنرهای در حال انقراض

بازار قدیم هرات آخرین پناهگاه بسیاری از هنرهایی است که در دیگر نقاط جهان به فراموشی سپرده شده‌اند:

شیشه‌گری هرات: هرات تنها جای جهان است که هنوز در آن «شیشه لاجوردی» به روش باستانی و با استفاده از گیاه «اشنان» تولید می‌شود. کارگاه‌های کوچک شیشه‌گری در حاشیه بازار، ظرف‌هایی با رنگ آبی منحصربه‌فرد خلق می‌کنند.

ابریشم‌بافی: شال‌ها و دستارهای ابریشمی هرات که بر روی دستگاه‌های چوبی قدیمی بافته می‌شوند، هنوز هم از اقلام صادراتی محبوب این بازار به کشورهای همسایه هستند.

۳. کاروانسراهای تاریخی

در دل این بازار، کاروانسراهای قدیمی (مانند کاروانسرای زرد) قرار دارند که در گذشته محل استراحت کاروان‌های جاده ابریشم بوده‌اند. امروزه این کاروانسراها به انبار کالا یا مراکز عمده‌فروشی پوست، پشم و قالی‌های مشهور هراتی تبدیل شده‌اند.

۴. اتمسفر و تجربه فرهنگی

قدم زدن در بازار قدیم هرات، سفری به اعماق تاریخ است. عطر ادویه‌های تند، بوی چرم تازه، صدای چانه‌زنی بازرگانان به لهجه شیرین هراتی و تماشای پیرمردهایی که در دکان‌های چوبی خود مشغول بافتن کلاه یا دوختن کفش‌های سنتی هستند، تجربه‌ای است که در هیچ مرکز خرید مدرنی یافت نمی‌شود.







کاروانسرای زرد هرات؛ نگین بازرگانی در قلب خراسان بزرگ

این کاروانسرا که در داخل بازار قدیم هرات و در نزدیکی «چهارسوق» قرار دارد، مشهورترین مرکز تجمع بازرگانان جاده ابریشم در غرب افغانستان بوده است.

۱. معماری و ساختار

کاروانسرای زرد نمونه‌ای عالی از معماری دوران صفوی و تیموری است.

حیاط مرکزی: این بنا دارای یک حیاط بزرگ مستطیل‌شکل است که با حجره‌های (اتاق‌های) دو طبقه محصور شده است. طبقه اول معمولاً برای انبار کالا و طبقه دوم برای اقامت بازرگانان استفاده می‌شد.

تزیینات خشتی: نمای داخلی با آجرکاری‌های ظریف و طاق‌های ضربی آراسته شده که نشان‌دهنده نبوغ معماران هراتی در ترکیب هنر و کارایی است.

۲. مرکز تجارت بین‌المللی

در طول سده‌ها، این کاروانسرا محل مبادله کالاهای گران‌بها بوده است:

قالی و ابریشم: هنوز هم این مکان مرکز اصلی تجارت قالی‌های مشهور هراتی و ابریشم خام است.

پشم و پوست: بازرگانانی که از کشورهای آسیای مرکزی (مثل ترکمنستان و ازبکستان) می‌آمدند، محصولات خود را در این کاروانسرا با کالاهای هندی و ایرانی مبادله می‌کردند.



پلنگ برفی؛ روح سفید هندوکش

کاهش طعمه: به دلیل شکار بی‌رویه علف‌خواران کوهی توسط انسان. تعارض با دامداران: گاهی پلنگ‌ها به دلیل کمبود غذا به گله‌های گوسفند حمله می‌کنند که منجر به انتقام‌جویی دامداران می‌شود.

۴. اقدامات حفاظتی (۲۰۲۶)

با همکاری نهادهای بین‌المللی و جوامع محلی، برنامه‌های «بیمه دام» در واخان اجرا شده است. در این طرح، اگر پلنگی به گوسفندان حمله کند، خسارت دامدار پرداخت می‌شود تا از کشتن پلنگ



پلنگ برفی (*Panthera uncia*) یکی از نادرترین و زیباترین گربه‌سانان جهان است که بخش مهمی از جمعیت آن در ولایت‌های بدخشان (به‌ویژه واخان) و نورستان افغانستان زندگی می‌کنند.

۱. ویژگی‌های زیستی و سازگاری با محیط

این حیوان به گونه‌ای تکامل یافته است که در دمای زیر صفر و کمبود اکسیژن دوام بیاورد:

دم بلند و پرپشت: دم پلنگ برفی تقریباً به اندازه طول بدنش است.

او از این دم هم برای حفظ تعادل در صخره‌های شیب‌دار استفاده می‌کند و هم در هنگام خواب، آن را مانند شال‌گردن دور بدن خود می‌پیچد تا گرم بماند.

پنجه‌های پهن: پنجه‌های بزرگ او مانند «کفش برف‌نوردی» عمل می‌کنند و مانع از فرو رفتن حیوان در برف عمیق می‌شوند.

رنگ استتار: پوست خاکستری مایل به سفید با خال‌های تیره، بهترین پوشش برای پنهان شدن در میان صخره‌های پوشیده از برف و سنگ‌لاخ‌هاست.

۲. زیستگاه در افغانستان

منطقه واخان در ولایت بدخشان، یکی از امن‌ترین و مهم‌ترین پناهگاه‌های این حیوان در سطح جهان است. در سال ۲۰۱۴، دولت افغانستان کل منطقه واخان را به عنوان دومین پارک ملی کشور اعلام کرد تا از زیستگاه این پلنگ و طعمه‌های آن (مانند مارخور و گوسفند مارکوپولو) حفاظت کند.

۳. چالش‌های بقا و وضعیت حفاظتی

پلنگ برفی در فهرست قرمز (IUCN) به عنوان گونه‌ای «آسیب‌پذیر» ثبت شده است. مهم‌ترین تهدیدات علیه این حیوان در افغانستان عبارتند از:

شکار غیرقانونی: برای استفاده از پوست گران‌بها در بازارهای سیاه.

جلوگیری شود. همچنین آموزش به کودکان محلی درباره اهمیت این «سرمایه ملی» در جریان است.



جمهوری آذربایجان

کاروانسرای شکی

کاروانسرای شکی (Sheki Karvansaray)، یکی از ارزشمندترین بناهای تاریخی جمهوری آذربایجان و بزرگترین کاروانسرا در منطقه قفقاز است. این بنا که در دوران رونق جاده ابریشم ساخته شده، نمادی از مهارت معماران در ترکیب امنیت، کارایی و زیبایی‌شناسی است.

شهر شکی به دلیل قرارگیری در مسیرهای تجاری میان دریای مازندران و دریای سیاه، همواره محل تلاقی بازرگانان ملل مختلف بوده است. در سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی، پنج کاروانسرای بزرگ در این شهر وجود داشت که امروزه تنها دو مورد از آن‌ها به نام‌های «کاروانسرای بالا» و «کاروانسرای پایین» باقی مانده‌اند.

۱. معماری و ساختار مهندسی

کاروانسرای بالا (Yuxari Karvansaray) که امروزه بیشتر مورد توجه گردشگران است، با ویژگی‌های زیر شناخته می‌شود:

طراحی طبقاتی: بنا در دو طبقه ساخته شده است. طبقه اول با سقف‌های طاق‌دار و ضخیم برای نگهداری کالاهای و استقرار حیوانات بارکش طراحی شده بود، در حالی که طبقه دوم شامل اتاق‌هایی برای استراحت بازرگانان و انجام قراردادهای تجاری بود.

حیاط مرکزی: قلب بنا حیاطی وسیع و مستطیل‌شکل است که با ایوان‌های آجری و ستون‌های سنگی محصور شده. این حیاط به گونه‌ای طراحی شده که در گرمای تابستان، جریان هوای خنک را در کل بنا تضمین می‌کند.

مصالح پایدار: استفاده از سنگ‌های کوهستانی و آجرهای سرخ پخته‌شده، باعث شده این بنا در برابر زلزله‌های منطقه بسیار مقاوم باشد.



۲. امنیت و حریم خصوصی

در زمان‌های گذشته، امنیت کاروانسرا اولویت اصلی بود. کاروانسرای شکی تنها یک ورودی اصلی با دروازه‌ای بسیار سنگین و مستحکم داشت. پس از بسته شدن دروازه در هنگام غروب، کاروانسرا به دژی تسخیرناپذیر تبدیل می‌شد که تمام دارایی‌های بازرگانان در آن در امان بود.

۳. پیوند با جاده ابریشم

شکی مرکز تولید ابریشم در قفقاز بود. بازرگانانی که از روسیه، عثمانی و هند به اینجا می‌آمدند، محصولات خود را با پارچه‌های ابریشمی معروف شکی مبادله می‌کردند. کاروانسرای بالا با بیش از ۳۰۰ اتاق، ظرفیت پذیرش همزمان صدها بازرگان و خدمه را داشت.

۴. کاربری امروزی (هتل موزه)

یکی از جذاب‌ترین ویژگی‌های این بنا، زنده بودن آن است. امروزه بخشی از کاروانسرای بالا به عنوان یک هتل تاریخی فعالیت می‌کند.

تجربه اقامت: مسافران می‌توانند در اتاق‌هایی با تخت‌های سنتی، دیوارهای سنگی عریان و پنجره‌هایی که رو به حیاط تاریخی باز می‌شوند، اقامت کنند و حس سفر در زمان را تجربه نمایند.

چایخانه سنتی: در گوشه‌ای از حیاط، چایخانه‌ای قرار دارد که در آن چای آذربایجانی در استکان‌های «کمر باریک» همراه با حلوائ مخصوص شکی سرو می‌شود.



اسب قره‌باغ؛ میراث زنده و زرین آذربایجان

اسب قره‌باغ (به ترکی آذربایجانی: Qarabağ atı) نه تنها یک نژاد، بلکه بخشی از تاریخ سیاسی و اجتماعی منطقه است که به دلیل ویژگی‌های منحصر به فردش در دنیا بی‌نظیر است.

۱. تاللو طلایی (The Golden Sheen)

یکی از ویژگی‌های فنی که اسب قره‌باغ را از دیگر نژادها متمایز می‌کند، پوشش موی بسیار براق آن است. در نور آفتاب، پوست این اسب درخششی شبیه به مس یا طلای جلا داده شده دارد. این ویژگی در نژادهای بسیار معدودی (مانند آخال‌تکه) دیده می‌شود و نشان‌دهنده اصالت خونی این نژاد است.

۲. چوگان؛ پیوند اسب و ورزش باستانی

در سال ۲۰۱۳، «چوگان؛ بازی سنتی با اسب قره‌باغ در جمهوری آذربایجان» در فهرست میراث ناملموس یونسکو به ثبت رسید.

مهارت‌های فیزیکی: این اسب‌ها به دلیل جثه متوسط اما عضلانی، پاهای بسیار قوی و قابلیت چرخش سریع، بهترین گزینه برای بازی چوگان در زمین‌های ناهموار کوهستانی هستند.

۳. تلاش‌های بین‌المللی برای حفظ نژاد (۲۰۲۶)

با توجه به اینکه در اواخر قرن بیستم تعداد این اسب‌ها به شدت کاهش یافته بود، دولت آذربایجان برنامه‌های استراتژیک زیر را در سال‌های اخیر به سرانجام رسانده است:

تأسیس مجتمع پرورش اسب آغ‌دام: این مرکز مدرن‌ترین واحد تکثیر و اصلاح نژاد اسب قره‌باغ در منطقه است که هدف آن بازگرداندن جمعیت این اسب به سطح پایدار است.

حفاظت ژنتیکی: استفاده از بانک‌های ژن برای جلوگیری از آمیختگی نژادی و حفظ خصوصیات اصیل اسب قره‌باغ.

۴. اسب قره‌باغ در عرصه دیپلماسی

این حیوان همواره به عنوان گران‌بهارترین هدیه

از سوی سران آذربایجان به رهبران جهان اهدا شده است. آخرین نمونه برجسته آن، اهدا به پادشاه بریتانیا بود که بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های بین‌المللی داشت و نام این نژاد را بار دیگر در صدر اخبار قرار داد.



شاه‌پیلو؛ تجلی شکوه و هنر در مطبخ آذربایجان

در فرهنگ غذایی جمهوری آذربایجان، هیچ غذایی به اندازه شاه‌پیلو (پلوی شاهانه) نمی‌تواند عمق مهمان‌نوازی و ظرافت‌های هنری این مرز و بوم را به نمایش بگذارد. این غذا که به عنوان «عروس سفره‌های آذری» شناخته می‌شود، در واقع نوعی پلوی مجلسی است که در غلافی ترد و طلایی از نان پخته می‌شود.

۱. کالبدشناسی شاه‌پیلو (ساختار لایه‌بندی)

تفاوت بنیادین شاه‌پیلو با دیگر پلوها در روش پخت مخفی آن است. این غذا از سه لایه اصلی تشکیل شده است:

قازماق (ته‌دیگ نانی): لایه‌ای از نان‌های لواش آغشته به کره که تمام سطح داخلی قابلمه را می‌پوشاند و پس از پخت، به پوسته‌ای ترد و استوار تبدیل می‌شود.

برنج زعفرانی: برنج دانه بلند که با بهترین زعفران منطقه دم کشیده و عطر آن در فضای بسته نان محبوس می‌شود.

هسته مرکزی (مخلفات): ترکیبی لذیذ از گوشت گوسفند، شاه‌بلوط، آلو بخارا، قیسی و کشمش که در مرکز برنج قرار می‌گیرد.

۲. فلسفه و نمادگرایی

شاه‌پیلو تنها یک وعده غذایی نیست، بلکه

حامل پیام‌های فرهنگی است: تمرکز بر برکت: قرار گرفتن مواد گران‌بها (گوشت و میوه‌های خشک) در قلب برنج، نمادی از حفظ برکت و ثروت در خانه است.

هنر پنهان: نان بیرونی مانند یک صندوقچه عمل می‌کند که تا زمان بریدن، راز عطر و طعم خود را فاش نمی‌کند؛ این موضوع استعاره‌ای از حیا و شکوه در فرهنگ مشرق‌زمین است.

۳. آیین سرو در ضیافت‌های رسمی

بریدن شاه‌پیلو خود یک مراسم آیینی است. طبق سنت، سقف نانی غذا با چاقو به صورت مثلی (مانند گلبرگ‌های گل) برش داده می‌شود. باز شدن این گلبرگ‌ها و برخاستن بخار معطر زعفران، لحظه اوج ضیافت محسوب می‌شود. در سال ۲۰۲۶، این غذا همچنان اصلی‌ترین انتخاب برای پذیرایی از مقامات عالی‌رتبه و مهمانان ویژه در آذربایجان است.

۴. ویژگی‌های فنی پخت

برای تهیه یک شاه‌پیلوی تراز اول، رعایت دو نکته الزامی است:

استفاده از قابلمه مسی: برای توزیع یکنواخت حرارت و برشته شدن همزمان تمام سطوح نان.

تعادل طعم (ملس): ترکیب ترشی آلو و شیرینی قیسی باید به گونه‌ای باشد که تندی ادویه‌ها را به تعادل برساند.

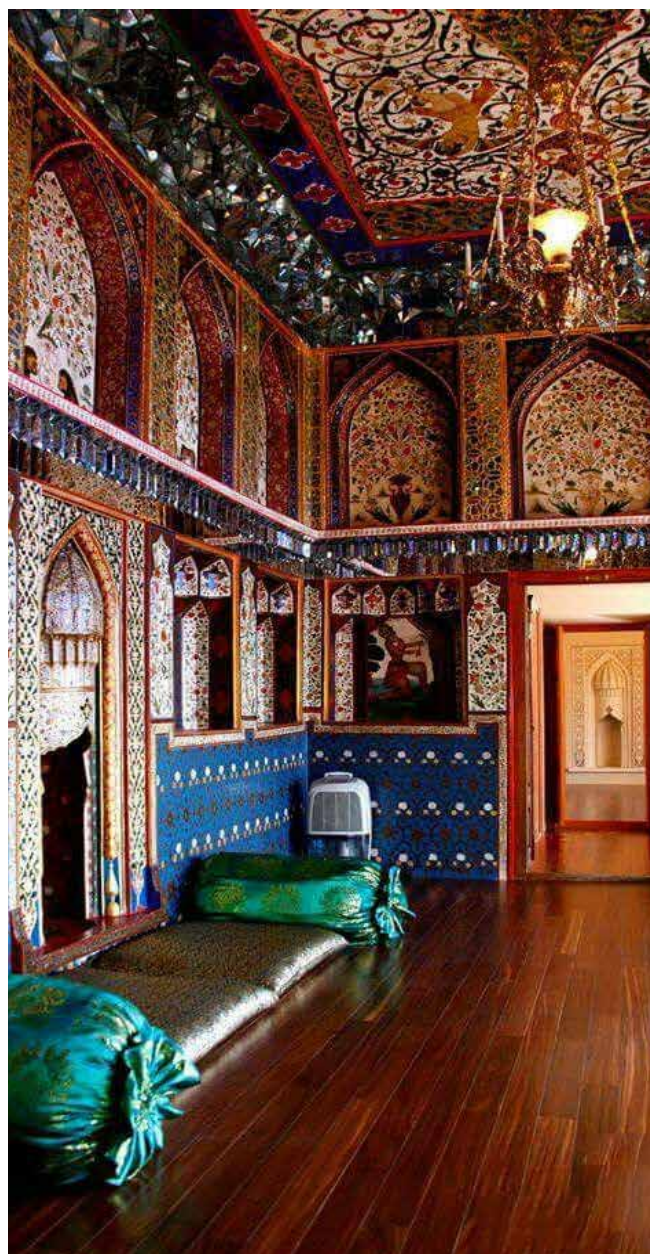




نقاشی‌ها در کنار پنجره‌های «شبکه» (گره‌چینی چوبی با شیشه‌های رنگی بدون میخ و چسب) قرار دارند. وقتی نور خورشید از میان شیشه‌های رنگی به روی نقاشی‌های دیواری می‌تابد، رقص نوری ایجاد می‌شود که گویی نقاشی‌ها جان می‌گیرند و رنگ‌های آن‌ها تغییر می‌کند.

۴. ویژگی فنی: نقاشی بر روی گچ خیس

بسیاری از این آثار با تکنیک‌های خاصی اجرا شده‌اند که رنگ را به عمق لایه‌های گچ می‌برد. این موضوع باعث شده تا در برابر رطوبت و فرسایش زمان بسیار مقاوم باشند. هنرمندان مشهوری همچون «قنبر قره‌باغی» در خلق این آثار نقش داشته‌اند.



نقاشی‌های دیواری کاخ شکی؛ روایت تاریخ بر تار و پود گچ

کاخ خان‌های شکی (ساخته شده در سال ۱۷۹۷ میلادی) به عنوان نگین معماری جمهوری آذربایجان شناخته می‌شود، اما آنچه این بنا را از تمام کاخ‌های منطقه متمایز می‌کند، نقاشی‌های دیواری (فرسک) آن است که وجب به وجب دیوارهای داخلی را پوشانده‌اند.

۱. نقاشی پانورامای جنگ و شکار (تالار طبقه دوم)

خاص‌ترین نقاشی این بنا، یک نقاشی دیواری عظیم به طول ۲۴ متر است که صحنه‌هایی از جنگ‌های قهرمانانه و شکارگاه‌های سلطنتی را با جزئیات حیرت‌انگیز به تصویر کشیده است.

نمادها: در این نقاشی، سربازان با لباس‌های سنتی، سلاح‌های زمان خود و حیواناتی نظیر فیل و اسب دیده می‌شوند. این نقاشی نه تنها یک اثر هنری، بلکه یک سند تاریخی از تجهیزات نظامی و شیوه زندگی در قرن ۱۸ میلادی است.

رنگ‌های طبیعی: تمام رنگ‌های به کار رفته در این نقاشی‌ها از مواد طبیعی (گیاهی و معدنی) تهیه شده‌اند و پس از گذشت بیش از ۲۰۰ سال، همچنان درخشش و شفافیت خود را حفظ کرده‌اند.

۲. نمادهای عرفانی و اساطیری

در کنار صحنه‌های نبرد، نقاشی‌هایی با مضامین ظریف‌تر نیز دیده می‌شوند:

درخت زندگی: در بسیاری از اتاق‌ها، نقاشی «درخت زندگی» دیده می‌شود که با گل‌ها، پرندگان بهشتی و میوه‌هایی مانند انار (نماد باروری در فرهنگ آذری) تزیین شده است.

پرندگان افسانه‌ای: تصویر طاووس و دیگر پرندگان رنگارنگ که نماد جاودانگی و شکوه در فرهنگ شرق هستند، در حاشیه سقف‌ها به وفور یافت می‌شود.

۳. ترکیب با هنر «شبکه»

یکی از ویژگی‌های بصری خاص این است که این

ایران

سنتور، ساز اصیل ایرانی و گسترش آن در منطقه اکو

ساز سنتور بر پایهٔ بررسی‌ها و پژوهش‌ها، یکی از کهن‌ترین سازهای گستره ایران به شمار می‌رود؛ کهن‌ترین نشانه‌ای که از این ساز برجامانده، از سنگ تراشی‌های آشور و بابلان (۵۵۹ پیش از میلاد) است. سنتور، سازی کاملاً ایرانی است که برخی ساخت آن را به ابونصر فارابی نسبت می‌دهند همانند بربط، ساز دیگر ایرانی که بعدها به خارج برده شد.

ساز سنتور ظاهری دوزنقه ای شکل دارد که با ترکیب فلز و چوب ساخته می‌شود. برای نواختن این ساز باید ضلع بزرگ دوزنقه را مقابل خود قرار دهید و با استفاده از مضراب‌های چوبی به سیم‌های ساز ضربه بزنید. به طور کلی سنتور جزو سازهای مضرابی (زهی-ضربه ای) می‌باشد که ظاهر کاملاً هندسی و منظمی دارد.

معمولاً ساز سنتور را با استفاده از چوب گردو و یا سرو می‌سازند. از بهترین و گسترده ترین سازهای ایرانی می‌توان به سنتور اشاره داشت که از محدوده صدا دهی بیشتر از ۴ اکتاو برخوردار است. به همین دلیل سنتور از جمله سازهایی می‌باشد که صوت بسیار شفاف و دلنوازی دارد. از طرفی قابلیت تکنوازی و هم‌نوازی دارد که جزو برترین ویژگی‌های این ساز محسوب می‌شود. برخی پژوهشگران بر این باورند که سنتور در زمان‌های بسیار دور از ایران به دیگر کشورهای آسیایی رفته است، و امروزه گونه‌های مشابه این ساز در عراق، ترکیه، سوریه، مصر، پاکستان، هند، تاجیکستان، چین، ویتنام، کره، اوکراین و دیگر کشورهای آسیای میانه و نیز در یونان نواخته می‌شود.

بررسی دیرینه گردش و تحول ساز سنتور نشان می‌دهد که این ساز طیف گسترده‌ای از سبک‌ها و مکاتب گوناگون را در سدهٔ کنونی به خود اختصاص داده، به گونه‌ای که پس از یک بررسی اجمالی، می‌توان اذعان داشت حداقل ۱۵ سبک و مکتب گوناگون و فعال در این عرصه شهره ویژه

و عام می‌باشند. گمان می‌رود که سنتور از ایران به کشورهای دیگر راه یافته و نام‌های گوناگونی پیدا کرده‌است. این ساز را در کشور چین یان کین، در اروپای شرقی دالسی مر، در انگلستان باتر فلای‌ها، در آلمان و اتریش مک پر، در هندوستان سنتور، در کامبوج فی و در آمریکا زیتر می‌نامند که هر کدام دارای وجه تشابهاتی هستند. همچنین سنتورهای عراقی، هندی، مصری و ترکی وجود دارد که بعضی از آن‌ها حدود ۳۶۰ سیم دارند.

نوازندگی این ساز علاوه بر چابکی دست‌ها، به تمرکز ذهن نیز نیاز دارد که تنها با آزمون فراوان به دست می‌آید. این ساز به خوبی توانایی تک نوازی و هم نوازی را دارا می‌باشد.

تقریباً نیمی از زندگانی سنتورنوازان، به کوک کردن آن می‌گذرد. چون کوبه‌های مداوم مضراب روی سیم‌ها و تأثیرگذاری نم و گرما روی چوب و سیم‌ها، کوک را به هم می‌زند و ۷۲ سیم باید مرتب کوک یا هم خوان شود، از این رو سنتور، سازی شناخته می‌شود که همراه با زیبایی، بسیاری از پیامدهای فیزیکی می‌تواند روی آوا و کوک آن تأثیر بگذارد.

ساز سنتور در اندازه و ابعاد مختلفی طراحی و ساخته شده است. این تفاوت منجر به متفاوت نمودن زیروبم صدای سازها می‌شود. به طور کلی رایج ترین سازهای سنتور عبارتند از: لاکوک، سل کوک، کروماتیک و کروماتیک بم.

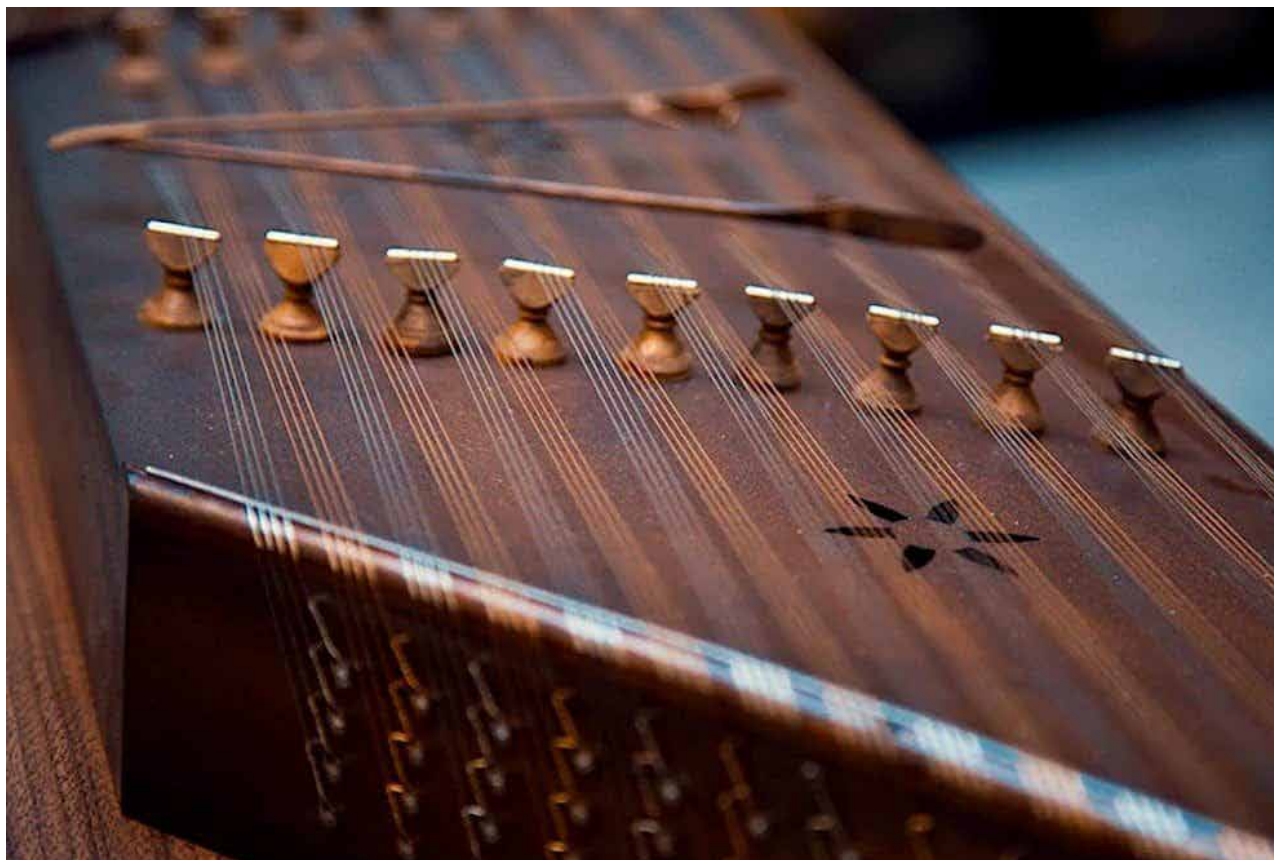
این ساز به تدریج در هر منطقه با فرهنگ محلی سازگار شده است. به عنوان مثال در پاکستان سازهایی مشابه آن وجود دارند، مثل سانتور هندی (Santoor). ویا مثلاً در ترکیه ساز مشابه‌ای به نام کانون (Kanun) که شباهت زیادی به سنتور دارد نواخته می‌شود. از دوره‌های نخستین امپراتوری عثمانی، سازهای زهی-ضربه‌ای شبیه سنتور از طریق ایران، عرب‌ها و همچنین راه‌های تجاری وارد قلمرو عثمانی شدند. در متون عثمانی قرن‌های ۱۵ و ۱۶، از ساز "سنتور" نام برده شده

در افغانستان این ساز سابقه چند صد ساله دارد، ولی دقیقاً مشخص نیست که از چه زمانی وارد فرهنگ موسیقی محلی شده است و به احتمال زیاد از طریق راه های فرهنگی و تجاری ایران و هند وارد افغانستان شده است. سنتور افغان ها شبیه سنتور ایرانی است اما تعداد سیم ها و نحوه کوک و تکنیک نوازندگی گاهی متفاوت است.

در کشور آذربایجان نیز این ساز در موسیقی محلی و کلاسیک استفاده می شود اما تفاوت های فرهنگی و تکنیکی نسبت به سنتور ایرانی دارد. احتمالاً این ساز نیز از طریق ایران و مسیرهای فرهنگی قفقاز وارد آذربایجان شده است.

و در برخی مینیاتورها تصویر نوازندگان آن دیده می شود. اما در کل می توان گفت که این ساز نسبت به قانن و سازهای کلاسیک ترکی کمتر رایج است.

در کشورهای تاجیکستان و ازبکستان ساز سنتور به نام سانتور (Santoor) یا دانگ سانتور در این منطقه شناخته شده است که بیشتر در موسیقی کلاسیک و محلی تاجیک ها و ازبک ها استفاده می شود و شباهت زیادی به سنتور ایرانی دارد، اما گاهی اندازه و تعداد سیم ها متفاوت است. در قزاقستان و قرقیزستان سازهایی شبیه سنتور مانند کانون و ژانگل (Zhankyl) در موسیقی محلی و فولکلور دیده می شوند. این سازها از نظر تکنیک نوازندگی و سیستم پرده ها با سنتور ایرانی متفاوت هستند، اما صدا و نقش ملودی آنها شبیه سنتور است. در ترکمنستان سنتور به صورت مستقیم استفاده نمی شود، اما سازهای کوبه ای یا زهی شبیه سنتور در موسیقی محلی وجود دارد که ملودی و آکورد شبیه سنتور ایران دارد.





شیراز، پایتخت فرهنگی ایران

شیراز یکی از کهن‌ترین و مهم‌ترین شهرهای ایران است که نقش پررنگی در تاریخ، فرهنگ و ادب کشور داشته است. پیشینه سکونت در منطقه شیراز به دو هزار سال پیش از میلاد بازمی‌گردد. در الواح ایلامی از مکانی با نامی شبیه به "تیرازیس" یا "شیرازیس" یاد شده که برخی پژوهشگران آن را مرتبط با شیراز امروزی می‌دانند. نزدیکی شیراز محوطه‌های مهمی چون تخت جمشید و پاسارگاد قرار دارد که نشان‌دهنده اهمیت این منطقه در دوران هخامنشیان است، هرچند خود شیراز در آن زمان شهر اصلی نبوده است.

شیراز به شهر شعر، شراب، باغ، نارنج و ترنج، گل و بلبل معروف است. باغ در فرهنگ ایرانیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و شیراز از قدیم به داشتن باغ‌های بسیار و زیبا مشهور بوده است. از مهمترین آنها باغ ارم، باغ دلگشا و باغ جهان نما را می‌توان نام برد. این باغ‌ها نمونه‌های شاخص باغ ایرانی هستند که نشان‌دهنده پیوند طبیعت، معماری و اندیشه ایرانی می‌باشند.

در دوره ساسانی، منطقه فارس مرکز قدرت سیاسی و مذهبی بود و راه‌های ارتباطی مهمی از این ناحیه عبور می‌کرد. پس از ورود اسلام به ایران در قرن ۷ میلادی، شیراز به تدریج اهمیت یافت. در قرن چهارم هجری و در دوران آل‌بویه، شیراز به پایتختی انتخاب شد و به یکی از مراکز مهم علمی، فرهنگی و اقتصادی جهان اسلام تبدیل گردید. بسیاری از بناها، کتابخانه‌ها و مراکز علمی در این دوره ساخته شد. در دوران حمله مغول، برخلاف

بسیاری از شهرهای ایران، شیراز آسیب کمتری دید. همین امر باعث تداوم حیات فرهنگی شهر شد. در این دوره، شیراز به عنوان شهری امن‌تر برای علما و شاعران شناخته می‌شد.

در دوره صفویه، هرچند اصفهان پایتخت بود، اما شیراز همچنان یکی از شهرهای مهم ایران باقی ماند و به عنوان مرکز ایالت فارس نقش اداری و فرهنگی مهمی داشت.

اما اوج شکوفایی سیاسی شیراز در قرن ۱۸ میلادی و در دوران کریم‌خان زند بود که شیراز را پایتخت ایران قرار داد، و بناهایی چون: ارگ کریم‌خان، بازار وکیل، حمام و مسجد وکیل از یادگارهای مهم این دوره می‌باشند. در دوره قاجار، شیراز پایتخت نبود اما جایگاه فرهنگی خود را حفظ کرد.

شیراز زادگاه زندگی بزرگان ادب فارسی مانند حافظ شیرازی و سعدی شیرازی می‌باشد و آرامگاه این دو شاعر که نمادی از معماری سنتی و باغ ایرانی است، از مهمترین نمادهای فرهنگی ایران به شمار می‌روند. اهمیت این دو شاعر برای تمامی جهانیان آشکار است و دیوان حافظ الهام‌بخش اندیشمندانی چون گوته در غرب شد و آثار سعدی قرن‌ها در مدارس ایران، هند و عثمانی تدریس می‌شد.

شیراز در تاریخ ایران، جایگاهی یگانه در ادبیات فارسی و عرفان ایرانی-اسلامی دارد؛ به گونه‌ای که نام این شهر با شعر، عشق، اخلاق و معرفت گره خورده است.

از قرن ششم تا هشتم هجری، شیراز یکی از مهم‌ترین مراکز فرهنگی جهان اسلام بود. آرامش نسبی سیاسی، حمایت حاکمان، وجود مدارس و

بزرگ آغاز شده بوده است و ۱۵۰ سال (به روایتی دیگر ۱۲۰ سال) طول کشیده تا کار ساخت تمام بخش‌های آن به پایان رسد. تخت جمشید بیشتر کاربرد تشریفاتی داشت و محل برگزاری مراسم مهمی مانند جشن نوروز و پذیرایی از نمایندگان ملت‌های مختلف امپراتوری بود. نقش برجسته‌ها اقوام گوناگون، نشان دهنده اهدا هدایا به پادشاه است که بیانگر سیاست مدارا و همزیستی فرهنگی در حکومت هخامنشی است.

معماری تخت جمشید ترکیبی از هنر و فنون ملل مختلف (ایرانی، بابلی، مصری و یونانی) است، اما هویت کاملاً ایرانی دارد. ستون‌های بلند، سرستون‌های گاو و شیر، نقش برجسته‌های دقیق و نظم هندسی بناها نشان‌دهنده پیشرفت چشمگیر هنر و مهندسی در ایران باستان است. معماری فوق‌العاده این مجموعه نشان از توانایی بسیار بالا و هنر معماران ایرانی داشته است. کتیبه‌ها و نقش برجسته‌های تخت جمشید اطلاعات ارزشمندی درباره ساختار حکومتی، باورها، پوشش، روابط سیاسی و اجتماعی دوران هخامنشی ارائه می‌دهند. تخت جمشید امروزه نماد تمدن کهن، وحدت فرهنگی و افتخار ملی ایرانیان است و نقش مهمی در تقویت هویت تاریخی و فرهنگی ایران دارد. به همین دلیل، در فهرست میراث جهانی یونسکو نیز ثبت شده

کتابخانه‌ها، زمینه‌ای مناسب برای رشد شاعران، نویسندگان و عارفان فراهم کرد.

شیراز در سال ۲۰۲۰ در فهرست شهرهای جهانی صنایع دستی قرار گرفت. از صنایع دستی این شهر می‌توان به معرق کاری، منبت کاری چوب، صنایع دستی سفالی و سرامیکی، کاشی معرق، کاشی هفت‌رنگ، هنرهای فلزی از جمله نقره‌کاری و قلم‌زنی، دست‌بافته‌هایی چون گلیم و گبه، نمدالی، گچ‌بری، گیوه‌بافی و نیز نگارگری اشاره نمود.

معمولاً همه شیراز را با بنای تاریخی تخت جمشید می‌شناسند. تخت جمشید در حدود ۵۷ کیلومتری شمال شرقی شهر شیراز و در نزدیکی شهر مرودشت قرار دارد. تخت جمشید (پارسه) یکی از مهم‌ترین و نمادین‌ترین آثار تاریخی ایران است. تخت جمشید در دوره هخامنشیان در زمان داریوش بزرگ، خشایارشا و اردشیر اول ساخته شد. این مجموعه نشان‌دهنده قدرت سیاسی، نظام اداری پیشرفته و عظمت امپراتوری هخامنشی است که در آن زمان بخش بزرگی از جهان را در بر می‌گرفت.

یکی از بارزترین ویژگی‌های تخت جمشید، وسعت تقریباً ۱۲۵ هزار متر مربعی آن و کتیبه‌ها، نگاره‌ها و آثار باستانی آن است که در کمتر جایی می‌توان پیدا کرد. ساخت این بنای عظیم و تاریخی حدوداً ۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح به دستور داریوش



پس از آتش‌سوزی، تخت جمشید اهمیت سیاسی خود را از دست داد. اشیای ارزشمند آن غارت شد و مجموعه به تدریج متروک گردید. همچنین فرسایش طبیعی در طول قرن‌ها مانند زلزله، باد، باران و گذر زمان باعث فرسایش تدریجی سنگ‌ها و فرو رختن بخش‌هایی از بنا شد. تخت جمشید از بناها، کاخ‌ها، ستون‌ها و ساختمانهای متعددی ساخته شده بود اما یکی دیگر از شگفتی‌های تخت جمشید وجود آبروهای زیرزمینی بود؛ مجاری مخصوصی که در قالب یک

است. در مجموع، تخت جمشید نه تنها یک بنای تاریخی، بلکه نمایانگر اوج تمدن، فرهنگ و اندیشه سیاسی ایران باستان است. تخت جمشید به‌طور عمده به دلیل حمله اسکندر مقدونی و حوادث پس از آن ویران شد، و مهمترین عامل ویرانی تخت جمشید آتش‌سوزی گسترده‌ای است که پس از فتح ایران توسط اسکندر مقدونی رخ داد. اسکندر پس از تصرف تخت جمشید دستور داد که کاخ را به آتش بکشند.



مختلفی مانند ایلامیان، هخامنشیان و ساسانیان است. از حدود ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد تا ۶۲۵ میلادی، نقش رستم همواره مکانی مهم و پر اهمیت بوده است. در اینجا آرامگاه چهار تن از شاهان هخامنشی، نقش برجسته‌های متعدد از اتفاقات مهم دوران ساسانیان، بنای کعبه زرتشت و همچنین نقش برجسته‌ای ویران شده از دوره ایلامیان به چشم می‌خورد.

شبکه فاضلاب در زیر بناهای مختلف طراحی شده بود تا با هدایت سریع و آسان آب باران از خیابان‌ها و حیاط‌های مجموعه، آسیبی به ساختمان‌های اصلی نرسد. از دیگر مجموعه‌های باستانی می‌توان به نقش رستم اشاره نمود که در گذشته نام آن سه گنبدان یا دو گنبدان بوده است و در ۶ کیلومتری تخت جمشید قرار دارد، که یادگاری از تمدن‌های

طبیعی و پرتگاه‌های عمیق از سه طرف، این قلعه را چنان نفوذناپذیر کرده‌اند که گویی طبیعت خود، مهندس دفاعی آن بوده است.

روایتی از تاریخ و راز

قدمت قلعه پشتاب به دوره‌های پر رمز و راز اشکانیان و ساسانیان می‌رسد، اما اهمیت اصلی آن زمانی خود را نشان داد که منطقه ارسباران به مرکز مقاومت تبدیل شد. می‌گویند این قلعه، یکی از حلقه‌های حیاتی در شبکه فرماندهی بابک خرم‌دین بوده است. از این نقطه، با روشن کردن آتش و دود، پیام‌های محرمانه میان قلعه‌های استراتژیک دیگر، مانند قلعه بابک و قهقهه، رد و بدل می‌شده است. به عبارتی، پشتاب مرکز رصد و مخابرات یک جنبش بزرگ بود.

مسیر فتح و معماری خارق‌العاده

رسیدن به قلعه، خود یک ماجراجویی تمام‌عیار است. برخلاف سازه‌های امروزی، این دژ فقط از یک سمت راه ورودی دارد: یک معبر باریک که با بیش از ۲۲۰ پله سنگی دست‌نکش همراه است. این پله‌ها، یادگار معمارانی هستند که امنیت را بر آسایش ترجیح دادند.

با صعود به این ارتفاع و عبور از پله‌ها، بقایایی از برج‌ها، اتاق‌ها و مهم‌تر از همه، آب‌انبارهایی را خواهید دید که با زحمت فراوان درون دل صخره‌ها تراشیده شده‌اند تا آب باران و برف را برای روزهای محاصره ذخیره کنند. دیدن این سازه‌های دفاعی و تدارکاتی، درک عمیق‌تری از نبوغ مهندسی نیاکانمان به شما می‌دهد.

اگر از جنس سفر و هیجان هستید و می‌خواهید قدم جای پای قهرمانان تاریخ بگذارید، قلعه پشتاب منتظر شماست تا داستان نفوذناپذیری خود را برایتان روایت کند. این قلعه در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است و بدون شک، یکی از برجسته‌ترین جاذبه‌های تاریخی و طبیعی آذربایجان شرقی به شمار می‌رود.



قلعه پشتاب: دژ مستحکم بر فراز آسمان ارسباران

اگر به دنبال مکانی هستید که نه تنها تاریخ را لمس کنید، بلکه ارتفاعی را فتح کنید که فقط عقاب‌ها به آن دسترسی دارند، مقصد شما قلعه پشتاب (یا همان قلعه پشتو) است. این دژ باستانی در آذربایجان شرقی، یک اثر معماری معمولی نیست؛ بلکه یک پازل سنگی است که در یکی از سخت‌ترین نقاط منطقه هوراند پنهان شده است.

تصور کنید که بر بلندای کوه «هشت سر»، در ارتفاعی حدود ۳۰۰۰ متری ایستاده‌اید. دیوارهای

یزد، شهر میراث جهانی و اولین شهر ایران در فهرست یونسکو



شهر یزد یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران و جهان است و به دلیل ویژگی‌های منحصربه‌فرد تاریخی، معماری و فرهنگی، در سال ۱۳۹۶ خورشیدی (۲۰۱۷ میلادی) با عنوان «بافت تاریخی شهر یزد» در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید. واژه یزد در لغت به معنای سپند و پاک می باشد و وجه تسمیه این شهر، سرزمین مقدس و شهر خدا است.



درواقع یزد نخستین شهر خشتی زنده جهان است که به طور کامل در فهرست میراث جهانی ثبت شده و نمونه‌ای برجسته از سازگاری انسان با محیط کویری به شمار می‌رود. از مهمترین ویژگی‌های این شهر می توان به معماری خشتی خاص و استفاده گسترده از خشت و گل که با اقلیم گرم و خشک سازگار است، اشاره نمود. وجود قنات‌ها، آب انبارها و پایاب‌ها در این شهر امکان زندگی پایدار در کویر را فراهم می سازد. بادگیرهای این شهر نمونه ای درخشان از تهویه طبیعی در معماری سنتی است. برخلاف بسیاری از شهرهای تاریخی، بافت قدیم یزد هنوز محل زندگی مردم است. این بافت تاریخی شامل محله‌های قدیمی، کوچه های باریک، مساجد، بازارها، خانه‌های تاریخی و سازه‌های آبی است که یک ساختار شهری منسجم و کهن را شکل می‌دهد.



ثبت شهر یزد در یونسکو نه تنها ارزش جهانی این شهر را تأیید می‌کند، بلکه به حفاظت بهتر، توسعه گردشگری پایدار و شناساندن فرهنگ و معماری ایرانی-کویری به جهان کمک می‌نماید. بادگیرهای یزد یکی از شاخص‌ترین نمادهای معماری سنتی ایران و نمونه‌ای درخشان از سازگاری انسان با اقلیم گرم و خشک کویر هستند. این سازه‌های هوشمندانه قرن‌ها پیش از اختراع وسایل سرمایشی مدرن، نقش کولر طبیعی را ایفا می‌کردند.



بادگیرها در اصل سازه‌های عمودی می‌باشند که روی بام خانه‌ها، آب انبارها و بناهای عمومی

باغداری داشته است. حضور قنات، در فرهنگ و هویت محلی یزدی‌ها نیز نقش مهمی داشته و نماد همزیستی با طبیعت بیابانی محسوب می‌شود. قنات زارچ (یکی از مهم‌ترین قنات‌های یزد که بیش از ۳۰۰۰ سال قدمت دارد) در گذشته هزاران هکتار باغ و زمین را آبیاری می‌کرد، از جمله باغ‌های انار، انگور، بادام، هلو و دیگر محصولات کشاورزی.

کشاورزی وابسته به این آب بوده است و قنات زارچ بخش مهمی از اقتصاد محلی را تشکیل می‌داد. وجود قنات‌ها باعث شد که شهر یزد بتواند در دل کویر شکل بگیرد و رشد کند. بدون منبع پایدار آب، زندگی شهری در این ناحیه تقریباً غیر ممکن بود. شبکه‌ی قنات با ترکیب با اجزای سنتی مانند آب انبارها و بادگیرها توانست یک سیستم جامع مدیریت آب و اقلیم بسازد.

آب‌انبارها نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری، تداوم زندگی و هویت شهری یزد داشته‌اند؛ شهری کویری که همواره با کم‌آبی روبه‌رو بوده است و آب انبارها اصلی‌ترین منبع ذخیره و توزیع آب سالم برای ساکنان بودند. آبی که از قنات‌ها یا بارندگی‌های فصلی تامین می‌شد در آب انبارها ذخیره می‌شد تا در طول سال به خصوص در تابستان‌های بسیار گرم، مورد استفاده قرار گیرد. آب انبارها به واسطه معماری خاص شامل گنبد، بادگیر، مخزن عمیق و مصالح خاص باعث می‌شد که آب خنگ بماند و تبخیر نشود و کیفیت خود را حفظ نماید. آب‌انبارهای یزد نمونه‌ای شاخص از دانش سنتی مدیریت آب هستند که بدون فناوری مدرن، نیازهای حیاتی شهر را برطرف می‌کردند.

ساخته می‌شدند و با هدایت جریان باد و ایجاد اختلاف فشار، هوای خنگ را به فضای داخلی می‌رساند و هوای گرم را خارج می‌کند. بادگیرها به چند روش باعث خنک شدن فضا می‌شوند. اول هدایت باد است که از دهانه‌های بالای بادگیر وارد شده و به داخل ساختمان منتقل می‌شود. دوم ایجاد مکش هوا حتی در زمانی که باد نیست، می‌باشد که در واقع این اختلاف دما باعث حرکت هوا و خروج هوای گرم می‌شد. سوم خنک سازی با آب است بنحوی که در بسیاری از خانه‌ها باد به روی سطح آب یا پایاب قنات می‌وزد و با تبخیر هوا خنک‌تر می‌شود. این بادگیرها از خشت و گل و آجر ساخته شده‌اند و به صورت دقیق در جهت بادهای محلی طراحی شده‌اند. معروف‌ترین بادگیر یزد، بادگیر باغ دولت‌آباد با ارتفاع حدود ۳۳ متر، بلندترین بادگیر خشتی جهان است و یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های گردشگری یزد به شمار می‌رود.

قنات‌ها در استان و شهر تاریخی یزد نقش بسیار اساسی و چندجانبه‌ای داشته‌اند که به‌ویژه در یک محیط کاملاً کویری و خشک مانند این منطقه، برای زنده نگه داشتن زندگی انسانی، اقتصاد و فرهنگ ضروری بوده است. یزد در ناحیه‌ای با بارش بسیار کم قرار دارد، بنابراین آب سطحی یا رود دائمی وجود ندارد. در چنین شرایطی، قنات‌ها توانستند آب زیرزمینی را با استفاده از شیب طبیعی زمین به سطح شهر برسانند و آن را برای آب آشامیدنی قابل استفاده کنند. این آب برای مصرف روزمره خانواده‌ها استفاده می‌شد و به بقا و رشد جمعیت کمک می‌نمود. همچنین آب قنات‌ها نقش اساسی در زراعت و





هنر نقاشی و نگارگری در ایران: از ارژنگ مانی تا مکتب اصفهان

پیشینه و دوران باستان

هنر نقاشی در ایران پیش از اسلام (تا سده هفتم میلادی) ماهیتی تشریفاتی داشت و عمدتاً بر پیکره‌نگاری و نمایش طبیعت تمرکز می‌کرد. آثار به‌جای‌مانده بر سفالینه‌ها، دیوارنگاره‌ها و کاشی‌کاری‌های این دوران، گواه این مدعاست. ریشه‌های ژرف نگارگری ایرانی به سده سوم میلادی و ظهور مانی، پیامبر و نقاش ساسانی، بازمی‌گردد. او با خلق کتاب تصویری «ارژنگ» و استفاده از جزئیات بی‌نظیر برای بیان فلسفه آیین خود، پیشگام این سبک شد. روش مانی در تزیین تالارهای نقاشی (نگارستان)، بعدها بر هنر کلیسایی و بیزانسی نیز تأثیر گذاشت.



دوران اسلامی و ظهور مینیاتور

با ورود اسلام، هنر نقاشی به سمت کتابت و تزیین نسخ خطی سوق یافت و هنرهایی نظیر مینیایی، تشعیر و تذهیب شکل گرفتند. در دوره‌های سلجوقی و ایلخانی (سده‌های ۱۰ تا ۱۳ میلادی)، مینیاتور ایرانی به معنای نقاشی کتاب‌های مصور تثبیت شد و سبک‌های داستانی و حماسی همچون «شاهنامه‌نگاری» رواج یافت. اگرچه پس از حمله مغول، عناصری از هنر چینی وارد نگارگری ایران شد، اما باید دانست که پیش از آن، هنر ایرانی تأثیرات شگرفی بر هنر شرق دور گذاشته بود.

دوران شکوه: تیموریان و صفویان

سده‌های ۱۴ تا ۱۷ میلادی، دوران طلایی مینیاتور ایران است. در این عصر، واقع‌گرایی با تزیینات ظریف پیوند خورد. از برجسته‌ترین ویژگی‌های

مفاهیم و ویژگی‌های فنی

واژه‌شناسی: واژه «مینیاتور» که از ریشه فرانسوی «مینی موم ناتورال» گرفته شده، در لغت به معنای «کوچک‌نمایی» است. با این حال، در زبان فارسی دو معنا دارد: نخست، نوعی نقاشی ظریف که در آن قواعد پرسپکتیو اروپایی رعایت نمی‌شود و دوم، هر اثری که بر پایه سبک نگارگری باشد.

تفاوت نگارگری و مینیاتور: مینیاتور یک اصطلاح کلی هنری برای آثار ظریف و کوچک است، اما نگارگری واژه‌ای تخصصی است که منحصرأ به نقاشی‌های اصیل ایرانی و شرقی با ویژگی‌های نمادین و عرفانی اطلاق می‌شود.

جهانبینی هنری: نگارگر ایرانی با استفاده از نمادها و موادی چون لاجورد و شنگرف، دنیایی خیالی و اندیشه‌محور می‌آفریند. او در آثارش توازن، تقارن و نظم را به کار می‌گیرد تا جلوه‌ای از جمال الهی را به تصویر بکشد.

نقاشی صفوی می‌توان به طراحی استوار پیکره‌ها، ترکیب‌بندی‌های استادانه، استفاده از لاجورد، طلا و نقره، و نمایش طبیعت آرمانی اشاره کرد. هنرمندانی چون کمال‌الدین بهزاد و رضا عباسی در این دوره مکاتب بزرگی را بنیاد نهادند. شاه عباس اول با حمایت‌های گسترده و مرمت آثار پیشین، نقش مهمی در احیای این هنر ایفا کرد و اصفهان را به مرکز جهانی نگارگری بدل ساخت.

دوران قاجار، پهلوی و عصر معاصر

در سده‌های ۱۸ تا ۲۰ میلادی، با ورود آبرنگ، رنگ‌روغن و آموزش‌های آکادمیک از اروپا، سبک‌های ایرانی با رئالیسم غربی تلفیق شد. کمال‌الملک در دوره قاجار، پیشگام این پیوند بود. در دوران معاصر (سده ۲۰ و ۲۱)، هنرمندان با الهام از سنت‌های اصیل و تکنیک‌های مدرن غربی، آثاری نو پدید آوردند که منجر به رواج مینیاتور مدرن شد. امروزه، هنر نگارگری ایران به عنوان میراثی جهانی در سازمان یونسکو به ثبت رسیده است.



رشت؛ از «دارالمرز» صفوی تا «شهر خلاق خوراک» یونسکو

۱۲ دی‌ماه، فرصتی است برای بازخوانی شناسنامه شهری که با نام «باران‌های نقره‌ای» و «شب‌های روشن» گره خورده است. اما چرا ۱۲ دی؟

ریشه تاریخی: از قزوین تا رشت

بر اساس مستندات تاریخی و پژوهش‌های اساتید برجسته‌ای چون «روبرت واهانیان»، حدود ۴۶۸ سال پیش در چنین روزی (۱۲ دی ۹۳۶ هجری شمسی)، «سلطان محمود»، نماینده شاه طهماسب صفوی، در میان استقبال بزرگان منطقه وارد رشت شد. این تاریخ نقطه عطفی در تاریخ گیلان است؛ چرا که رشت رسماً به عنوان مرکز سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این ایالت برگزیده شد و جایگزین قومناز گردید.

رشت؛ دروازه تمدن و شهر اولین‌ها

موقعیت استراتژیک رشت در مسیر راه ابریشم و نزدیکی به اروپا از طریق دریای مازندران، این شهر

را به «دروازه ورود مدرنیته» به ایران تبدیل کرد. رشت در بسیاری از شاخص‌های فرهنگی پیشگام بوده است:

- اولین کتابخانه ملی ایران (۱۳۰۶)
- اولین تئاتر کلاسیک با حضور بانوان
- اولین داروخانه شبانه‌روزی (داروخانه کارون)
- اولین خانه سالمندان و معلولین در ایران

هویت فرهنگی: شهر خلاق خوراک‌شناسی

در سال ۲۰۱۵، رشت به عنوان تنها شهر ایران در آن زمان، به شبکه شهرهای خلاق یونسکو (UCCN) در زمینه خوراک‌شناسی (Gastronomy) پیوست. با بیش از ۲۵۰ نوع تنوع غذایی، رشت نه تنها یک قطب آشپزی، بلکه موزه‌ای زنده از پیوند «طبیعت» و «فرهنگ» است که در آن استفاده از مواد بومی و گنج‌های سفالی، بخشی از میراث ناملموس بشری محسوب می‌شود.

رویدادهای امسال (دی ۱۴۰۴ / ژانویه ۲۰۲۶)

به مناسبت این روز، شهرداری و مراکز فرهنگی رشت برنامه‌های متنوعی را تدارک دیده‌اند:





- نمایشگاه رشت در گذر زمان: اکران تصاویر قدیمی و اسناد تاریخی در پیاده‌راه فرهنگی (میدان شهرداری).
- جشنواره خوراک محلی: برپایی غرفه‌های معرفی غذاهای اصیل گیلانی با رویکرد گردشگری پایدار.
- نشست‌های علمی: بررسی نقش رشت در جنبش مشروطه و نهضت جنگل با حضور پژوهشگران تاریخ.
- کنسرت‌های موسیقی ملل: اجرای گروه‌های موسیقی فولکلور به مناسبت انتخاب دوشنبه (تاجیکستان) به عنوان پایتخت فرهنگی آسیا و پیوندهای فرهنگی رشت با آسیای مرکزی.

سخن پایانی: روز رشت، تنها متعلق به جغرافیای گیلان نیست؛ این روز متعلق به تمام کسانی است که به فرهنگ، تسامح و مدنیت ارج می‌نهند. رشت با بازار بیدار، پیرسراهای تاریخی و باران‌های همیشگی‌اش، همواره قلب تپنده فرهنگ شمال ایران باقی خواهد ماند.

**«رشت، شهر شب‌های روشن، ۱۲ دی
ماه بر همگان خجسته باد.»**

قزاقستان

مرد طلایی: شکوه تمدن و هویت ملی قزاقستان

در سال ۱۹۶۹ میلادی، باستان‌شناسان در منطقه «ایسپیک» در نزدیکی آلماتی، موفق به کشف یکی از خیره‌کننده‌ترین یافته‌های باستان‌شناسی قرن شدند. در اعماق یک تپه باستانی (کورگان)،



بقایای جنگجوی جوانی متعلق به سده چهارم یا پنجم پیش از میلاد پیدا شد که از سر تا پا در پوششی از طلا قرار داشت. این جنگجو که عضوی از اتحادیه قبایل سکا بود، به دلیل تجمل بی‌نظیر تدفینش، به «مرد طلایی» شهرت یافت و به سرعت به نماد پیوند قزاقستان معاصر با تمدن‌های درخشان عصر آهن تبدیل شد. لباس مرد طلایی شاهکاری از هنر زرگری باستان است که از بیش از ۴۰۰۰ قطعه طلای ظریف تشکیل شده است. کلاه بلند و مخروطی او که حدود ۷۰ سانتی‌متر ارتفاع دارد، با نقش‌هایی از اسب‌های بالدار، درختان حیات و کوه‌های اسطوره‌ای تزیین شده است که نشان‌دهنده جهان‌بینی عمیق اقوام کوچ‌نشین و تسلط آن‌ها بر عناصر طبیعت است. استفاده از سبک حیوانی در طراحی این قطعات، که در آن تصاویر پلنگ، بز کوهی و عقاب با دقت و ظرافت خیره‌کننده‌ای ترسیم شده، گواهی بر مهارت فنی و ذوق هنری بالای مردمان آن دوران در قلب آسیای مرکزی است. کشف مرد طلایی تنها یک یافته مادی نبود، بلکه معادلات تاریخی درباره اقوام سکا را دگرگون کرد. وجود چنین پوشش مجلل و پیدا شدن ظرفی نقره‌ای با کتیبه‌ای ناشناخته در کنار جسد، ثابت کرد که این اقوام دارای ساختار اجتماعی پیچیده، سیستم سیاسی قدرتمند و از همه مهم‌تر، خط و کتابت مخصوص به خود بوده‌اند. این یافته‌ها نشان داد که منطقه قزاقستان از هزاره‌های پیشین، گهواره‌ای برای توسعه تکنولوژی ذوب فلزات و تعاملات فرهنگی در مسیر جاده ابریشم بوده است. امروزه نسخه اصلی این شاهکار جهانی در «تالار طلا» در موزه ملی جمهوری قزاقستان در شهر آستانه نگهداری می‌شود. پس از استقلال، مرد طلایی به عنوان ستون اصلی هویت ملی برگزیده شد و تندیس او بر فراز یک پلنگ برفی بالدار، بر بلندای «بنای یادبود استقلال» در شهر آلماتی جای گرفت. این تصویر که ترکیبی از سلحشوری

برای مردم قزاقستان، این نماد فراتر از یک گنجینه موزه‌ای، گواهی بر ریشه‌های عمیق آن‌ها در خاک تاریخ و الهام‌بخش نسل‌های آینده برای ساختن کشوری قدرتمند و متکی بر اصالت‌های فرهنگی است. این اثر تاریخی به‌عنوان میراثی ارزشمند، یادآور این حقیقت است که هنر و تمدن، مرزهای زمانی را درنور دیده و به بخشی از حافظه جمعی بشریت تبدیل شده است.

باستانی و آرمان‌گرایی مدرن است، نماد حاکمیت ملی و آزادی ملت قزاق محسوب شده و نقش‌های آن در طراحی‌های رسمی، اسکناس‌ها و نشان‌های ملی به‌وفور به کار گرفته شده است. مرد طلایی امروزه به‌عنوان «سفیر فرهنگی» قزاقستان در جهان شناخته می‌شود. پروژه‌های نمایشگاهی بزرگی با محوریت این اثر در موزه‌های معتبر دنیا برگزار شده تا پیام صلح و پیشینه غنی تمدنی این کشور را به گوش جهانیان برساند.



سایگا؛ بازمانده عصر یخبندان در دشت‌های قزاقستان



سایگا (*Saiga tatarica*) حیوانی است که بیش از هر موجود دیگری با دشت‌های وسیع (استپ) قزاقستان پیوند خورده است. این حیوان زمانی در کنار ماموت‌ها زندگی می‌کرد و امروزه بیش از ۹۰ درصد جمعیت جهانی آن در خاک قزاقستان یافت می‌شود.

۱. ویژگی منحصر به فرد:

بینی خرطوم‌مانند

بارزترین ویژگی سایگا، بینی بزرگ، متورم و رو به پایین آن است که شبیه به یک خرطوم کوتاه به نظر می‌رسد. این بینی یک معجزه مهندسی طبیعت است؛ در تابستان: مانند یک فیلتر عمل کرده و مانع از ورود گرد و غبار دشت به ریه‌های حیوان در هنگام دویدن‌های گله‌ای می‌شود. در زمستان: هوای سرد و خشک قطبی را قبل از رسیدن به ریه‌ها، گرم و مرطوب می‌کند تا حیوان از پا در نیاید.



۲. مهاجران خستگی‌ناپذیر دشت

سایگاها حیواناتی به شدت مهاجر هستند. آن‌ها هر سال صدها کیلومتر را در دشت‌های قزاقستان طی می‌کنند تا به مراتع تازه برسند. سرعت: این حیوان می‌تواند با سرعت ۸۰ کیلومتر بر ساعت بدود که برای فرار از دست گرگ‌ها در دشت‌های باز بسیار حیاتی است.

۳. معجزه بقا (۲۰۲۴-۲۰۲۶)

داستان سایگا در قزاقستان، یکی از موفق‌ترین پروژه‌های حفاظت در جهان است: بحران انقراض: در سال ۲۰۱۵، یک بیماری باکتریایی مرموز بیش از ۲۰۰ هزار رأس سایگا را در چند هفته از بین برد و این گونه را به لبه انقراض کشاند. احیای شگفت‌انگیز: با تلاش‌های دولت قزاقستان و نهادهای بین‌المللی در مبارزه با شکار غیرقانونی (برای شاخ‌های قیمتی‌اش در طب سنتی)، جمعیت آن‌ها از چند ده هزار رأس به بیش از ۱۰۹ میلیون رأس در سال‌های اخیر رسیده است که یک پیروزی بزرگ برای محیط‌زیست منطقه اکو محسوب می‌شود.







بش‌بارماق؛ آیین باستانی مهمان‌نوازی در استپ

«بش‌بارماق» در زبان‌های ترکی آسیای مرکزی به معنای «پنج انگشت» است. وجه تسمیه این نام به دوران کوچ‌نشینی بازمی‌گردد؛ زمانی که جنگجویان و چوپانان در دشت‌های پهناور، بدون استفاده از ابزار مدرن و با دست (پنج انگشت) این غذای مقوی را میل می‌کردند تا نمادی از صمیمیت و برابری باشد.

۱. معماری و اجزای غذا

این غذا از سه بخش اصلی و استراتژیک تشکیل شده است که ترکیب آن‌ها توازنی میان پروتئین و کربوهیدرات ایجاد می‌کند:

گوشت (نقطه ثقل): معمولاً از گوشت اسب (به‌ویژه قطعات لذیذ «قازی» و «ژای») یا گوشت گوسفند استفاده می‌شود. گوشت باید ساعت‌ها در دیگ‌های بزرگ پخته شود تا به مرحله‌ای برسد که به راحتی از استخوان جدا شود.

خمیر (خموی): قطعات پهن و بزرگ خمیر که شباهت زیادی به نودل‌های لازانیا دارد، در آب گوشت (شورپا) پخته می‌شوند تا طعم عصاره گوشت را کاملاً به خود جذب کنند.

چیک (سس پیاز): پیازهای حلقه‌شده که در چربی روی آب گوشت و فلفل سیاه تفت داده شده‌اند، روی لایه‌های گوشت و خمیر ریخته می‌شوند تا تندی و عطر لازم را به غذا ببخشند.

۲. آیین تقسیم گوشت (Ulustyk)

سرو بش‌بارماق در قزاقستان یک پروتکل اجتماعی دقیق است. قطعات مختلف گوشت بر اساس سن، رتبه و جایگاه اجتماعی میان مهمانان تقسیم می‌شود:



کله گوسفند (Bas): به محترم‌ترین یا مسن‌ترین فرد مجلس هدیه می‌شود. او وظیفه دارد قطعات کوچک کله را بریده و میان سایر مهمانان (مثلاً گوش برای کودکان جهت شنوا بودن و زبان برای جوانان جهت فصاحت کلام) تقسیم کند.

استخوان ران (Jambas): سهم مهمانان ویژه و بزرگ خاندان است.

۳. شورپا (Shorpa)؛ مکمل نهایی

پس از صرف بش‌بارماق، حتماً یک کاسه از آب گوشت غلیظ و معطر که غذا در آن پخته شده (شورپا)، به مهمانان تعارف می‌شود. قزاق‌ها معتقدند این عصاره نه تنها به هضم غذا کمک می‌کند، بلکه تمام قوای بدنی مورد نیاز برای زندگی در اقلیم سخت دشت را تأمین می‌نماید.

۴. تفاوت‌های منطقه‌ای در سال ۲۰۲۶

امروزه در شهرهای مدرن مثل آستانه و آلماتی، بش‌بارماق با ظاهری آراسته‌تر در دیس‌های بزرگ چوبی به نام «آستاو» (Astau) سرو می‌شود. در مناطق غربی قزاقستان (کنار دریای مازندران)، گاهی به جای گوشت قرمز از ماهی خاویاری (فیل‌ماهی) برای تهیه این غذا استفاده می‌کنند که به «بش‌بارماق فیش» معروف است.



«تای‌قازان؛ دیگ عظیم و نماد همبستگی»

جمعه استفاده می‌شد. در فرهنگ کوچ‌نشینی قزاق، «قازان» (دیگ) نماد خانواده، برکت و اتحاد است. شکستن یا از دست دادن دیگ یک قبيله، به معنای فروپاشی آن ایل تلقی می‌شد؛ از این رو «تای‌قازان» نماد انسجام تمام قبایل قزاقستان محسوب می‌شود.

۴. داستان بازگشت تاریخی

این ظرف در دوران اتحاد جماهیر شوروی (سال ۱۹۳۵) برای نمایش در موزه ارمیتاژ به لنینگراد برده شد. پس از سال‌ها پیگیری مردم و دولت قزاقستان، سرانجام در سال ۱۹۸۹ این میراث گرانبها به مکان اصلی خود در آرامگاه ترکستان بازگشت که این واقعه در تاریخ معاصر قزاقستان به عنوان یک «جشن ملی» ثبت شده است.



۱. مشخصات فنی و مهندسی

ابعاد خیره‌کننده: قطر دهانه این دیگ ۲۰۴۵ متر و وزن آن حدود ۲ تن است.

ترکیب آلیاژ: این ظرف از ترکیب هفت فلز (هفت‌جوش) شامل آهن، روی، سرب، قلع، مس، نقره و طلا ساخته شده است تا علاوه بر دوام، طنین و درخشش خاصی داشته باشد.

ظرفیت: تای‌قازان گنجایش ۳۰۰۰ لیتر مایعات را دارد.

۲. نمادشناسی و تزیینات

بدنه خارجی این ظرف با ظرافت بسیاری تزیین شده است که آن را به یک شاهکار کالیگرافی (خوشنویسی) تبدیل می‌کند:

کتیبه‌های قرآنی: دور تا دور دهانه ظرف با خط ثلث و آیات قرآن تزیین شده است.

نام سازنده: نام استاد سازنده (عبدالعزیز بن شرف‌الدین تبریزی) بر روی آن حک شده که نشان‌دهنده پیوند هنری میان تبریز و ترکستان در آن دوران است.

نقوش اسلیمی: پایه‌ها و دسته‌های دیگ با نقوش اسلیمی و لوتوس (نیلوفر آبی) تزیین شده‌اند که نماد پاکی و جاودانگی هستند.

۳. کارکرد معنوی و اجتماعی

در گذشته، از این دیگ برای پختن «حلیم» یا توزیع آب شیرین میان زائران و مستمندان پس از نماز



قرقیزستان

تاشرباط؛ دژ سنگی جاده ابریشم در بلندای کوهستان

تاشرباط در زبان قرقیزی به معنای «استراحتگاه سنگی» است. برخلاف اکثر کاروانسراهای جاده ابریشم که از خشت و آجر ساخته می‌شدند، این بنا کاملاً از سنگ‌های کوهستانی تراش‌خورده بنا شده تا در برابر سرمای استخوان‌سوز و شرایط سخت اقلیمی منطقه دوام بیاورد.

۱. معماری و ساختار مهندسی

تاشرباط بزرگترین بنای سنگی در آسیای مرکزی است که معماری آن با سایر کاروانسراها متفاوت است:

ساختار زیرزمینی و گنبدی: بخش بزرگی از بنا در دل تپه حفر شده است تا از هدررفت گرما جلوگیری شود. این مجموعه دارای یک سالن مرکزی بزرگ با گنبدی مرتفع و ۳۱ اتاق (حجره) است که دور تا دور آن قرار گرفته‌اند.

تقارن خیره‌کننده: با وجود ساخت‌وساز در ارتفاعات صعب‌عبور، تقارن هندسی بنا بسیار دقیق است. ورودی اصلی با یک پیش‌طاق بلند تزئین شده و سقف اتاق‌ها به صورت گنبدی طراحی شده است تا فشار برف سنگین را تحمل کند.

دخمه‌ها و سیاه‌چال‌ها: در زیر برخی اتاق‌ها، حفره‌های عمیقی وجود دارد که باستان‌شناسان معتقدند یا برای نگهداری آذوقه در سرمای شدید و یا به عنوان زندان استفاده می‌شده است.

۲. معمای تاریخ و منشأ بنا

درباره تاریخ دقیق ساخت و کاربری اولیه تاشرباط میان مورخان اختلاف نظر وجود دارد:

صومعه یا کاروانسرا؟: برخی معتقدند این بنا در ابتدا در سده‌های ۸ تا ۱۰ میلادی به عنوان یک صومعه نسطوری (مسیحی) یا بودایی ساخته شده و بعدها در سده ۱۵ میلادی (دوران شکوه جاده ابریشم) بازسازی شده و به عنوان کاروانسرا تغییر کاربری یافته است.

ایستگاه استراتژیک: تاشرباط در مسیر اصلی کاروان‌هایی قرار داشت که از دره فرغانه به سمت کاشغر (چین) حرکت می‌کردند. این مکان آخرین پناهگاه امن برای بازرگانان پیش از عبور از گردنه‌های خطرناک «توروگارت» بود.

۳. اهمیت فرهنگی و گردشگری (۲۰۲۴)

امروزه تاشرباط یکی از مهم‌ترین مقاصد گردشگری تاریخی در قرقیزستان است.

تجربه زندگی عشایری: در اطراف این کاروانسرا، یورت‌های (خیمه‌های) سنتی قرقیزی برپا شده است که به گردشگران اجازه می‌دهد سبک زندگی کهن کوچ‌نشینان را در کنار این بنای تاریخی تجربه کنند.

میراث یونسکو: تاشرباط به عنوان بخشی از سایت‌های جاده ابریشم در فهرست موقت میراث جهانی یونسکو قرار دارد و تلاش‌های بین‌المللی برای مرمت و حفظ ساختار سنگی آن در جریان است.

۴. اتمسفر و فضای معنوی

سکوت مطلق کوهستان، دیوارهای سنگی تیره و نور اندکی که از سوراخ‌های سقف به داخل می‌تابد، فضایی جادویی و رازآلود به تاشرباط بخشیده است. بسیاری از مسافران معتقدند این بنا انرژی خاصی از تاریخ را در خود حفظ کرده است.



مسجد چوبی دونگان؛ سمفونی رنگ و سنت در کاراکول

مسجد دونگان که در اواخر قرن نوزدهم (حدود سال ۱۹۱۰ میلادی) ساخته شده، یادگار قوم «دونگان» (مسلمانان چینی‌تبار) است که پس از سرکوب در چین، به منطقه آسیای مرکزی پناه آوردند. این مسجد نمادی از صلح، استقامت و تلاقی تمدن‌هاست.

۱. معماری حیرت‌انگیز: بنایی بدون میخ

بارزترین ویژگی این مسجد، نبوغ مهندسی به کار رفته در آن است:

اتصالات چوبی: این مسجد تماماً از چوب درختان صنوبر، نارون و سرو کوهی ساخته شده است. معماران دونگان با استفاده از تکنیک‌های باستانی نجاری، قطعات چوبی را با کام و زبانه به هم متصل کرده‌اند، به طوری که در کل سازه اصلی حتی یک میخ فلزی به کار نرفته است.

رنگ‌آمیزی نمادین: رنگ‌های به کار رفته در بنا هر کدام معنایی خاص دارند؛ قرمز نماد محافظت در برابر ارواح شیطانی، زرد نماد ثروت و شکوه، و سبز نماد خوشبختی و برکت است.

۲. تلفیق هنر چینی و اسلامی

ظاهر مسجد بیشتر به معابد بودایی چین شباهت دارد، اما کاربری آن کاملاً اسلامی است:

تزیینات گیاهی: برخلاف معابد چینی که معمولاً با اژدها یا موجودات افسانه‌ای تزیین می‌شوند، در این مسجد به دلیل محدودیت‌های اسلامی، از نقوش گل و گیاه، میوه‌هایی مانند انگور و انار و طرح‌های اسلیمی استفاده شده است.

پاگودا به جای مناره: به جای مناره‌های استوانه‌ای کلاسیک، این مسجد دارای یک برج چوبی به سبک پاگودا (معابد شرقی) است که

برای فراخواندن مومنان به نماز استفاده می‌شد.

۳. تاریخچه و بقا

ساخت این بنا حدود سه سال به طول انجامید و توسط ۲۰ هنرمند و نجار زبده به رهبری معمار مشهور، «ژو سی»، انجام شد. نکته شگفت‌آور این است که این مسجد از دوران سرکوب‌های مذهبی در زمان اتحاد جماهیر شوروی جان سالم به در برد و برخلاف بسیاری از کلیساها و مساجد دیگر که تخریب شدند، به عنوان یک اثر هنری مورد حفاظت قرار گرفت.

۴. اهمیت گردشگری در کاراکول (۲۰۲۶)

امروزه مسجد دونگان یکی از پربازدیدترین نقاط در مسیر جاده ابریشم در قرقیزستان است.

موقعیت: شهر کاراکول، در نزدیکی دریاچه مشهور ایسیک‌کول.

تجربه فرهنگی: بازدیدکنندگان نه تنها از معماری، بلکه از فرهنگ خاص قوم دونگان و آشپزی منحصر به فرد آن‌ها (مانند غذای مشهور «اشلان‌فو») بهره‌مند می‌شوند.

حقایق کوتاه برای خوانندگان:

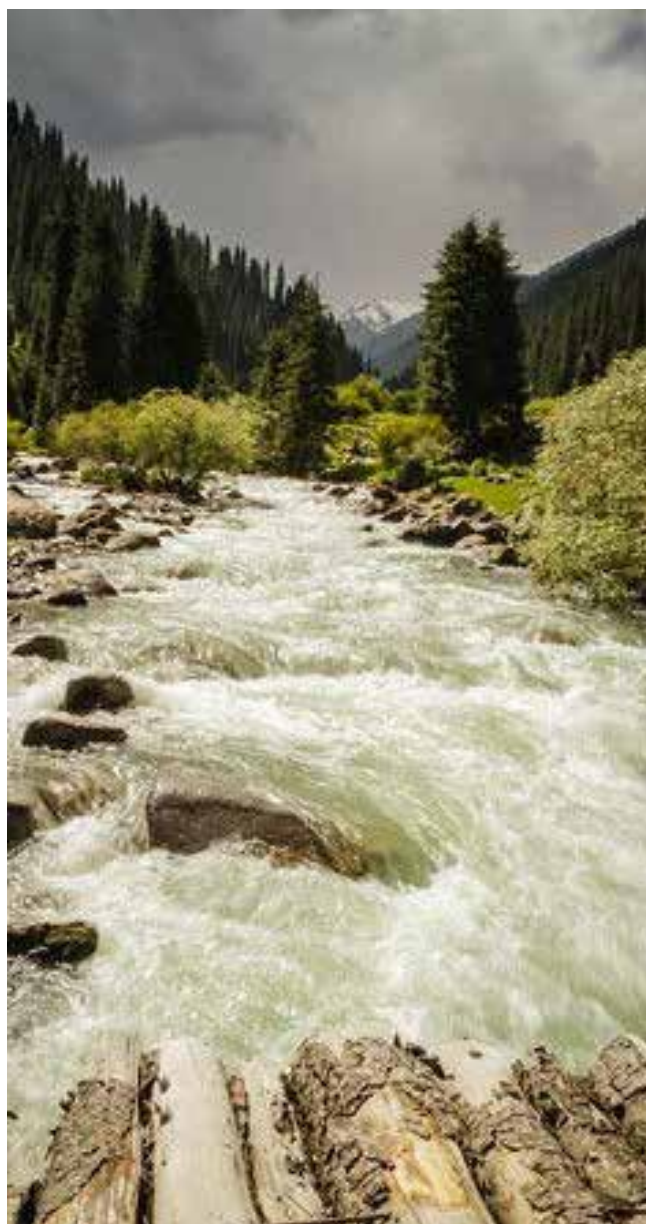
نوع سازه: معماری سبک "تیانشان" با سقف‌های چندلایه.

وضعیت: فعال (همچنان برای اقامه نماز استفاده می‌شود).

نکته: ورود به داخل مسجد برای غیرمسلمانان ممکن است با محدودیت‌هایی همراه باشد، اما بازدید از محوطه و نمای بیرونی برای همگان آزاد است.



دره آلا-آراشان



دره آلا-آراشان (Altyn-Arashan) که به معنای «آب‌گرم طلایی» است، یکی از جواهرهای پنهان در کوهستان‌های تیان‌شان قرقیزستان و در نزدیکی شهر کاراکول قرار دارد. این دره به دلیل چشمه‌های آب‌گرم طبیعی، جنگل‌های انبوه صنوبر و دسترسی به قله‌های مرتفع، مقصدی افسانه‌ای برای طبیعت‌گردان در منطقه اکو محسوب می‌شود.

در ادامه، گزارشی در ۴ بخش کلیدی درباره این دره برای بخش «گردشگری طبیعت» تهیه شده است:

۱. چشمه‌های آب‌گرم در دل برف و صخره

اصلی‌ترین دلیل شهرت این دره، چشمه‌های آب‌گرم معدنی آن است که در ارتفاع حدود ۲۶۰۰ متری واقع شده‌اند.

خواص درمانی: این آب‌ها حاوی رادون و گوگرد هستند که برای درمان دردهای مفاصل و بیماری‌های پوستی بسیار مفیدند.

حوضچه‌های طبیعی و سرپوشیده: در کنار استخرهای کوچکی که توسط بومیان ساخته شده، حوضچه‌های طبیعی در کنار رودخانه سرد «آراشان» وجود دارند که تجربه «آبتنی داغ در هوای سرد» را به اوج می‌رساند.

۲. چالش مسیر؛ ماجراجویی با خودروهای آفرود

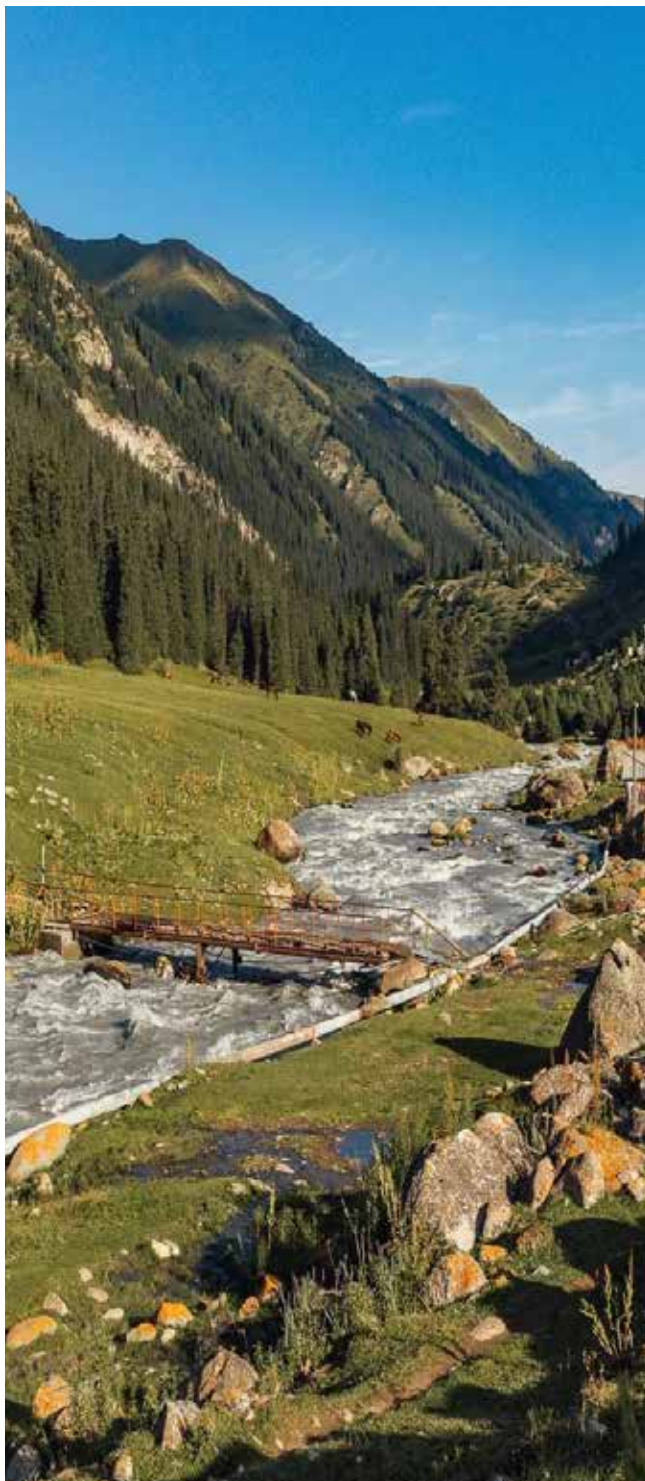
دسترسی به آلا-آراشان خود بخشی از جذابیت سفر است. جاده‌ای که از کاراکول به این دره منتهی می‌شود، یکی از دشوارترین و ناهموارترین مسیرهای کوهستانی جهان است.

خودروهای نظامی شوروی: معمولاً گردشگران با خودروهای آفرود قدرتمند مانند "UAZ" یا "Kamaz" این مسیر ۲۰ کیلومتری را در مدت ۳ تا ۴ ساعت طی می‌کنند.

پیاده‌روی (Trekking): بسیاری از کوهنوردان ترجیح می‌دهند این مسیر سربالایی را پیاده طی کنند تا از مناظر خیره‌کننده رودخانه و جنگل لذت ببرند.



نکته برای مسافران: بهترین زمان بازدید از این دره از اواسط خرداد تا اواخر شهریور است. در فصول دیگر، مسیر ممکن است به دلیل بارش برف سنگین کاملاً مسدود شود.



۳. دروازه‌ای به سوی دریاچه «آلا-کول»
آراشان نقطه شروع یا پایان یکی از مشهورترین مسیرهای کوهنوردی قرقیزستان است:

دریاچه فیروزه‌ای: کوهنوردان معمولاً از دره مجاور (دره کاراکول) به سمت دریاچه یخی و مرتفع آلا-کول (Ala-Kul) صعود کرده و سپس از مسیر گردنه به سمت پایین و دره آلا-آراشان سرازیر می‌شوند تا خستگی سفر را در آب‌های گرم آن به در کنند.

۴. اکوسیستم و حیات وحش پامیر-آلای
این دره بخشی از منطقه حفاظت شده است و اکوسیستم بکر آن زیستگاه گونه‌های ارزشمندی است:

پلنگ برفی: اگرچه دیدن آن بسیار نادر است، اما این دره بخشی از قلمرو پلنگ برفی است.

پوشش گیاهی: جنگل‌های عمودی صنوبر (Spruce) که روی شیب‌های تند روپیده‌اند، در فصل پاییز به رنگ‌های طلایی و نارنجی درمی‌آیند که نام «طلایی» را برای این دره برانزده می‌کنند.



شورپو

شورپو یک آبگوشت گوشتی مقوی و پرچرب است که معمولاً با موادی مانند هویج، سیب‌زمینی، رشته و سبزیجات تهیه می‌شود. این غذا در سراسر قرقیزستان رایج است، اما دستور تهیه آن بسته به منطقه می‌تواند تفاوت‌های چشمگیری داشته باشد. برای مثال، در مناطق شمالی قرقیزستان تقریباً هیچ ادویه‌ای به شورپو اضافه نمی‌شود و تأکید اصلی بر پخت طولانی‌مدت آب گوشت و طعم طبیعی آن است. در مقابل، در بخش‌های جنوبی کشور، مقدار زیادی ادویه‌ها و چاشنی‌های معطر و مواد متنوع به شورپو افزوده می‌شود که طعمی غنی‌تر و تندتر به این غذا می‌بخشد.



پاکستان



اکبری سرای؛ دروازه تاریخ و شکوه معماری مغول

جهانگیر باز می‌شود، خیره‌کننده است.

۲. مسجد دوره سوری

در ضلع غربی این سرای، مسجدی با سه گنبد باشکوه قرار دارد که گفته می‌شود ریشه در دوره اسلام‌شاه سوری (اواسط قرن ۱۶) دارد، اما تزیینات آن با سبک مغولی در دوره‌های بعد هماهنگ شده است.

۳. اهمیت جهانی و وضعیت یونسکو

اکبری سرای به همراه آرامگاه جهانگیر و آرامگاه آصف‌خان، در قالب یک مجموعه واحد در فهرست موقت میراث جهانی یونسکو ثبت شده است. این بنا نه تنها یک استراحتگاه، بلکه یک ایستگاه پستی (چاپارخانه) مهم در مسیرهای تجاری کهن بوده است.

حقایق جالب برای خوانندگان:

کاربری دوگانه: این بنا هم به عنوان کاروانسرا (Inn) برای بازرگانان جاده ابریشم و هم به عنوان فضای تشریفاتی (جلوخانه) برای ورود به مقبره امپراتور عمل می‌کرده است.

تخریب در دوره بریتانیا: در قرن نوزدهم و در زمان استعمار بریتانیا، از این فضا به عنوان انبار راه‌آهن استفاده شد که آسیب‌های زیادی به بافت تاریخی آن وارد کرد.

اکبری سرای برخلاف نامش که منسوب به امپراتور اکبر است، عمدتاً در دوره شاه‌جهان (حدود سال ۱۶۳۷ میلادی) و به دستور او برای پذیرایی از مسافران و نگهبانان آرامگاه پدرش، جهانگیر، ساخته شد.

۱. ساختار و طراحی مهندسی

این مجموعه در زمینی به وسعت ۱۲ جریب (حدود ۵ هکتار) بنا شده و دارای ویژگی‌های معماری منحصربه‌فردی است:

حیات مرکزی عظیم: یک فضای مستطیل‌شکل بزرگ که با ۱۸۰ حجره (اتاقک) در اطراف محصور شده است. این حجره‌ها محل اقامت مسافران، زائران و حافظان قرآن بوده‌اند.

دروازه‌های باشکوه: دو دروازه بزرگ در شمال و جنوب قرار دارند که با تزیینات «کاشی‌کاری»، «غالب‌کاری» (گچ‌بری‌های شبکه‌ای) و نقاشی‌های دیواری (فرسکو) آراسته شده‌اند.

تزیینات سنگی: استفاده گسترده از سنگ ماسه قرمز و هنر «پیترا دورا» (مرصع‌کاری با سنگ‌های قیمتی) در نمای ورودی شرقی که به سمت آرامگاه



قلعه دراور؛ دژ استوار تاریخ

سنگ مرمر سفید خالص قرار دارد که با سه گنبد و گلدسته‌های بلند، با الهام از «مسجد جامع دهلی» ساخته شده و تضاد بصری خیره‌کننده‌ای را با سرخی آجرهای قلعه در پس‌زمینه ایجاد کرده است.

جایگاه فرهنگی و گردشگری در عصر معاصر

امروزه قلعه دراور به کانون توجه فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی در پاکستان تبدیل شده است.

رالی صحرای چولستان: هر ساله هزاران نفر برای تماشای مسابقات اتومبیل‌رانی در میان رمل‌های بیابانی به زیر دیوارهای این قلعه می‌آیند.

میراث یونسکو: این بنا به دلیل یکپارچگی ساختاری و ارزش‌های تاریخی منحصر به فرد، در فهرست موقت میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است.

زیارتگاه‌ها و آرامگاه‌ها: در مجاورت قلعه، آرامگاه‌های خانوادگی نواب‌های بهاولپور با کاشی‌کاری‌های آبی و سفید (سبک مولتان) قرار دارد که همچنان مورد احترام مردم محلی است.

ضرورت حفاظت و پایداری

با وجود استواری خیره‌کننده، طوفان‌های سهمگین صحرای چولستان و عوامل جوی، تهدیدی جدی برای بخش‌های فوقانی برج‌ها محسوب می‌شوند. در سال‌های اخیر، تلاش‌های مشترک میان دولت پاکستان و نهادهای بین‌المللی برای مرمت علمی این بنا آغاز شده است تا اطمینان حاصل شود که این «شیخ سرخ صحرا» همچنان به عنوان نماد پایداری و هنر در جاده‌های کهن جاده ابریشم باقی خواهد ماند.

قلعه دراور (Derawar Fort)، سازه‌ای عظیم و باستانی است که همچون تاجی بر تارک صحرای چولستان در ایالت پنجاب پاکستان می‌درخشد. این بنا که با دیوارهای خشتی بلند و چهل برج مدور خود از فرسخ‌ها دورتر در میان شن‌های روان دیده می‌شود، نه تنها یک شاهکار معماری نظامی، بلکه سندی زنده از تلاقی تمدن‌های مختلف در منطقه اکو است.

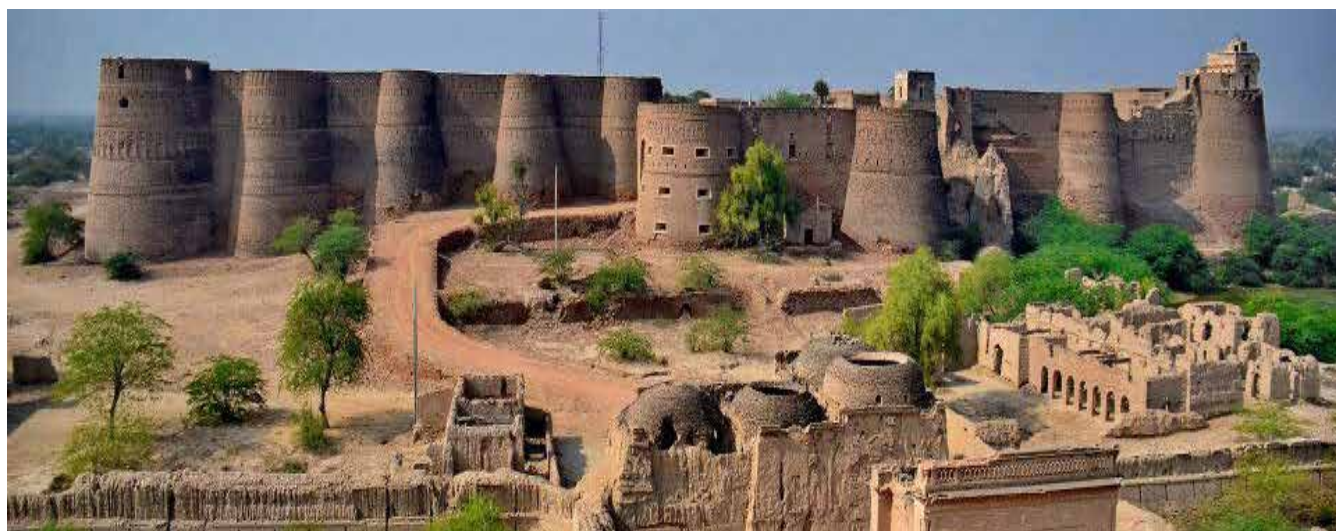
پیشینه تاریخی و گذار تمدنی

ریشه‌های اولیه این دژ به قرن نهم میلادی بازمی‌گردد؛ زمانی که توسط «رای جاجا بهاتی»، یکی از حکام هندو از قبیله راجپوت، ساخته شد. اما نقطه عطف تاریخ این بنا در سال ۱۷۳۳ میلادی رقم خورد؛ هنگامی که خاندان «نواب‌های بهاولپور» (خاندان عباسی) قلعه را فتح و آن را به سبک معماری اسلامی بازسازی کردند. از آن زمان تا قرن بیستم، این قلعه به عنوان مقر قدرت و اقامتگاه تابستانی نواب‌ها و همچنین مدفن خاندان سلطنتی بهاولپور شناخته می‌شد.

شکوه معماری و نبوغ مهندسی

آنچه قلعه دراور را از سایر استحکامات منطقه متمایز می‌کند، ابعاد غول‌آسا و جزئیات هنری آن است. محیط قلعه حدود ۱۵۰۰ متر برآورد می‌شود و دیوارهایی به ارتفاع ۳۰ متر دارد که چهل برج مدور عظیم، وظیفه پایداری و دیده‌بانی آن را بر عهده دارند.

آجرکاری استثنایی: تمام بدنه قلعه از آجرهای پخته‌شده در کوره ساخته شده است. نقوش هندسی پیچیده و گره‌چینی‌های آجری که بر روی بدنه برج‌ها کار شده، نمادی از ظرافت هنر ایرانی در ترکیب با سنت‌های محلی پنجاب است. مسجد شاهی: در چند قدمی قلعه، مسجدی با



نان تنوری پاکستان

در سرتاسر پاکستان، از کوچه‌های پرپیچ‌وخم لاهور تا کوهستان‌های خیبر پختونخوا، عطر نان داغ که از تنورهای گلی متصاعد می‌شود، بخشی از هویت روزمره است. نان تنوری پاکستان به دلیل بافت نرم، طعم دودی و روش پخت باستانی‌اش در تمام منطقه اکو شهرت دارد.

۱. تنور: کوره گلی باستانی

پخت نان در پاکستان همچنان به روش سنتی در تنور (Tandoor) انجام می‌شود. تنور یک فر استوانه‌ای گلی است که در زمین فرو رفته یا روی زمین بنا می‌شود.

فرایند پخت: نانوا خمیر را با مهارتی خاص روی بالشتکی مخصوص پهن کرده و با دست به دیواره‌های گداخته تنور می‌چسباند. حرارت مستقیم زغال‌سنگ یا هیزم باعث می‌شود نان در کمتر از دو دقیقه پف کرده و لبه‌های آن برشته و دودی شود.

۲. انواع نان‌های تنوری در پاکستان

تنوع نان در پاکستان بسیار گسترده است و هر منطقه امضای خاص خود را دارد:

نان ساده: نان کلاسیک که با آرد سفید، مخمر و نمک تهیه می‌شود و معمولاً با کره یا روغن حیوانی (Ghee) جلا داده می‌شود.

روغنی نان (Roghni Naan): نانی مجلل‌تر که در خمیر آن از شیر و کنجد استفاده شده و بافتی بسیار نرم و کیک‌مانند دارد.

کلچه (Kulcha): نانی ضخیم‌تر که اغلب در شمال پاکستان و منطقه پنجاب رواج دارد و گاهی با دانه‌های سیاه‌دانه یا کنجد تزیین می‌شود.

نانی افغانی: در مناطق مرزی مانند پیشاور، نان‌ها بلندتر و بیضی‌شکل هستند که تأثیر مستقیم فرهنگ افغانستان را نشان می‌دهند.

۳. نان به عنوان یک نهاد اجتماعی

در پاکستان، «نان‌بایی» یا نانوایی‌های تنوری، مراکز تجمع محلی هستند. بسیاری از خانواده‌ها خمیر خود را در خانه تهیه کرده و به نانوایی محل می‌برند تا نانوا با هزینه‌ای اندک آن را در تنور بپزد. این سنت دیرینه، روح همکاری و اشتراک‌گذاری را در محله‌ها زنده نگه می‌دارد.

۴. جایگاه علمی و تغذیه‌ای

از نظر علمی، پخت نان در دمای بسیار بالای تنور (تا ۴۸۰ درجه سانتی‌گراد) باعث واکنش «میلارد» (Maillard reaction) در سطح نان می‌شود که طعم و عطر منحصر به فردی ایجاد می‌کند. همچنین استفاده از تخمیر طبیعی در بسیاری از نانوایی‌های سنتی، هضم نان را آسان‌تر و ارزش غذایی آن را حفظ می‌کند.

حقایق جالب:

در پاکستان، نان تنوری همراه جدانشدنی غذاهای ملی نظیر «نهاری»، «پایا» و انواع «کباب» است.

انداختن نان یا بی‌احترامی به آن در فرهنگ پاکستان، درست مانند سایر کشورهای منطقه اکو، ناپسند شمرده شده و نان به عنوان «برکت» شناخته می‌شود.



چینکاره؛ غزال تیزپای صحراهای آسیا

چینکاره یا غزال هندی، گونه‌ای از تیره گاوسانان است که به دلیل سازگاری شگفت‌انگیز با کم‌آبی و دمای بالا، در پهنه‌های وسیعی از ایران، پاکستان و هند پراکنده شده است. این موجود نه تنها از نظر زیبایی‌شناسی، بلکه به عنوان یک «گونه شاخص» برای سنجش سلامت اکوسیستم‌های بیابانی اهمیت دارد.

۱. ویژگی‌های ریخت‌شناسی و علمی

چینکاره در مقایسه با سایر غزال‌ها جثه کوچک‌تری دارد، اما از نظر توانایی‌های حرکتی بسیار پیشرفته است.

شاخ‌ها: برخلاف بسیاری از گونه‌ها، در چینکاره هر دو جنس نر و ماده دارای شاخ هستند. شاخ‌های نرها بزرگ‌تر، ضخیم‌تر و دارای حلقه‌های برجسته (آکوردئونی) است که به سمت عقب منحیم می‌شود.

رنگ پوشش: پوست آن‌ها به رنگ شنی یا قهوه‌ای مایل به قرمز است که با محیط بیابان همخوانی کامل دارد (استتار نوری). در ناحیه شکم، رنگ موها کاملاً سفید است که به بازتاب حرارت از سطح زمین کمک می‌کند.

غدد اشکی: این حیوان دارای غدد پیش‌چشمی برجسته‌ای است که از آن‌ها برای علامت‌گذاری قلمرو روی بوته‌ها استفاده می‌کند.

۲. اعجاز بقا در شرایط فرین

چینکاره به عنوان یکی از مقاوم‌ترین پستانداران در برابر بی‌آبی شناخته می‌شود:

بازجذب آب: این حیوان می‌تواند بخش زیادی از آب مورد نیاز بدن خود را از طریق شب‌نم روی گیاهان و رطوبت موجود در علوفه و میوه‌های بیابانی (مانند خربزه ابوجهل) تأمین کند.

غلظت ادرار: سیستم کلیوی چینکاره بسیار کارآمد است و با غلیظ کردن ادرار، دفع آب را به حداقل ممکن می‌رساند تا در دوره‌های طولانی خشکسالی زنده بماند.

۳. وضعیت حفاظتی در پاکستان (۲۰۲۶)

در پاکستان، چینکاره به عنوان حیوان رسمی ایالت سند شناخته می‌شود، اما با چالش‌های جدی روبروست:

زیستگاه‌های اصلی: صحرای چولستان، پارک ملی کِرتار (Kirthar) و مناطق حفاظت شده بلوچستان.

تهدیدات: شکار غیرقانونی و تخریب زیستگاه به دلیل گسترش کشاورزی و چرای بی‌رویه دام‌های اهلی از اصلی‌ترین عوامل کاهش جمعیت این گونه هستند.

اقدامات حفاظتی: دولت پاکستان در سال‌های اخیر با ایجاد «مراکز تکثیر در اسارت» و تقویت یگان‌های حفاظت محیط‌زیست در مناطق مرزی، تلاش کرده است تا از انقراض محلی این غزال جلوگیری کند.

۴. جایگاه در فرهنگ و هنر

نام «چینکاره» از واژه هندی به معنای «عطسه‌کننده» گرفته شده است؛ زیرا این حیوان هنگام احساس خطر، صدایی شبیه به عطسه یا سوت از بینی خود خارج می‌کند تا به سایر اعضای گله هشدار دهد. در ادبیات و نگارگری‌های کلاسیک منطقه، چینکاره همواره نماد معصومیت، سرعت و زیبایی چشمان بوده است.



تاجیکستان

کاروانسرای خشتین؛ نگین آجری جاده ابریشم در خاک تاجیکستان

منجر به کشف آثار ارزشمندی شده است که تصویری دقیق از سبک زندگی و تجارت در آن دوران ارائه می‌دهد:

سفالینه‌ها: کشف ظروف سفالی لعاب‌دار با نقوش اسلیمی و کتیبه‌های کوفی که شباهت بسیاری به سفالگری نیشابور و سمرقند دارد.

سیستم آبرسانی: شواهد نشان‌دهنده وجود یک سیستم پیشرفته برای جمع‌آوری آب باران و چاه‌های حفر شده در حیات مرکزی است که نیاز کاروانیان و چهارپایان را در این منطقه نیمه‌خشک تامین می‌کرده است.

۳. نقش در شبکه جاده ابریشم

کاروانسرای خشتین در نقطه‌ای واقع شده بود که مسیرهای تجاری از افغانستان کنونی (بلخ) به سمت شمال (تاجیکستان و ازبکستان) هم‌گرا می‌شدند. این بنا نه تنها محلی برای مبادله کالا (مانند ابریشم، ادویه و اسب)، بلکه کانون تبادل اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها میان نخبگان دوران سامانی بوده است.

۴. وضعیت حفاظت و ثبت بین‌المللی

دولت تاجیکستان با همکاری سازمان‌های بین‌المللی، کاروانسرای خشتین را به عنوان بخشی از «مسیرهای جاده ابریشم در تاجیکستان» در فهرست موقت میراث جهانی یونسکو قرار داده است. در سال‌های اخیر، فعالیت‌های مرمتی برای تثبیت دیوارهای آجری و جلوگیری از فرسایش ناشی از عوامل جوی توسط وزارت فرهنگ تاجیکستان در حال انجام است.

کاروانسرای خشتین، که نام آن در زبان فارسی و تاجیکی به معنای «ساخته شده از خشت/ آجر» است، در نزدیکی روستای «سایاد» در حاشیه رودخانه آمودریا قرار دارد. این بنا متعلق به سده‌های ۹ تا ۱۲ میلادی (دوران سامانیان و قراخانیان) است؛ زمانی که این منطقه به عنوان پل ارتباطی میان بلخ، سمرقند و بخارا عمل می‌کرد.

۱. ویژگی‌های معماری و مصالح

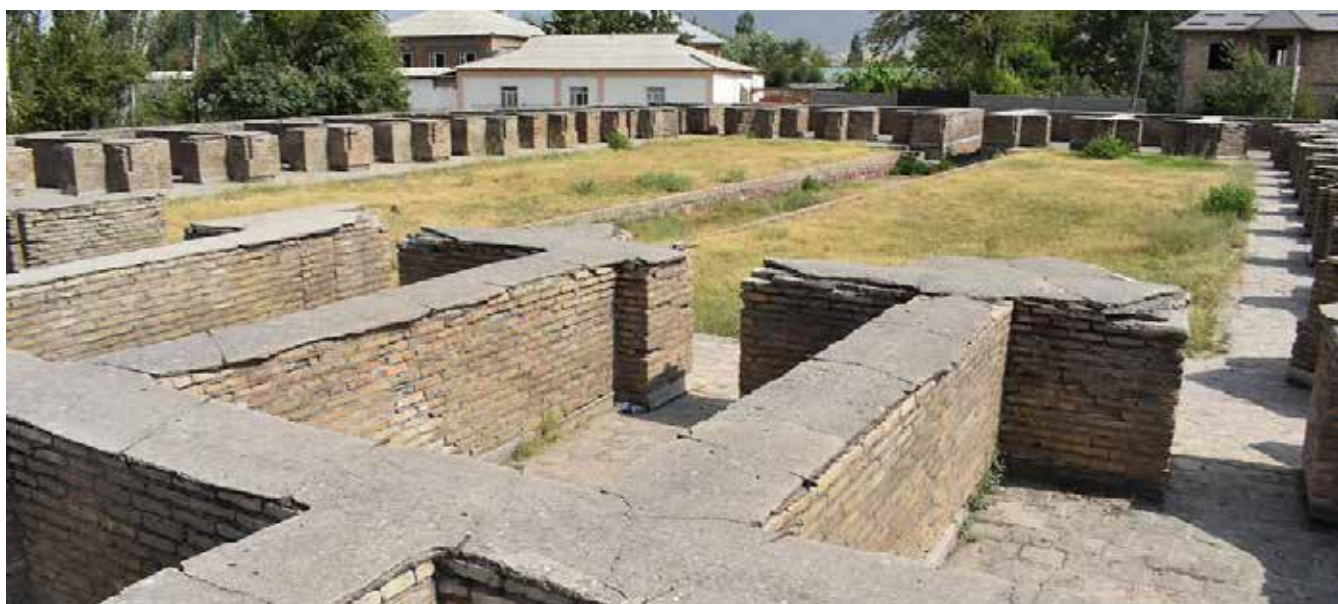
وجه تسمیه این کاروانسرا، استفاده گسترده از آجر پخته (خشت پخته) در تمامی اجزای بنا است. در دورانی که بسیاری از سازه‌های روستایی از خشت خام ساخته می‌شدند، استفاده از آجر پخته نشان‌دهنده اهمیت راهبردی و بودجه دولتی برای ساخت این بنای باشکوه بوده است.

پلان بنا: کاروانسرا دارای نقشه چهارگوش (تقریباً ۵۰ در ۵۰ متر) با یک حیاط مرکزی وسیع است. اطراف حیاط را حجره‌های متعددی برای استراحت بازرگانان و انبارهای کالا احاطه کرده‌اند.

استحکامات: دیوارهای بیرونی با برج‌های دیده‌بانی مدور در گوشه‌ها تقویت شده‌اند که علاوه بر جنبه تزئینی، وظیفه حفاظت از کاروان‌ها در برابر دستبرد راهزنان را بر عهده داشتند.

۲. اهمیت باستان‌شناسی و یافته‌های علمی

کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه خشتین



آرامگاه میرسیدعلی همدانی

در سال ۱۹۹۵ به مناسبت ششصد و هشتادمین سالگرد تولد و بار دیگر در سال ۲۰۱۵ به مناسبت هفتصدمین سالگرد زادروز این علامه، که با برگزاری سمپوزیوم‌های بین‌المللی همراه بود. بر پایه یافته‌های باستان‌شناسان، این مقبره در آغاز به دست شاگردان میر سید علی همدانی به صورت دو اتاق با دو گنبد ساخته شد. اتاق نخست محل دفن این عالم و اتاق دوم برای قرائت اوراد و برگزاری نمازهای پنج‌گانه اختصاص داشت. پس از مدتی، سه اتاق در بخش شرقی مقبره ساخته شد.

در دوره‌ای بعد، پس از درگذشت پسرش، در بخش جنوب‌شرقی، اتاقی برای سید محمد بنا گردید و در کنار آن اتاق دیگری نیز ساخته شد. با گذشت زمان، در مرحله نهایی، در بخش جنوب‌غربی، اتاقی تازه با یک گنبد احداث شد. بدین ترتیب، مجموعه تاریخی - فرهنگی شکل کامل امروزی خود را به دست آورد. در آغاز، زائران از بخش شرقی وارد مقبره می‌شدند.

پس از عبور از اتاق بزرگ، زائر وارد اتاقی می‌شود که محل دفن علامه است. راهرویی به عرض حدود یک متر پیرامون قبر، امکان حرکت آزادانه زائران را فراهم می‌کند. سپس زائران مسیر خود را به سوی بخش شرقی مقبره ادامه می‌دهند و به قبرهای آفتاب تابان (همسر همدانی) و ماه خراسان (دختر همدانی) می‌رسند؛ جایی که در دو سوی آن دو اتاق قرار دارد، یکی خالی و دیگری دارای دو قبر.

این مقبره یادگاری تاریخی - باستانی متعلق به سده‌های چهاردهم و پانزدهم میلادی است که در شهر کولاب تاجیکستان واقع شده است. ساخت این یادمان تاریخی گواه هنر ویژه معماری و مهارت بالای استادان چیره‌دست بومی است که ریشه در تمدن نیاکان مردم این منطقه، به‌ویژه تاجیکان، دارد. ارادت صمیمانه مردم محلی به شخصیت و آثار میر سید علی همدانی (۱۳۱۴-۱۳۸۴ میلادی) سبب شده است که این اثر تاریخی و فرهنگی تا روزگار ما حفظ و باقی بماند. در تذکره‌های ادبی و منابع تاریخی اشاراتی وجود دارد که علامه میر سید علی همدانی در سال ۱۳۷۳ میلادی به قصد زیارت آرامگاه میر سید حسن اصفهانی، ملقب به شاه خاموش که در ناحیه مؤمن‌آباد تاجیکستان واقع است، به این منطقه آمده بود. وی ده ماه در آن مکان اقامت کرد و سپس به مرکز اداری شهر کولاب آمد. در شهر کولاب، در سال ۱۳۷۴ میلادی، پسرش سید محمد متولد شد. تنها دخترش، ماه خراسان، را به یکی از جوانان کولابی به نام خواجه اسحاق به همسری داد. این متفکر برجسته در همین شهر در سال ۱۳۸۴ میلادی درگذشت و شاگردان و مردم محلی برای بزرگداشت یاد او مقبره‌ای برپا کردند. با گذشت سالیان دراز، محبت و ارادت مردم نسبت به او نه‌تنها کاهش نیافته، بلکه فزونی یافته است. دولت جمهوری تاجیکستان همه‌ساله برای آبادانی و نگهداری این مکان مقدس بودجه‌های قابل توجهی اختصاص می‌دهد. در دوران استقلال، این مقبره دو بار مورد تجلیل قرار گرفت: نخست



تونل استقلال

طراحی تونل پیونددهنده شمال و جنوب تاجیکستان برای نخستین بار در سال ۱۹۸۳ در زمان اتحاد شوروی انجام و ساخت آن در سال ۱۹۸۸ آغاز شد که با فروپاشی شوروی متوقف گردید. ساخت این تونل در سال ۱۹۹۹ توسط پیمانکاران تاجیک از سر گرفته شد؛ اما به دلیل مشکلات پروژه تا سال ۲۰۰۳ کمتر از یک کیلومتر از تونل حفاری شد.

در سال ۲۰۰۴ این پروژه به شرکت ایرانی «صابر» سپرده شد. این شرکت در دو سال حدود ده کیلومتر باقیمانده را نیز حفاری کرد. این تونل سرانجام در ۲۶ ژوئیه ۲۰۰۶ با حضور محمود احمدی‌نژاد و امام‌علی رحمان، رئیس‌جمهوران ایران و تاجیکستان، افتتاح شد. این تونل در مسیر ترانزیت دوشنبه به تاشکند، پایتخت ازبکستان، قرار گرفته‌است. تا پیش از ساخت آن ریزش بهمن در طول سال، به ویژه در زمستان‌ها، منجر به اختلال در این مسیر می‌شد.

تونل استقلال یا تونل انزاب تونلی است در تاجیکستان به طول ۵۲۵۳ متر که در سال ۲۰۰۶ توسط شرکت ایرانی صابر ساخته شد. این تونل در بزرگراه ام ۳۴ قرار دارد و پایتخت کشور، دوشنبه، را به مرکز استان سغد، شهر خجند متصل می‌کند. با ساخت این تونل فاصله میان این دو شهر ۴ ساعت کاهش یافت.

تونل استقلال در حدود ۷۰ کیلومتری شمال دوشنبه قرار گرفته و ارتباط زمینی شمال و جنوب کشور تاجیکستان را تأمین می‌کند. این تونل شامل دو تونل موازی است که یکی به عنوان تونل اصلی با کاربری تردد وسایل نقلیه عمومی و دیگری به عنوان تونل تهویه و زهکش تونل اصلی در نظر گرفته شده‌است. مجموع این دو تونل به حدود ۱۱ کیلومتر می‌رسد. هزینه ساخت این تونل ۳۹ میلیون دلار برآورد شده‌است.





مدرسه عبداللطیف سلطان (کوک‌گنبد)؛ نگین فیروزه‌های معماری تیموری در استروشن

مدرسه عبداللطیف سلطان در سده پانزدهم میلادی (دوران تیموریان) به دستور عبداللطیف، نوه الغ‌بیگ و نتیجه امیر تیمور، ساخته شد. این بنا در مرکز شهر استروشن (که در گذشته به نام «اراتپه» شناخته می‌شد) واقع شده و نمادی از دوران نوزایی فرهنگی و علمی در آسیای مرکزی است.

۱. ویژگی‌های معماری و مهندسی

بارزترین ویژگی این بنا، همان‌طور که از نام «کوک‌گنبد» پیداست، گنبد عظیم و فیروزه‌ای آن است که با کاشی‌کاری‌های معرق تزیین شده است.

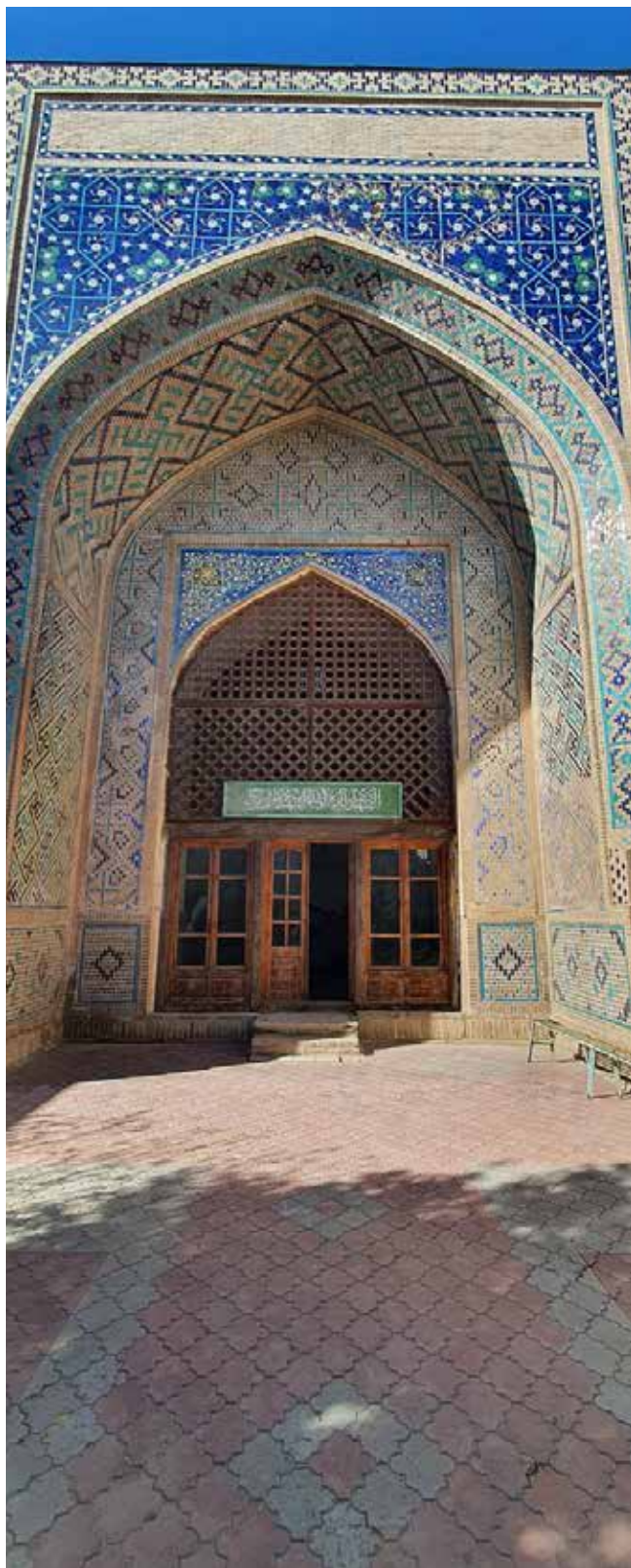


گنبد دوپوسته: معماران تیموری در ساخت این بنا از تکنیک گنبد دوپوسته استفاده کرده‌اند. پوسته داخلی سقف تالار اصلی را می‌پوشاند و پوسته خارجی (که با کاشی‌های آبی درخشان پوشیده شده) از فواصل دور خودنمایی می‌کند. این تکنیک باعث می‌شود گنبد بلندتر و باشکوه‌تر به نظر برسد.

پیش‌طاق (Portal): ورودی اصلی مدرسه دارای یک پیش‌طاق بسیار بلند و عریض است که با نقوش هندسی، اسلیمی و کتیبه‌های قرآنی به خط ثلث و کوفی تزیین شده است. بقایای کاشی‌کاری‌های لاجوردی و فیروزه‌ای بر روی این پیش‌طاق، نشان‌دهنده دقت و ظرافت هنرمندان آن عصر است.



پلان داخلی: بنا شامل یک حیاط مرکزی مربع‌شکل است که اطراف آن را حجره‌های (اتاق‌های مخصوص طلاب) دو طبقه احاطه کرده‌اند. در ضلع غربی حیاط، تالار اصلی یا «درس‌خانه» قرار دارد که با گنبد مشهور پوشیده



شده است.

۲. اهمیت علمی و فرهنگی

مدرسه عبداللطیف سلطان تنها یک اثر معماری نبود، بلکه یکی از مراکز مهم علمی در منطقه محسوب می‌شد.

کانون دانش: در این مدرسه، علوم نظیر الهیات، ریاضیات، ستاره‌شناسی و ادبیات تدریس می‌شد. استروشن در آن دوران به عنوان یکی از مراکز مهم پیوند دهنده تمدن‌های سمرقند و بخارا عمل می‌کرد.

تداوم هویت: نام این مدرسه با تاریخ سیاسی تیموریان گره خورده است و نشان‌دهنده تلاش‌های عبداللطیف سلطان برای تثبیت جایگاه علمی و مذهبی خود در منطقه ختلان و استروشن است.

۳. مرمت و حفاظت در قرن بیست و یکم

این بنا در طول سده‌ها بر اثر زلزله و عوامل جوی دچار آسیب‌هایی شده بود، اما در دهه‌های اخیر تحت نظارت وزارت فرهنگ جمهوری تاجیکستان و با همکاری کارشناسان بین‌المللی مورد مرمت اساسی قرار گرفت.

بازسازی کاشی‌کاری‌ها: بخش‌های وسیعی از گنبد و پیش‌طاق که کاشی‌های خود را از دست داده بودند، با استفاده از روش‌های سنتی و کاشی‌های دست‌ساز بازسازی شدند تا اصالت بنا حفظ شود.

ثبت ملی و بین‌المللی: کوک‌گنبد به عنوان یکی از مهم‌ترین سایت‌های تاریخی تاجیکستان در مسیر جاده ابریشم شناخته می‌شود و بخشی از پرونده‌های پیشنهادی این کشور برای ثبت فهرست اصلی میراث جهانی یونسکو است.

قوروت‌آب؛ نماد همبستگی و میراث کهن سفره تاجیک

قوروت‌آب در واژه به معنای «آبِ قوروت» (کشک) است. این غذا که محبوب‌ترین خوراک در میان تاجیکان محسوب می‌شود، نمونه‌ای عالی از «آشپزی پایدار» است؛ چرا که از فرآورده‌های جانبی لبنیات تهیه شده و با نان سنتی و سبزیجات تازه ترکیب می‌شود.

۱. اجزای اصلی و ساختار علمی

قوروت‌آب از ترکیب چهار عنصر اصلی تشکیل می‌شود که توازن کاملی از پروتئین، کربوهیدرات و ویتامین‌ها را ایجاد می‌کنند:

قوروت (کشک): هسته اصلی غذاست. قوروت از دوغ غلیظ و ترش تهیه شده که پس از نمک‌زنی، به شکل گلوله‌های گرد خشک می‌شود. برای تهیه غذا، این گلوله‌ها را در آب گرم حل می‌کنند تا مایعی غلیظ و کرم‌رنگ به دست آید.

فتیر (نانی با بافت لایه‌لایه): نان مخصوصی است که با کره یا روغن حیوانی تهیه می‌شود. این نان را تکه‌تکه کرده و در ظرف چوبی مخصوص (طبق) می‌ریزند.

روغن زرد (یا روغن کتان): روغن داغ شده که روی ترکیب نان و کشک ریخته می‌شود و طعمی دودی و غنی به آن می‌بخشد.

چاشنی‌های تازه: روی غذا با پیاز سرخ‌شده، پیازچه، گشنیز، ریحان و گاهی گوجه‌فرنگی و خیار خرد شده پوشانده می‌شود.

۲. ظرف چوبی «طبق»؛ فراتر از یک کاسه

قوروت‌آب به طور سنتی در ظرفی چوبی و پهن به نام «طَبَق» سرو می‌شود. طبق‌ها معمولاً از چوب درخت گردو یا چنار ساخته می‌شوند. استفاده از چوب دو مزیت علمی دارد:

حفظ دما: چوب برخلاف فلز یا سرامیک، گرما را برای مدت طولانی‌تری حفظ می‌کند.

تعامل با طعم: چوب طبیعی بوی خاصی به غذا می‌دهد که بخشی از هویت قوروت‌آب است.

۳. آداب مصرف: آیین صلح و دوستی

در فرهنگ تاجیکستان، قوروت‌آب یک غذای انفرادی نیست.

خوردن با دست: به طور سنتی، قوروت‌آب را با دست (انگشتان دست راست) می‌خورند. این روش ریشه در سنت‌های کهن دارد و اعتقاد بر این است که لذت و برکت غذا را دوچندان می‌کند.

سفره مشترک: اعضای خانواده یا مهمانان همگی دور یک «طبق» می‌نشینند. این شیوه نشستن، نماد تساوی، برادری و رفع کدورت‌هاست.

۴. جایگاه در گردشگری خوراک (۲۰۲۶)

امروزه در تاجیکستان، رستوران‌های مخصوصی به نام «قوروت‌آب‌خانه» وجود دارند که به طور تخصصی این غذا را سرو می‌کنند. در تقویم گردشگری سال ۲۰۲۶، جشنواره‌های محلی قوروت‌آب در شهرهایی نظیر دوشنبه و خجند، به عنوان جاذبه‌ای برای معرفی میراث ناملموس منطقه اکو به جهانیان شناخته می‌شوند.



گرم چشمه؛ معجزه زمین‌شناختی و کانون آب‌درمانی در پامیر

بیماری‌های پوستی: به‌ویژه پسوریازیس، اگزما و بیماری‌های قارچی به دلیل وجود گوگرد و املاح معدنی.

اختلالات اسکلتی-عضلانی: تسکین دردهای مفاصل، روماتیسم و آرتروز.

سیستم عصبی: کمک به آرامش اعصاب و رفع خستگی‌های مزمن ناشی از استرس.

۳. اهمیت فرهنگی و گردشگری در منطقه اکو

در فرهنگ محلی مردم بدخشان، این چشمه دارای حرمت خاصی است. بسیاری از مردم محلی پیش از ورود به آب، آداب خاصی را رعایت می‌کنند که نشان‌دهنده پیوند عمیق معنویت و طبیعت در این منطقه است.

زیرساخت‌ها: امروزه یک آسایشگاه (Sanatorium) مدرن در کنار چشمه بنا شده است که خدمات پزشکی و اقامتی را به گردشگران داخلی و خارجی ارائه می‌دهد.

دسترسی: گرم‌چشمه در فاصله ۴۲ کیلومتری جنوب شهر خاروغ (مرکز ولایت بدخشان) قرار دارد و یکی از نقاط کلیدی در مسیر گردشگری بزرگراه پامیر (Pamir Highway) محسوب می‌شود.

۴. حفاظت و پایداری

با توجه به حساسیت ساختارهای تراورتنی، حفاظت از اکوسیستم اطراف چشمه برای جلوگیری از فرسایش و آلودگی بسیار حیاتی است. دولت تاجیکستان برنامه‌هایی را برای توسعه گردشگری پایدار در این منطقه تدوین کرده تا علاوه بر بهره‌برداری درمانی، اصالت طبیعی آن برای نسل‌های آینده حفظ شود.

گرم‌چشمه نه تنها یک چشمه آب معدنی، بلکه یک اثر هنری طبیعی است که در طول هزاران سال توسط رسوبات آهکی و معدنی شکل گرفته است. این مکان به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد شیمیایی و زیبایی بصری تراورتن‌های سفیدش، با مناطقی نظیر «پاموک‌کاله» در ترکیه مقایسه می‌شود.

۱. ویژگی‌های زمین‌شناختی و شیمیایی

آب این چشمه از اعماق زمین و از میان لایه‌های سنگ‌های دگرگونی بیرون می‌جهد.

تراورتن‌های برفی: در محل خروج آب، رسوبات کربنات کلسیم باعث ایجاد صخره‌های سپید و پله‌پله‌ای (تراورتن) شده‌اند که تضاد خیره‌کننده‌ای با کوه‌های تیره‌رنگ اطراف دارند. ارتفاع برخی از این دیواره‌های رسوبی به ۲۰ متر می‌رسد.

ترکیبات معدنی: آب گرم‌چشمه از نوع «سولفیدی-کلریدی» و «سدیمی-کلسیمی» است. این آب حاوی مقادیر قابل توجهی از آهن، آلومینیوم، منیزیم، استرانسیم و فلئور است.

دما: دمای آب در محل خروج از زمین بین ۵۰ تا ۶۴ درجه سانتی‌گراد متغیر است که برای استفاده در حوضچه‌های درمانی به دمای مطلوب (حدود ۳۸ تا ۴۲ درجه) می‌رسد.

۲. خواص درمانی و پزشکی

از نظر علمی، گرم‌چشمه به عنوان یک «مجموعه بالنیولوژی» (آب‌درمانی) شناخته می‌شود. مطالعات انجام شده توسط متخصصان تاجیک و بین‌المللی نشان می‌دهد که استحمام در این آب‌ها در بهبود بیماری‌های زیر مؤثر است:



ترکیب

آغازی کاراهان؛ شاهکار معماری و گذار تمدنی در عصر سلجوقیان آناتولی

کاروانسرای آغازی کاراهان (Ağzıkarahan) که در متون تاریخی با نام «کاروانسرای خواجه مسعود» نیز شناخته می‌شود، یکی از برجسته‌ترین موادی است که پیوند میان اقتصاد، امنیت و هنر را در سده سیزدهم میلادی (دوران طلایی سلجوقیان روم) به نمایش می‌گذارد. این بنا که در مسیر راهبردی آکسارای به قیصریه واقع شده، نه تنها یک ایستگاه میان‌راهی، بلکه سندی زنده از نبوغ مهندسی سنگ در تاریخ خاورمیانه است.

۱. بستر تاریخی و کتیبه‌شناسی

برخلاف بسیاری از کاروانسراهای بزرگ که توسط سلاطین ساخته می‌شدند (سلطان‌هان)، آغازی کاراهان توسط یکی از ثروتمندان بانفوذ عصر به نام «خواجه مسعود بن عبدالله» بنا شده است. اهمیت علمی این بنا در دو مرحله‌ای بودن ساخت آن است که از طریق کتیبه‌های سردر قابل رهگیری است:

بخش زمستانی (سرپوشیده): در سال ۱۲۳۱ میلادی، همزمان با دوران اقتدار علاءالدین کی‌قباد اول به پایان رسید.

بخش تابستانی (حیاط): در سال ۱۲۳۷ میلادی، در نخستین سال‌های سلطنت غیاث‌الدین کی‌خسرو دوم تکمیل شد.

این تداوم ساخت‌وساز نشان‌دهنده ثبات سیاسی و رونق اقتصادی بی‌سابقه در آناتولی آن دوران است.

۲. واکاوی معماری: دژ تمدن در قلب جاده ابریشم

آغازی کاراهان از نظر ساختاری به سبک «کاروانسراهای با حیاط و تالار سرپوشیده» تعلق دارد. دیوارهای سنگی ضخیم و برج‌های دفاعی پیرامون آن، نشان‌دهنده لزوم تأمین امنیت

کاروان‌ها در برابر تهدیدات احتمالی جاده‌ای است. الف) پیش‌طاق (Portal): اوج هنر سنگ‌تراشی سردر ورودی این کاروانسرا، از نظر غنای تزئینات، با کاروانسراهای سلطنتی برابری می‌کند. این پیش‌طاق دارای تزئینات هندسی پیچیده، گره‌چینی‌های سنگی و مقرنس‌کاری‌های ظریفی است که ویژگی بارز هنر سلجوقی است. نقوش ستاره‌ای هشت‌پر و طرح‌های اسلیمی که در سنگ تراشیده شده‌اند، نه تنها جنبه زیبایی‌شناختی، بلکه نمادهای کیهانی و مذهبی آن دوران را منعکس می‌کنند.

ب) کوشک مسجد (Kiosk Mosque)

یکی از ویژگی‌های فنی و منحصربه‌فرد آغازی کاراهان، وجود یک کوشک‌مسجد در مرکز حیاط است. این مسجد بر روی چهار جرز سنگی تنومند بنا شده و زیر آن فضایی خالی برای عبور و مرور یا استراحت موقت تعبیه شده است. این سبک معماری، تعادلی میان نیازهای مذهبی و فضای عملکردی کاروانسرا ایجاد کرده است.

۳. اهمیت علمی و جایگاه در میراث جهانی

این بنا از سال ۲۰۱۴ میلادی در فهرست موقت میراث جهانی یونسکو قرار گرفته است. دلایل اهمیت علمی آن عبارتند از:

کمال مهندسی: استفاده از سنگ‌های تراش‌خورده دقیق (Ashlar) و سیستم‌های طاق‌زنی پیچیده که مقاومت بنا را در برابر زلزله‌های منطقه برای ۸ قرن تضمین کرده است.

تنوع تزئینات: وجود بیش از ۲۰ نوع طرح هندسی متفاوت در بخش‌های مختلف بنا که آن را به یک مرجع برای مطالعه ریاضیات در هنر تبدیل کرده است.

پیوستگی عملکردی: حفظ تمامی اجزای یک کاروانسرای کامل شامل حمام، اصطبل، تالارهای استراحت و حجره‌های بازرگانی.

۴. وضعیت مرمت و حفاظت

در دهه‌های اخیر، تحت نظارت وزارت فرهنگ و گردشگری ترکیه، عملیات مرمت گسترده‌ای در این بنا صورت گرفته است. هدف از این اقدامات، بازگرداندن شکوه اولیه سردرها و تثبیت سازه کوشک مسجد بوده است. امروزه آغزی کاراهان به عنوان یکی از موزه‌های فضای باز در مسیر گردشگری فرهنگی آناتولی شناخته می‌شود.



قلعه آلانیا؛ نماد اقتدار دریایی و شاهکار معماری نظامی سلجوقیان

قلعه آلانیا سندی زنده از تداوم تمدن‌ها در آناتولی است. اگرچه پی‌ریزی این دژ به دوران هلنیستی و رومی بازمی‌گردد، اما شکوه کنونی آن مدیون سلطان علاءالدین کی‌قباد اول، قدرتمندترین پادشاه سلجوقیان روم است که در قرن سیزدهم میلادی (۱۲۲۱ میلادی) این شهر را فتح و آن را به عنوان پایتخت زمستانی خود برگزید.

۱. ویژگی‌های کالبدی و مهندسی دژ

قلعه آلانیا با دیوارهایی به طول ۶٫۵ کیلومتر محصور شده است که مانند تاجی بر سر شبه‌جزیره قرار گرفته‌اند.

برج‌ها و باروها: این قلعه دارای ۱۴۰ برج دیده‌بانی است که با دقت استراتژیک برای نظارت کامل بر خلیج و خشکی طراحی شده‌اند.

آب‌انبارها (Cisterns): به دلیل موقعیت صخره‌ای و عدم دسترسی به آب جاری، مهندسان سلجوقی حدود ۴۰۰ آب‌انبار در داخل قلعه ساختند که برخی از آن‌ها هنوز هم فعال هستند.

۲. بخش‌های کلیدی و استراتژیک بنا

معماری قلعه به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود که هر یک کارکرد خاص خود را داشته است:

ارگ داخلی (İç Kale): در مرتفع‌ترین نقطه بخش غربی قرار دارد و مرکز اداری و نظامی قلعه بوده است. بقایای کاخ سلطان، کلیسای بیزانسی (که توسط سلجوقیان حفظ شد) و تأسیسات نظامی



در این بخش دیده می‌شود.

برج قرمز (Kızıl Kule): این برج هشت ضلعي که در سال ۱۲۲۶ ساخته شده، شاهکار مهندسي نظامي است. نام آن به دليل آجرهاي قرمز رنگي است که در بخش بالايي بنا به کار رفته است. این برج براي محافظت از لنگرگاه و کارخانه کشتي‌سازي ساخته شد.

کارخانه کشتي‌سازي (Tersane): نخستين کارخانه کشتي‌سازي سلجوقيان در دريای مدیترانه است. این بنا شامل پنج تالار طاق‌دار است که به گونه‌اي طراحي شده بودند تا از نور خورشيد بيشترين بهره را ببرند و همزمان از دید دشمن پنهان بمانند.

۳. اهميت تاريخي و نمادين

قلعه آلانیا تنها یک بنای نظامي نبود، بلکه محلي براي تلاقي فرهنگ‌ها محسوب می‌شد. حضور یک کلیسای بیزانسي در دل ارگ سلجوقي نشان‌دهنده تسامح مذهبي و فرهنگي در آن دوران است. این قلعه تحت نام «علائیه» (برگرفته از نام سلطان علاءالدین) به یکی از مهم‌ترین مراکز تجاري و دریایی منطقه تبدیل شد که راه ارتباطي مستقيمي با مصر و شام داشت.

۴. باستان‌شناسي و حفاظت

در دهه‌هاي اخير، کاوش‌هاي علمي گسترده‌اي توسط باستان‌شناسان دانشگاه‌هاي معتبر ترکیه در این سایت انجام شده است. مرمت‌هاي صورت گرفته تحت نظارت شوراي عالي آثار تاريخي ترکیه، با تمرکز بر حفظ بافت اصلي سنگ‌ها و کتيبه‌هاي سلجوقي انجام شده تا اصالت بنا براي ثبت نهایي در یونسکو حفظ شود.





نان آئاتولی

آئاتولی را «وطن گندم» می‌نامند؛ سرزمینی که نخستین گذار بشر از گردآوری خوراک به کشاورزی نظام‌مند در آن رخ داد. در فرهنگ این مرز و بوم، نان فراتر از یک ماده غذایی، به عنوان «برکت» (Nimet) و پیونددهنده نسل‌ها شناخته می‌شود. در میان صدها نوع نان سنتی، لواش و پیده دو رکن اصلی هویت نانوایی آئاتولی هستند که هر یک داستانی از دانش باستانی و مهارت هنری را روایت می‌کنند.

۱. لواش: میراث ناملموس بشری در یونسکو

نان لواش، نانی نازک و پهن است که هزاران سال در منطقه اکو و آئاتولی پخته شده است. در سال ۲۰۱۶ میلادی، فرهنگ پخت و اشتراک‌گذاری لواش به عنوان بخشی از میراث فرهنگی ناملموس یونسکو به ثبت رسید.

مهارت فنی و پخت سنتی: لواش اصیل در تنور (Tandır) پخته می‌شود. خمیر پس از ورز آمدن، به نازکی کاغذ پهن شده و به دیواره‌های داغ تنور گلی کوبیده می‌شود.

ویژگی علمی منحصربه‌فرد: یکی از جنبه‌های جالب توجه لواش، ماندگاری بسیار بالای آن است. این نان پس از پخت خشک می‌شود و می‌توان آن را ماه‌ها نگهداری کرد. هنگام مصرف، تنها با پاشیدن اندکی آب و پوشاندن با پارچه، نان دوباره نرمی و کیفیت اولیه خود را به دست می‌آورد؛ تکنیکی باستانی برای مدیریت منابع غذایی در فصول سرد.

۲. پیده: هنر تخمیر و تنورهای سنگی

برخلاف لواش، پیده نانی حجیم و تخمیرشده است که طیف وسیعی از نان‌های تخت تا نان‌های مغزدار را شامل می‌شود.



پیده رمضان (Ramazan Pidesi): این نان دایره‌ای شکل با طرح‌های لوزی یا مربعی که توسط سرانگشتان نانوا ایجاد می‌شود (Tirnaklı Pide)، نماد معنویت و سنت در ترکیه است. استفاده از کنجد و سیاه‌دانه بر روی آن، علاوه بر عطر، به لحاظ علمی به هضم بهتر نان کمک می‌کند.

پیده‌های منطقه‌ای: در مناطق مختلف آناتولی، پیده به شکل «قایق» تهیه می‌شود که داخل آن با موادی چون گوشت، پنیر یا سبزیجات پر می‌گردد. این سبک پخت در شهرهایی مانند قونیه و مناطق دریای سیاه، تخصص ویژه‌ای می‌طلبد و در تنورهای سنگی با هیزم بلوط پخته می‌شود.

۳. ریشه‌های علمی و باستان‌شناختی

غنای نان آناتولی مدیون استفاده از گندم‌های اجدادی نظیر «سایز» (Siyez/Einkorn) است. مطالعات باستان‌شناسی در سایت‌های گوبکلی‌تپه و چاتال‌هویوک نشان داده است که اجداد اولیه لواش و پیده بیش از ۱۰ هزار سال پیش در این جغرافیا تهیه می‌شدند.

تخمیر طولانی: در پخت پیده سنتی، فرآیند تخمیر طولانی باعث شکسته شدن پروتئین‌های گلوتن و اسید فیتیک می‌شود که این امر، دسترسی بدن به مواد معدنی را افزایش داده و هضم نان را به مراتب آسان‌تر از نان‌های صنعتی می‌کند.

۴. جایگاه اجتماعی و آیین «ایمجه»

پخت نان در آناتولی یک فعالیت جمعی است. آیین «ایمجه» (İmce) یا همکاری داوطلبانه، ریشه در پخت لواش دارد که در آن زنان روستا دور هم جمع شده و نان مورد نیاز چندین ماه خانواده‌ها را به صورت گروهی تهیه می‌کنند. این سنت، نماد همبستگی اجتماعی و پایداری فرهنگی در منطقه است.

پلنگ آناتولی؛ بازگشت شبج کوهستان به قلمرو باستانی

پلنگ آناتولی (*Panthera pardus tulliana*)، زیرگونه‌ای از پلنگ است که بومی فلات آناتولی و بخش‌هایی از قفقاز محسوب می‌شود. این موجود باشکوه که برای نزدیک به نیم قرن (پس از آخرین مشاهده رسمی در سال ۱۹۷۴) به عنوان یک «گونه منقرض شده» در طبیعت ترکیه پنداشته می‌شد، در سال‌های اخیر با ثبت تصاویر خیره‌کننده توسط دوربین‌های تله‌ای (Camera Traps)، بازگشتی معجزه‌آسا به صدر اخبار علمی جهان داشته است.

۱. وضعیت بقا و بازکشف تاریختا اواخر دهه ۲۰۱۰، بسیاری از کارشناسان حیات‌وحش بر این باور بودند که پلنگ آناتولی تنها در صفحات تاریخ باقی مانده است. اما گزارش‌های رسمی وزارت کشاورزی و جنگلداری ترکیه در سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵ تایید کرد که این پلنگ نه تنها منقرض نشده، بلکه در چهار منطقه مختلف از جمله کوهستان‌های توروس (Taurus Mountains) و مناطق شمال شرقی آناتولی در حال زیست و تولیدمثل است. در سال ۲۰۲۶، این گونه در فهرست قرمز اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت (IUCN) در رده «در معرض انقراض بحرانی» (Critically Endangered) قرار دارد.

۲. ویژگی‌های علمی و ریخت‌شناسی پلنگ آناتولی نسبت به پسرعموهای آفریقایی خود دارای جثه‌ای بزرگ‌تر و پوششی ضخیم‌تر است که آن را برای زندگی در مناطق کوهستانی و سردسیر

سازگار کرده است. رنگ پوششش: پوست این پلنگ دارای زمینه‌ای زرد مایل به خاکستری با خال‌های روزت (گل‌مانند) بزرگ است که در میان آن‌ها نقاط سیاه کوچکی دیده می‌شود. زیستگاه: این گونه عمدتاً مناطق مرتفع، صخره‌ای و جنگل‌های متراکم دور از دسترس انسان را برای شکار و قلمروگزینی انتخاب می‌کند.

۳. برنامه ملی حفاظت (۲۰۲۳-۲۰۲۸) دولت ترکیه با همکاری انجمن‌های بین‌المللی محیط‌زیست، «برنامه عمل ملی حفاظت از پلنگ آناتولی» را تدوین کرده است. اهداف اصلی این برنامه در سال ۲۰۲۶ عبارتند از: ایجاد کریدورهای زیستی؛ پیوند دادن زیستگاه‌های پراکنده برای جلوگیری از درون‌زایی (Inbreeding) و حفظ تنوع ژنتیکی. پیش هوشمند: نصب شبکه‌ای گسترده از دوربین‌های تله‌ای مجهز به هوش مصنوعی برای ردیابی مسیر حرکت و تخمین جمعیت. جریمه‌های سنگین: وضع قوانین سختگیرانه و جریمه‌های نقدی بسیار بالا (بیش از یک میلیون لیر) برای شکارچیان متخلف.

۴. اهمیت اکولوژیک در منطقه اکوپلنگ آناتولی به عنوان یک «گونه چتر» (Umbrella Species) شناخته می‌شود؛ به این معنا که حفاظت از آن و قلمرو وسیعش، به طور خودکار منجر به حفظ هزاران گونه گیاهی و جانوری دیگر در اکوسیستم کوهستانی آناتولی می‌شود. این پلنگ حلقه‌ای اتصال تنوع زیستی میان گربه‌سانان بزرگ ایران (پلنگ ایرانی) و قفقاز است و مطالعه روی آن می‌تواند دانش ما را از تکامل گربه‌سانان در غرب آسیا دگرگون کند.



ترکمنستان

گردشگری در ترکمنستان: گنجینه‌ای پنهان در قلب آسیای مرکزی



ترکمنستان، سرزمینی با بیابان‌های گسترده قره‌قوم، شهرهای مدرن عشق‌آباد و ارکاداغ، و میراث غنی جاده ابریشم، یکی از ناشناخته‌ترین اما جذاب‌ترین مقاصد گردشگری در آسیای مرکزی است. فرهنگ عشایری، اسب‌های افسانه‌ای آخال‌تکه، شهر باستانی مرو، و سواحل دریای مازندران تجربه‌ای منحصر به فرد و به یادماندنی برای گردشگران فراهم می‌کنند. سال ۲۰۲۵ نقطه عطفی برای گردشگری این کشور به شمار می‌رود: از جمله می‌توان به راه‌اندازی ویزای الکترونیک، توسعه زیرساخت‌های دیجیتال مانند اینترنت ۵G در ارکاداغ، و گسترش منطقه گردشگری آوازا در سواحل خزر اشاره نمود.

جاذبه‌های گردشگری ترکمنستان

عشق‌آباد؛ شهر مرمرین

عشق‌آباد، پایتخت ترکمنستان، در کتاب رکوردهای گینس به عنوان شهری با بیشترین بناهای تزیین شده با سنگ مرمر ثبت شده است (رکورد ثبت‌شده در سال ۲۰۱۳ و همچنان معتبر در ۲۰۲۵)

- مجتمع یادبود استقلال: میزبان موزه تاریخ ملی است که فرهنگ و تاریخ ترکمنستان را به نمایش می‌گذارد.
- چرخ و فلک آله‌تین: یکی از بزرگ‌ترین چرخ و فلک‌های سرپوشیده در منطقه.
- مسجد ارطغرل غازی: مسجدی با گنبد طلایی و ظرفیت پذیرش ۷,۰۰۰ تا ۱۰,۰۰۰ نفر
- موزه ملی ترکمنستان: مجموعه‌ای از آثار باستانی گونور-دپه، جواهرات ارزشمند، و فرش‌های دست‌بافت را در خود جای داده است.

مرو باستانی (ماری)

این شهر با بیش از ۴,۰۰۰ سال قدمت در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده و شامل آرامگاه

سلطان سنجر، بناهای دوره سلجوقی، و مسجد یوسف همدانی است

دروازه جهنم (دهانه گاز داروزا)

دهانه‌ای آتشین در قلب بیابان قره‌قوم که از سال ۱۹۷۱ شعله‌ور است. کمپینگ شبانه در اطراف این جاذبه تجربه‌ای بی‌نظیر برای گردشگران ماجراجو ارائه می‌دهد

اسب‌های آخال‌تکه

این اسب‌های افسانه‌ای، نماد ملی ترکمنستان، در مزارع پرورش اسب نزدیک عشق‌آباد و در جشنواره‌های سالانه به نمایش گذاشته می‌شوند

بازار آلتین آسان

بازاری سنتی در حومه عشق‌آباد که فرش‌های دست‌بافت، صنایع دستی، و جواهرات نقره‌ای را عرضه می‌کند.

بیابان قره‌قوم و دریاچه ساری‌قمیش

بیابان قره‌قوم که ۸۰ درصد خاک ترکمنستان را تشکیل می‌دهد، مقصدی ایده‌آل برای تورهای ماجراجویانه است. دریاچه ساری‌قمیش نیز برای دوستداران طبیعت و پرندنگری جذابیت دارد.

منطقه گردشگری آوازا

این مجموعه در سواحل دریای مازندران امکانات گسترده‌ای ارائه می‌دهد:

- ۱۸ هتل، ۸ مرکز تفریحی و درمانی، و ۹ مجموعه کلبه‌ای با ظرفیت بیش از ۱۰,۰۰۰ نفر.
- رودخانه مصنوعی، پارک‌ها، مراکز خرید، و امکانات تفریحات آبی.
- آوازا در سال ۲۰۲۵ میزبان رویدادهای بین‌المللی مانند مجمع سرمایه‌گذاری ترکمنستان بود که نشان‌دهنده رشد گردشگری کنفرانسی است.

رویدادها و جشنواره‌ها

- نوروز (۲۱ تا ۲۳ مارس): جشنی ملی با اجرای رقص کوشت‌دیپدی و موسیقی باغشی (بخشی).
- روز اسب ترکمن (آخرین یکشنبه آوریل): جشنواره‌ای برای گرامیداشت اسب‌های آخال‌تکه که گردشگران خارجی را جذب می‌کند.





- نمایشگاه صنایع دستی عشق آباد (۲۰۲۴-۲۰۲۵): نمایش فرش‌ها و جواهرات ترکمنی با حضور بازدیدکنندگان بین‌المللی.

تغییرات کلیدی در سال ۲۰۲۵

ویزای الکترونیک

از آوریل ۲۰۲۵، ترکمنستان سیستم ویزای الکترونیک را راه‌اندازی کرده است که ورود را برای بسیاری از ملیت‌ها آسان‌تر کرده، هرچند برای برخی انواع ویزا همچنان دعوت‌نامه لازم است

دیجیتال‌سازی و فناوری

شهر ارکاداغ، به‌عنوان شهر هوشمند ترکمنستان، در اوایل سال ۲۰۲۵ شبکه ۴G و در ژوئن ۲۰۲۵ شبکه ۵G را راه‌اندازی کرد. این تحول امکان رزرو آنلاین و بهبود ارتباطات گردشگری را فراهم کرده است

زیرساخت‌های جدید

فرودگاه بین‌المللی بالکان‌آباد در ۲ مه ۲۰۲۵ افتتاح شد و ظرفیت حمل‌ونقل هوایی به مناطق غربی، به‌ویژه آوازا و سواحل مازندران، را افزایش داد

همکاری‌های منطقه‌ای

ترکمنستان، ازبکستان، و قزاقستان در اوت ۲۰۲۵ مسیرهای مشترک گردشگری جاده ابریشم را معرفی کردند که مرو، داروازا (دروازه جهنم)، و کهنه گرگانج (اورگنج) را به سایت‌های خوارزم و غرب قزاقستان متصل می‌کند.

چالش‌های گردشگری

- کمبود امکانات زیرساختی در مناطق روستایی و بیابانی.
- محدودیت‌های عکاسی در سایت‌های دولتی و حساسیت‌های فرهنگی.
- هزینه‌های بالا در عشق‌آباد (برای مثال، هتل‌های ۵ ستاره اغلب شبی بیش از ۲۰۰ دلار هزینه دارند).

نکات سفر برای گردشگران

- بهترین زمان سفر: بهار (مارس تا مه) و پاییز (سپتامبر تا نوامبر) به دلیل آب‌وهوای معتدل.
- حمل‌ونقل: پروازهای مستقیم به عشق‌آباد و ترکمن‌باشی؛ مرزهای زمینی فعال با ازبکستان و ایران.
- اقامت: هتل‌های ۵ ستاره مانند بیلدیز، اقامتگاه‌های محلی در مرو و بالکان‌آباد، و

- هتل‌های ساحلی در آوازا. امنیت: ترکمنستان از نظر جرایم خیابانی یکی از امن‌ترین کشورهای آسیای مرکزی است.

آینده گردشگری

با راه‌اندازی ویزای الکترونیک، گسترش منطقه آوازا، و مسیرهای مشترک جاده ابریشم، انتظار می‌رود ورود گردشگران به ترکمنستان در سال‌های ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۶ بین ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش یابد، در حالی که این کشور جذابیت منحصر به فرد خود را حفظ می‌کند.

دروازه جهنم: راز شعله‌های ابدی در بیابان ترکمنستان

در قلب بیابان قره‌قوم ترکمنستان، یکی از عجیب‌ترین پدیده‌های طبیعی-انسانی جهان خودنمایی می‌کند: گودالی عظیم و مشتعل به قطر حدود ۷۰ متر و عمق ۲۰ متر که شبانه‌روز و بیش از نیم‌قرن است می‌سوزد. این پدیده که به «دروازه جهنم» (Darvaza Gas Crater) یا «دهانه

حرارت مداوم در حال ریزش و گسترش هستند و شکل آن پیوسته تغییر می‌کند.
• منظره فرازمینی: بسیاری از گردشگران این صحنه را شبیه به سطح سیاره ای دیگر یا دروازه‌ای به جهان زیرین توصیف می‌کنند.

دروازه جهنم امروز: از نماد تا چالش

• جاذبه گردشگری ماجراجویانه: این مکان امروزه اصلی‌ترین جاذبه گردشگری ترکمنستان است. کمپینگ در کنار این آتش عظیم، تجربه‌ای منحصر به فرد برای گردشگران به شمار می‌آید.

تلاش برای خاموشی: در سال ۲۰۲۲، رئیس‌جمهور قربانقلی بردی‌محمدوف دستور خاموش کردن این آتش را برای حفظ منابع و محیط‌زیست صادر کرد. با این حال، خاموش کردن چنین آتشی با حجم عظیم گاز، فناوری و هزینه بسیار زیادی نیاز دارد و تاکنون محقق نشده است.



داروازا» معروف است، داستانی حیرت‌انگیز دارد. سال ۱۹۷۱ بود. اتحاد جماهیر شوروی در این منطقه به دنبال ذخایر گاز طبیعی حفاری می‌کرد. ناگهان سکو و تجهیزات حفاری بر روی حفره‌ای وسیع فرو ریخت و دهانه‌ای عظیم ایجاد شد. زمین‌شناسان برای جلوگیری از انتشار گازهای سمی (عمدتاً متان) تصمیم گرفتند آن را آتش بزنند، با این تصور که گاز پس از چند هفته تمام شده و آتش خاموش خواهد شد. اما اشتباه کردند. آتش تا به امروز -بیش از ۵۰ سال بعد- همچنان شعله‌ور است.

ویژگی‌های منحصر به فرد

اندیشه‌افروز: دمای درون گودال به حدی است که می‌توان از فاصله دور آن را دید. شب‌ها، نور آن از ده‌ها کیلومتری در بیابان تاریک می‌درخشد.
• صدا و گرمای مهیب: نزدیک شدن به لبه دهانه با صدایی شبیه غرش کوره و گرمایی طاقت‌سوز همراه است.
• تغییر شکل دائمی: دیواره‌های دهانه به دلیل

مسجد ارطغرل غازی؛ نماد معماری اسلامی



مسجد ارطغرل غازی یکی از شاخص‌ترین بناهای مذهبی و معماری اسلامی در ترکمنستان است که در شهر عشق‌آباد، پایتخت این کشور، قرار دارد. این مسجد که با الهام از معماری عثمانی ساخته شده، نمادی از پیوندهای تاریخی، فرهنگی و معنوی جهان ترک و اسلامی به شمار می‌رود.

ساختمان مسجد با گنبد مرکزی بزرگ و چهار مناره بلند، جلوه‌ای باشکوه به سیمای شهری عشق‌آباد بخشیده است. استفاده از سنگ مرمر سفید، تزئینات داخلی ظریف و خوشنویسی‌های اسلامی، این مسجد را به یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های مذهبی و فرهنگی ترکمنستان تبدیل کرده است. مسجد ارطغرل غازی ظرفیت پذیرش هزاران نمازگزار را دارد و در مناسبت‌های مذهبی، میزبان مراسم و اجتماعات بزرگ دینی است.

این مسجد نه تنها مکانی برای عبادت، بلکه مرکزی برای تقویت هویت دینی، گفت‌وگوی فرهنگی و پیوندهای معنوی در جامعه ترکمنستان به شمار می‌آید و نقش مهمی در معرفی چهره فرهنگی و مذهبی این کشور در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا می‌کند.

چرخ و فلک آله تین، نماد مدرن عشق آباد

نورپردازی شبانه، این سازه را به یکی از چشمگیرترین نقاط شهری عشق آباد تبدیل می کند .

مجتمع آله تین علاوه بر چرخ و فلک، شامل فضاهای فرهنگی، تفریحی و نمایشگاهی است.

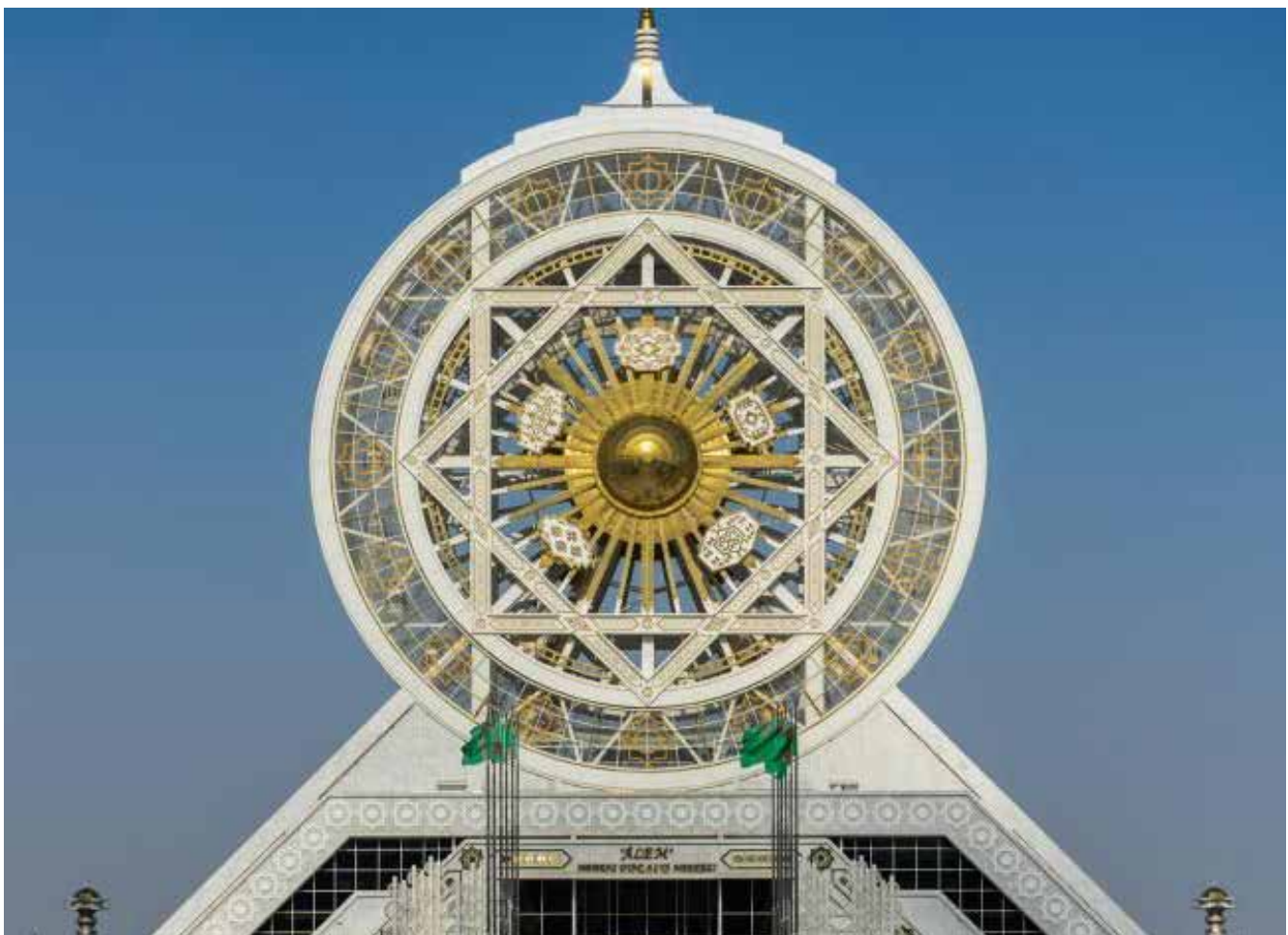
جایگاه گردشگری

چرخ و فلک آله تین نه تنها یک جاذبه تفریحی، بلکه نمادی از هویت معاصر ترکمنستان و تلاش این کشور برای ترکیب فناوری، معماری و فرهنگ است. بازدیدکنندگان از بالاترین نقطه آن چشم اندازی گسترده از شهر سفیدرنگ عشق آباد و کوه های کپه داغ را مشاهده می کنند.

چرخ و فلک آله تین (Alem Ferris Wheel) یکی از شاخص ترین سازه های مدرن ترکمنستان و از جاذبه های اصلی شهر عشق آباد است. این سازه که در مجتمع فرهنگی-تفریحی «آله تین» قرار دارد، به عنوان بزرگ ترین چرخ و فلک سرپوشیده جهان شناخته می شود و طراحی آن ترکیبی از معماری آینده گرا و نمادپردازی ملی است.

ویژگی های برجسته

چرخ و فلک در یک سازه عظیم شش ضلعی قرار گرفته که نمای بیرونی آن با الگوهای سنتی ترکمنی تزئین شده است. کابین ها کاملاً سرپوشیده اند و امکان استفاده در تمام فصول را فراهم می کنند.



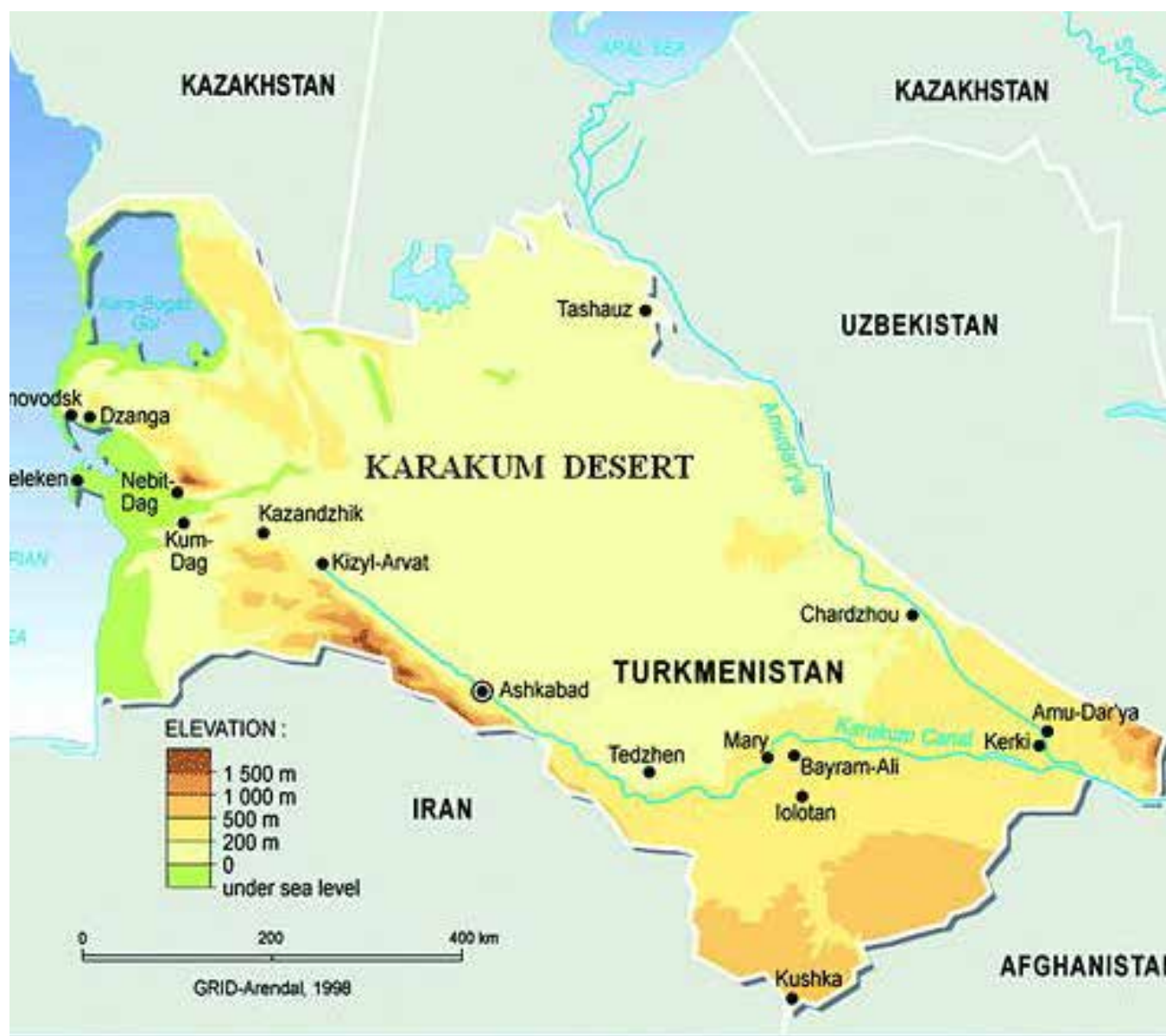
بیابان قره‌قوم؛ دریای سیاهِ شن در قلب ترکمنستان

بیابان قره‌قوم (به معنای شن سیاه) یکی از بزرگ‌ترین بیابان‌های شنی جهان است که حدود ۷۰ درصد از مساحت ترکمنستان را دربر می‌گیرد. این پهنه عظیم از شمال تا نزدیکی دریاچه آرال و از جنوب تا دامنه‌های کوهستان کپه‌داغ امتداد دارد و از شرق به رود آمودریا و از غرب به دریای خزر می‌رسد.

قره‌قوم سرزمینی کم‌جمعیت، خشک و بادخیز

است؛ جایی که در برخی مناطق آن هر ده سال تنها یک‌بار بارندگی ثبت می‌شود. تپه‌های ماسه‌ای، رس‌های سخت‌شده و دشت‌های نمکی، سیمای اصلی این بیابان را شکل می‌دهند. با وجود خشکی شدید، این منطقه زیستگاه گونه‌هایی از گیاهان مقاوم و جانوران بیابانی است که خود را با شرایط سخت سازگار کرده‌اند.

یکی از ویژگی‌های مهم این بیابان، کانال بزرگ قره‌قوم است؛ سازه‌ای آبی به طول حدود ۸۰۰ کیلومتر که از میان آن عبور می‌کند و نقش مهمی در کشاورزی ترکمنستان دارد.



اهمیت گردشگری و محیط زیست

ترکیب بیابان قره قوم و دریاچه ساری قمیش، مجموعه‌ای کم‌نظیر از چشم‌اندازهای طبیعی را پدید آورده است؛ از تپه‌های طلایی و سکوت بی‌انتها گرفته تا پهنه‌های آبی که همچون سرابی واقعی در دل کویر می‌درخشند. این منطقه ظرفیت بالایی برای اکوتوریسم، پرندنگری، پژوهش‌های زمین‌شناسی و مطالعات محیط‌زیستی دارد.

با این حال، تغییرات اقلیمی، برداشت بی‌رویه آب و فشارهای انسانی، تهدیدهایی جدی برای این اکوسیستم‌ها محسوب می‌شوند. حفاظت از این پهنه‌ها، نه تنها برای آینده محیط‌زیست منطقه، بلکه برای حفظ میراث طبیعی آسیای میانه ضروری است.

دریاچه ساری قمیش؛ آینه‌ای نوظهور در دل بیابان

دریاچه ساری قمیش (Sarygamysh) در مرز ترکمنستان و ازبکستان قرار دارد و یکی از بزرگ‌ترین پهنه‌های آبی منطقه به شمار می‌رود. این دریاچه در دهه‌های اخیر، عمدتاً بر اثر ورود آب‌های زهکشی کشاورزی و تغییرات هیدرولوژیک منطقه شکل گرفته و امروز به یک اکوسیستم مهم تبدیل شده است.

ساری قمیش با وجود منشأ نسبتاً جدید خود، به زیستگاهی ارزشمند برای پرندگان مهاجر، ماهیان و حیات وحش بیابانی تبدیل شده است. تضاد چشمگیر میان آب‌های آرام دریاچه و خشکی بی‌پایان قره قوم، این منطقه را به یکی از منحصربه‌فردترین چشم‌اندازهای طبیعی آسیای میانه بدل کرده است.



ازبکستان

کاروان‌سرای رباط ملک؛ قصر دشت

اگر در مسیر شاهراه سمرقند به بخارا حرکت کنید، در نزدیکی شهر «نواپی»، ناگهان با سازه‌ای عظیم و باشکوه روبرو می‌شوید که گویی از دل خاک سر برآورده است. رباط ملک (**Rabati Malik**) تنها یک استراحتگاه ساده نبود؛ این بنا در قرن یازدهم میلادی (دوران قراخانیان) ابتدا به عنوان یک اقامتگاه سلطنتی و دژ نظامی ساخته شد و بعدها به یکی از مهم‌ترین ایستگاه‌های جاده ابریشم تبدیل گشت.

۱. معماری و شکوه بصری

آنچه امروز از این بنای باستانی باقی مانده، دروازه (پیش‌طاق) عظیم ۱۸ متری آن است که هوش از سر هر بیننده‌ای می‌برد:

تزیینات آجری: نمای بنا با آجرهای تراش‌خورده و طرح‌های هندسی پیچیده (ستاره‌های هشت‌پر) تزیین شده است. این سبک معماری، پیش‌درآمدی بر شکوهی است که بعدها در سمرقند و بخارا به اوج رسید.

ستون‌های نیم‌دایره: دیوارهای اطراف دروازه دارای ستون‌های متصل به هم هستند که شباهت عجیبی به معماری دوران ساسانی و قصر آپادانای تخت‌جمشید دارند؛ پیوندی عمیق میان هنر ایران و توران.

۲. شهر هوشمند در دل کویر

رباط ملک در زمان خود یک مجتمع کامل و مدرن بود. حفاری‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که این کاروان‌سرا شامل بخش‌های زیر بوده است:

بخش مسکونی: اتاق‌های طبقه دوم برای بازرگانان و طبقه اول برای انبار کالاها.

امکانات رفاهی: دارای مسجد اختصاصی، حمام گرم، آشپزخانه و اصطبل‌های وسیع برای بیش از ۱۵۰ اسب و شتر.

امنیت: دیوارهای دوجداره و برج‌های دیده‌بانی که امنیت کاروان‌ها را در برابر راهزنان تضمین می‌کرد.

۳. سردابه ملک؛ معجزه مهندسی آب

درست روبروی کاروان‌سرا، یک سازه گنبدی عجیب به نام «سردابه ملک» قرار دارد. این مخزن آب زیرزمینی که توسط کانال‌های طولانی از رودخانه «زرافشان» تغذیه می‌شد، آب خنک و گوارا را در گرمای سوزان بیابان برای مسافران حفظ می‌کرد. گنبد بزرگ آن مانع تبخیر آب می‌شد و دمای محیط را پایین نگه می‌داشت.

۴. ثبت در حافظه جهان

این کاروان‌سرا به دلیل ارزش تاریخی و معماری استثنایی‌اش، در سال ۲۰۲۳ به عنوان بخشی از مسیرهای جاده ابریشم در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید.



سانتی‌متر است که تقریباً نصف اندازه یک باکلان معمولی است.

رنگ‌آمیزی: در فصل تولیدمثل، پرهای آن به رنگ سیاه براق با جلای سبز و قهوه‌ای تیره در می‌آید و لکه‌های سفید کوچکی روی بدن آن ظاهر می‌شود.

مهارت در شکار: این پرنده غواصی ماهر است. او با سرعت زیاد زیر آب شنا می‌کند تا ماهی‌های کوچک را در میان نیزارها شکار کند.

۲. نماد احیای اکوسیستم

پس از فاجعه زیست‌محیطی دریای آرال، بسیاری از گونه‌های پرندگان منطقه را ترک کردند. اما بازگشت و کلونی‌سازی مجدد باکلان کوچک در تالاب‌های مصنوعی و احیا شده جنوب ازبکستان، به نمادی از «امید» و موفقیت پروژه‌های زیست‌محیطی در منطقه تبدیل شده است.

۳. زیستگاه‌های اصلی در ازبکستان

پناهگاه حیات‌وحش سودوچی (Sudocha): این منطقه در نزدیکی بقایای دریای آرال، یکی از مهم‌ترین نقاط جوجه‌آوری این پرنده در کل آسیای مرکزی است.

دریاچه آیدارکول: جایی که نیزارهای انبوه، امنیت لازم را برای آشیانه‌سازی آن‌ها فراهم می‌کند.

۴. وضعیت حفاظتی (۲۰۲۶)

باکلان کوچک در لیست قرمز گونه‌های در معرض تهدید ازبکستان قرار دارد. دولت ازبکستان در سال‌های اخیر با همکاری سازمان‌های منطقه‌ای، مناطق حفاظت‌شده جدیدی را برای جلوگیری از تخریب نیزارها (که خانه اصلی این پرنده است) ایجاد کرده است.

باکلان کوچک؛ نگهبان تالاب‌های ازبکستان

این پرنده با نام علمی *Microcarbo pygmaeus*، برخلاف پسرعموهای بزرگ‌ترش، جثه‌ای ظریف و رفتاری منحصربه‌فرد دارد. در ازبکستان، این پرنده عمدتاً در نیزارهای انبوه و تالاب‌های اطراف دلتای رود آمودریا و دریاچه‌هایی نظیر آیدارکول زندگی می‌کند.

۱. ویژگی‌های ظاهری و رفتاری

جثه مینیاتوری: طول بدن آن تنها ۴۵ تا ۵۵







لغمان؛ هنرِ نودل‌های دست‌ساز

لغمان یکی از محبوب‌ترین و پرفرودارترین غذاهای ازبکستان است که ریشه در فرهنگ «اویغوری» دارد، اما در طول قرن‌ها به شکلی کاملاً ازبکی تکامل یافته است. این غذا بیش از هر چیز، قدرت دست‌آشپز را در خلق رشته‌های بلند و یکدست به رخ می‌کشد.

۲. انواع لغمان در ازبکستان

در رستوران‌های تاشکند و سمرقند، معمولاً لغمان به دو صورت اصلی سرو می‌شود:

لغمان سوپی (Chuzma Lagman): رشته‌ها در یک آب‌گوشت غلیظ و معطر قرار می‌گیرند که شامل تکه‌های گوشت گوسفند، فلفل دلمه‌ای، تربچه، لوبیا سبز، گوجه‌فرنگی و کلم است.

لغمان سرخ‌شده (Qovurma Lagman): در این روش، نودل‌های پخته شده را با گوشت و سبزیجات در حرارت بسیار بالا تفت می‌دهند. این نسخه معمولاً با یک تخم‌مرغ نیمرو روی آن سرو می‌شود.

۳. سمفونی ادویه‌ها

۱. معماری غذا: از آرد تا رشته‌های جادویی

قلب تپنده این غذا، نودل‌های آن است. برخلاف پاستاهای غربی که با دستگاه یا وردنه تهیه می‌شوند، رشته‌های لغمان با تکنیک «کشیدن و ضربه زدن» ساخته می‌شوند:

تکنیک دست: آشپز خمیر را آن‌قدر می‌کشد و روی میز کار می‌کوبد تا به رشته‌هایی بسیار بلند، منعطف و باریک تبدیل شوند. این کار نیاز به مهارت بالایی دارد تا رشته‌ها پاره نشوند.

بافت: این نودل‌ها پس از پخت در آب جوش،

۴. آداب سرو

لغمان همیشه در کاسه‌های بزرگ سفالی به نام «کاسا» سرو می‌شود. به دلیل طول بلند رشته‌ها (که نماد طول عمر در فرهنگ شرق است)، خوردن آن با قاشق و چنگال (یا گاهی چوب‌های مخصوص در مناطق شرقی ازبکستان) لذت خاصی دارد.

آنچه لغمان ازبکی را متمایز می‌کند، تعادل میان عطر و تندی است. استفاده از بادیان ستاره‌ای (Star Anise)، زیره، پودر فلفل قرمز و مقدار زیادی سیر در سس آن، طعمی گرم و عمیق ایجاد می‌کند که برای روزهای سرد بسیار مطبوع است.



میراث مشترک



از آپادانا تا اکو: واکاوی نماد نیلوفر آبی در امتداد تاریخ و دیپلماسی

گل نیلوفر آبی (لوتوس) در تخت‌جمشید، نه صرفاً یک نقش تزیینی، بلکه مانیفست بصری «صلح پارسی» و نمادی از باززایی، نظم کیهانی و کثرت در عین وحدت است. این گل در سنت‌های اسطوره‌ای مشرق‌زمین، نشانه‌ای از طلوع، پاکی و آغاز دوباره به شمار می‌رود؛ و در سنگ‌نگاره‌های هخامنشی معمولاً با ۱۲ گلبرگ ترسیم شده است-ساختاری که بیانگر چرخه زمان و هماهنگی جهان است.



در طراحی هوشمندانه نشان «مؤسسه فرهنگی اکو»، این الگوی کهن با تغییری معنادار بازخوانی شده و تعداد گلبرگ‌ها به ۱۰ عدد کاهش یافته است؛ تغییری که به‌روشنی به اتحاد و همگرایی ۱۰ کشور عضو این سازمان اشاره دارد. این انتخاب هنری، پلی استوار میان میراث ۲۵۰۰ ساله و دیپلماسی فرهنگی معاصر می‌سازد.



ریشه‌داشتن گلبرگ‌ها در یک مرکز واحد، پیام روشنی از هویت تاریخی مشترک ملت‌های منطقه مخابره می‌کند: این ۱۰ کشور، همچون گلبرگ‌های یک نیلوفر، با وجود تفاوت‌های جغرافیایی و فرهنگی، از سرچشمه‌ای واحد در تمدن مشرق‌زمین تغذیه کرده‌اند و در مسیر شکوفایی، همکاری و صلح پایدار به هم پیوسته‌اند. چنین بازآفرینی نمادین، نشان می‌دهد که اکو نه تنها وارث یک میراث مشترک است، بلکه ادامه‌دهنده و گسترش‌دهنده آن در جهان امروز نیز هست.



اکو؛ ده گلبرگ، یک ریشه، یک تمدن

کبوتر خانه و پرورش کبوتر، سنتی دیرینه در میان کشورهای عضو اکو

کبوترخانه‌ها: پیوند معماری و نظام کشاورزی

در گستره جغرافیایی کشورهای عضو اکو، کبوتر از دیرباز جایگاهی ویژه داشته است. از ایران عصر صفوی تا شهرهای تاریخی آسیای میانه، کبوترخانه‌ها یا برج‌های کبوتر نه تنها محلی برای نگهداری پرندگان، بلکه بخشی حیاتی از نظام کشاورزی و زندگی شهری بوده‌اند. این بناها که با پهنای ۷ تا ۱۵ متر ساخته می‌شدند، با هدف ایجاد امنیت برای پرندگان طراحی شده و در فضای داخلی آن‌ها صدها لانه با ابعاد و شکلی یکسان تعبیه می‌گشت. بیشتر این سازه‌ها به صورت برج‌های استوانه‌ای ساخته شده‌اند و شواهد باستان‌شناسی، پیشینه آن‌ها را در ایران تا ۱۲۰۰ سال قبل تخمین می‌زنند.

کبوترخانه‌ها سازه‌هایی هوشمندانه و بومی‌سازگار بودند که با مصالح محلی بنا می‌شدند. از آنجایی که کبوتر در فرهنگ‌های این منطقه نماد صلح، وفاداری، غرور و پاکی است، آیین‌هایی چون ساخت کبوترخانه، مسابقات پرواز و نگهداری نژادهای خاص، بخشی از میراث ناملموس این کشورها به شمار می‌آید. اگرچه با صنعتی شدن کشاورزی بسیاری از این بناها متروک شدند، اما در سال‌های اخیر به دلیل توجه به گردشگری فرهنگی، احیای معماری بومی و گرایش به کشاورزی پایدار، این سنت دوباره مورد توجه قرار گرفته است.

ایران و ترکیه: قطب‌های معماری کبوترخانه‌ها

ایران بیشترین شهرت را در میان کشورهای عضو اکو از نظر تعداد و شکوه معماری کبوترخانه‌های سنتی دارد. در ایران، به‌ویژه در مناطق روستایی و سنتی همچون اصفهان، یزد و کاشان، این بناها گاه با گنبدها و تزیینات مجلل ساخته می‌شدند که علاوه بر کارکرد اصلی، جنبه زیبایی‌شناختی





نیز داشتند. اوج توسعه این سازه‌ها در ایران بین قرون ۱۶ تا ۱۸ میلادی (دوره صفویه) بود؛ زمانی که رونق کشاورزی نیاز به کود طبیعی را دوچندان کرده بود. فضولات کبوتر به دلیل غنای بالای نیتروژن، فسفر و پتاسیم، کودی بسیار ارزشمند برای تقویت باغ‌ها و زمین‌های زراعی محسوب می‌شد.

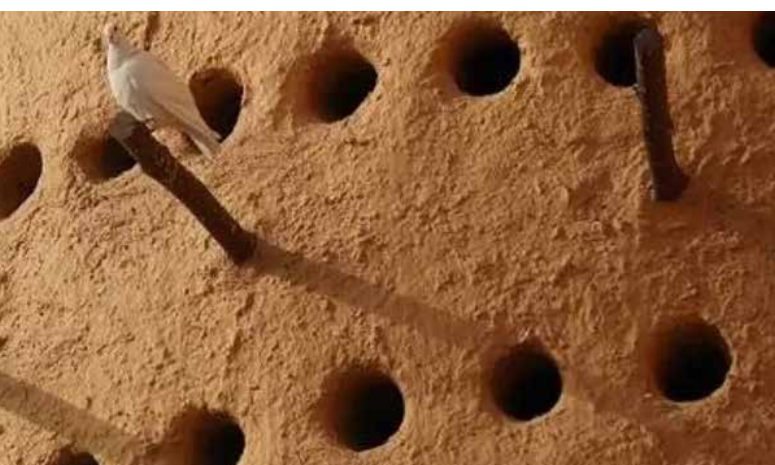


در ترکیه نیز کبوترخانه‌های سنتی (güvercinlik) به‌ویژه در روستاها وجود دارد، اما تعداد آن‌ها کمتر از ایران است. نمونه‌های منحصربه‌فرد ترکیه در منطقه کاپادوکیا دیده می‌شود که در دل صخره‌ها و سنگ‌های طبیعی کنده شده‌اند. در سایر کشورهای عضو اکو، کبوترخانه‌ها معمولاً ساختاری ساده‌تر و روستایی داشته و فاقد پیچیدگی‌های معماری ثبت‌شده در ایران و ترکیه هستند.

وضعیت کبوترپروری در سایر کشورهای عضو اکو

پاکستان: کبوترداری در پاکستان به‌طور گسترده و به عنوان یک سنت خانوادگی قدیمی رواج دارد. کبوترخانه‌ها در این کشور اغلب بر روی پشت‌بام خانه‌های شهری و روستایی دیده می‌شوند و بیشتر با هدف کبوترپرانی و مسابقات پرواز ساخته می‌شوند.

افغانستان: سابقه پرورش کبوتر در این کشور

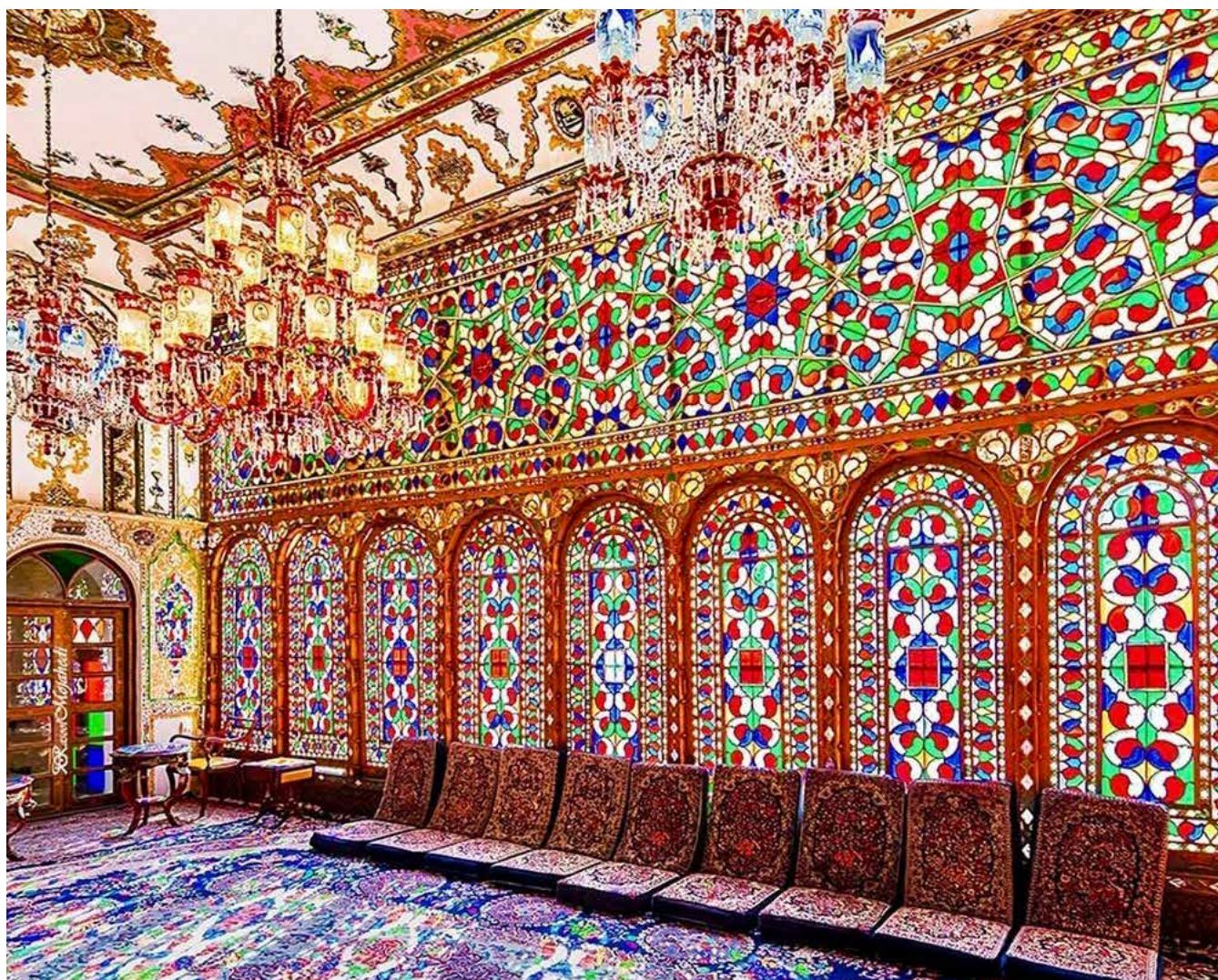


به چند صد تا چند هزار سال پیش بازمی‌گردد. از کبوتر در دوران باستان برای پیام‌رسانی و در دوره‌های اسلامی برای تفریح و اصلاح نژاد استفاده می‌شد. معماری کبوترخانه‌ها در افغانستان ساده و کاربردی است.

جمهوری آذربایجان: این کشور یکی از مهم‌ترین مراکز کبوترهای پروازی جهان است و نژادهای خاص آن شهرت جهانی دارند. ریشه‌های این سنت به دوران باستان و قرون میانه بازمی‌گردد و در دوره صفوی به سرگرمی محبوب اشراف و عامه مردم بدل شد. علی‌رغم محدودیت‌های دوره شوروی، این سنت پس از استقلال دوباره رونق گرفت.

آسیای مرکزی (تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و قرقیزستان): در این منطقه سابقه کبوترداری با فرهنگ ایرانی-سغدی، جاده ابریشم و شهرهای تاریخی گره خورده است. در ازبکستان، ساخت کبوترخانه قدمتی بیش از ۱۰۰۰ سال دارد و شهرهای مسیر جاده ابریشم در این امر پیشگام بوده‌اند. در تاجیکستان این سنت ریشه در فرهنگ سامانی دارد و در ترکمنستان هم‌زمان با پرورش اسب‌های آخال‌تکه، توجه به پرندگان اصیل نیز وجود داشته است. در قرقیزستان نیز این سنت تحت تأثیر کشورهای همسایه گسترش یافته و علی‌رغم محدودیت‌های دوره شوروی، همچنان پابرجا مانده است.





هنر ویتراي يا نقاشي روي شيشه در ايران و کشورهای عضو اکو

جایگاه ویتراي در بین کشورهای عضو اکو بیشتر ریشه در سنت‌های بومی شیشه‌گری، معماری مذهبی و تزئینات نوری دارد تا در معنای کلاسیک اروپایی آن.

در ایران سنت‌های کهن شیشه‌گری و اُرسی (پنجره‌های چوبی با شیشه‌های رنگی) نقش اصلی را داشته‌اند. در واقع اُرسی‌سازی مهم‌ترین پیش‌زمینه ویتراي در ایران است. پنجره‌های چوبی با شیشه‌های رنگی که بدون میخ و با اتصالات ظریف ساخته می‌شدند و نور را به صورت رنگین وارد فضا می‌کردند.

دوره‌های صفویه و قاجار اوج استفاده از شیشه‌های رنگی در خانه‌ها، کاخ‌ها و بناهای مذهبی بود. از نمونه‌های شاخص می‌توان به خانه بروجردی‌ها و طباطبایی‌ها در کاشان، عمارت باغ ارم شیراز،

ویتراي در ایران هنری وارداتی نیست، بلکه ادامه‌ی منطقی از سنت دیرپای نورپردازی و زیبایی‌شناسی ایرانی است. تلفیق گذشته غنی با تکنیک‌های نوین می‌تواند این هنر را به یکی از شاخص‌های هنر معاصر ایران تبدیل کند.

پیشینه شیشه‌گری و استفاده تزئینی از شیشه در ایران بیش از ۲ هزار سال قدمت دارد. هنر ویتراي در ایران (به مفهوم استفاده هنری از شیشه‌های رنگی برای عبور و کنترل نور) به‌طور کلی به حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ سال پیش بازمی‌گردد؛ اما اوج شکوفایی این هنر در دوره قاجار یعنی حدود ۲۰۰ سال پیش بوده است.

ویترای (ارسی) قدمت زیادی دارد و در عین حال پیوند عمیق با معماری مسکونی و مذهبی دارد و کارکرد آن زیبایی شناسی نور است و از نظر عرفانی نور برابر حقیقت است.

در اصل از اواخر قرن ۲۰، تکنیک‌های اروپایی مانند تیفانی، فیوزینگ و سربی وارد ایران شدند.

این هنر در ترکیه بیشتر با نام "شیشه‌های رنگی عثمانی" شناخته می‌شود. پیش از ورود ترکان عثمانی، در دوره بیزانس استفاده از شیشه‌های رنگی در کلیساها رواج داشت. در دوره سلجوقیان روم (قرن ۱۱ تا ۱۳ میلادی)، شیشه‌های رنگی در بناهای مذهبی و مدارس به کار می‌رفت. اما اوج هنر ویترای در ترکیه به دوره عثمانی بازمی‌گردد. از نمونه‌های برجسته می‌توان به مسجد سلیمانیه، مسجد رستم پاشا، کاخ توپقاپی، مسجد سلطان

و کاخ گلستان اشاره نمود. از ویژگی‌های هنری این هنر در ایران می‌توان به نقوش هندسی و اسلیمی به جای تصاویر انسانی و همچنین استفاده از رنگ‌های نمادین و بازی هوشمندانه با نور برای ایجاد حس آرامش و معنویت در فضا اشاره کرد. اگر بخواهیم تفاوت بین ویترای ایرانی و ویترای اروپایی را عنوان کنیم می‌توانیم بگوییم که ویترای ایرانی بیشتر حالت هندسی و انتزاعی دارد در حالی که ویترای اروپایی تصویری و روایی است. ویترای ایرانی ترکیب چوب و شیشه است. در حالی که ویترای اروپایی سرب و شیشه است. در ویترای ایرانی الهام بیشتر از معماری سنتی گرفته می‌شود، اما در ویترای اروپایی الهام از کلیسا گرفته می‌شود و نهایتاً در ویترای ایرانی تمرکز بیشتر بر نور و فضا است در حالی که در ویترای اروپایی تمرکز بر روایت‌ها است. در ایران



احمد و غیره اشاره نمود.

در پاکستان و در شبه قاره هند استفاده گسترده از پنجره های مشبک سنگی (جالی) و شیشه های رنگی ساده و بازی نور در مساجد و کاخ ها رواج داشت. در بناهایی مانند مساجد لاهور و مقبره ها، شیشه های رنگی کوچک گاه در ترکیب با گچ یا چوب دیده می شد، اما ویتراهای به شکل اروپایی آن هنوز رایج نبود. اما با ورود بریتانیا به شبه قاره، هنر ویتراهای اروپایی وارد منطقه شد. در شهرهایی مانند لاهور، کراچی و پیشاور، کلیساهایی ساخته شد که دارای پنجره های ویتراهای با سبک گوتیک بودند. بعد از استقلال پاکستان هنرمندان پاکستانی شروع به بومی سازی این هنر کردند. از ویژگی های این دوره می توان به ترکیب ویتراهای با نقوش اسلامی و الهام از هنر مغولی و ایرانی-اسلامی اشاره نمود. در ضمن ویتراهای در مساجد پاکستان بر خلاف کلیساهای به صورت غیر تصویری به کار می رود. امروزه، این هنر پلی میان سنت اسلامی، هنر مدرن و معماری معاصر است.

هنر ویتراهای در کشورهای ترکمنستان، قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان و ازبکستان ریشه های عمیق در سنت های معماری، باورهای فرهنگی و تحولات تاریخی این منطقه دارد. اگرچه ویتراهای در ذهن بسیاری با کلیساهای اروپایی شناخته می شود، اما در آسیای میانه شکل، کارکرد و زیبایی شناسی متفاوتی پیدا کرده است. در این کشورها به دلیل پرهیز از تصویر انسان و حیوان در هنر اسلامی، ویتراهای بیشتر شامل نقوش هندسی، اسلیمی، گیاهی و خوشنویسی هستند.

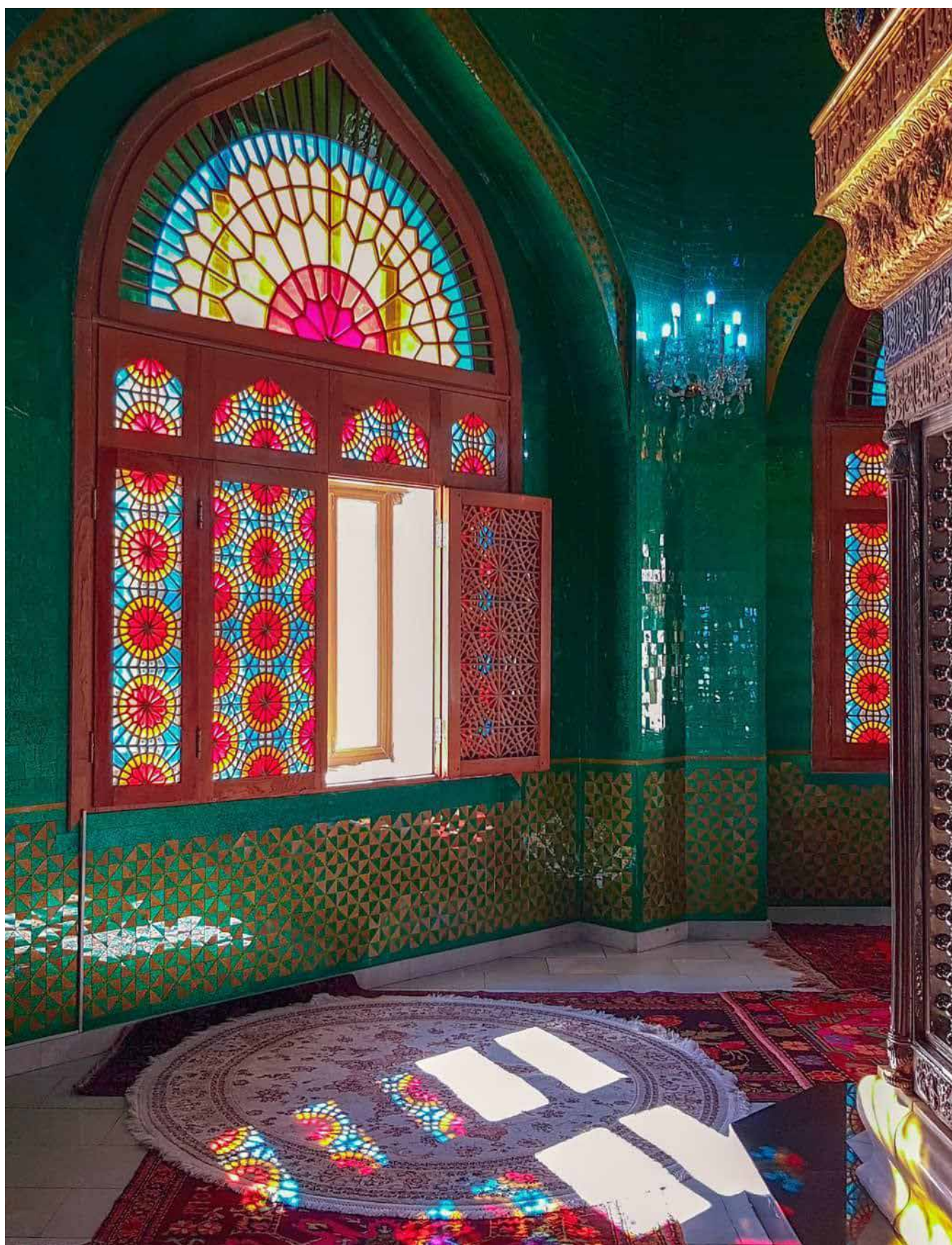
آسیای میانه به دلیل قرار گرفتن در مسیر جاده ابریشم، محل تلاقی فرهنگ های ایرانی، اسلامی، ترک تبار، چینی و بعدها روسی بوده است. استفاده از نور و شیشه رنگی از دوران باستان و به ویژه پس از گسترش اسلام، در معماری این منطقه اهمیت یافت. استفاده از شیشه های رنگی در پنجره ها و مناره ها رایج شد.

در دوره شوروی، ویتراهای به صورت هنر تزئینی مدرن در ساختمان های عمومی (فرهنگسراها، مترو، دانشگاه ها) رواج یافت. ویتراهای در این کشورها تأثیرپذیرفته از ایران، چین و جهان ترک است، و

پیوند عمیق با معماری اسلامی - تیموری دارد. از کاربرد های اصلی آن کنترل نور شدید و ایجاد خنکی بصری است.

در جمهوری آذربایجان این هنر که با نام شبکه شناخته می شود، نه تنها یک تکنیک تزئینی است، بلکه بخشی از میراث معماری و فرهنگی کشور است. این هنر از قرون وسطی در معماری استفاده شده، در قرن های بعد توسعه یافته و تا امروز با تلاش استادان و هنرمندان زنده نگه داشته شده است. اشکال هندسی روی این شیشه ها غالباً نمادهایی از خورشید، انرژی، زمان و بی نهایتی است که در فرهنگ هنری منطقه جایگاه خاصی دارند. کاخ "خان های شکی" یکی از بهترین نمونه های هنر ویتراهای در کشور آذربایجان است. ساخت این بنا به قرن ۱۸ میلادی بازمی گردد و هنر شبکه یا ویتراهای یکی از ویژگی های بارز معماری آن محسوب می شود. افغانستان به سبب قرار گرفتن در مسیر جاده ابریشم، از دوران باستان با فنون شیشه گری آشنا بوده است. شواهد باستان شناسی در بلخ، بامیان و هرات نشان می دهد که از دوره کوشانیان و ساسانیان، ظروف شیشه ای رنگی تولید می شده است. این شیشه ها بیشتر کاربرد تزئینی و آیینی داشتند، نه معماری به سبک ویتراهای اروپایی. اما با ورود اسلام، استفاده از شیشه های رنگی در معماری مذهبی و مسکونی گسترش یافت. برخلاف ویتراهای اروپایی که تصاویر روایی دارد، نمونه های افغانستان بیشتر هندسی، گیاهی و انتزاعی هستند. در اصل دوره تیموری یکی از درخشان ترین دوره های هنری افغانستان است و معماری تیموری از نور و رنگ به شکل استادانه استفاده می کرد. شیشه های رنگی در کنار کاشی کاری، گچ بری و مقرنس برای ایجاد فضای معنوی به کار می رفت. بنابراین می توان گفت که این دوره نزدیک ترین تجربه افغانستان به مفهوم ویتراهای اسلامی - شرقی بوده است.

اگرچه ویتراهای به عنوان یک هنر اروپایی در افغانستان سابقه کلاسیک ندارد، اما می توان گفت که شیشه های رنگی، نورپردازی و پنجره های مشبک همواره بخشی از هنر و معماری افغانستان بوده اند.



فلات ایران، گهواره تمدن های بزرگ

فلات ایران منطقه‌ای کوهستانی و خشک است و یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین مناطق جغرافیایی و تمدنی جهان بشمار می‌آید، و در اصل گهواره تمدن های بزرگ است. از هزاران سال پیش فلات ایران به‌عنوان چهارراه فرهنگی میان شرق و غرب عمل کرده است. امپراتوری‌ها و حکومت‌های بزرگ مانند هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان، سامانیان، غزنویان، تیموریان و صفویان پهنه وسیعی از سرزمین‌های امروزی کشورهای عضو اکو را در بر می‌گرفتند. این درهم‌تنیدگی تاریخی سبب شکل‌گیری نظام‌های مشترک اداری، سنت‌های مشترک معماری، ارزش‌ها و باورهای اخلاقی مشابه و آیین‌های مشترک در نوروز، یلدا و جشن‌های فصلی گردیده است. سازمان اکو با محوریت کشورهای دارای میراث تمدنی مشترک، از فلات ایران به‌عنوان نقطه ثقل فرهنگی بهره می‌برد.

زبان فارسی مهم‌ترین عامل فرهنگی فلات ایران است که قرن‌ها زبان علمی، ادبی و اداری بخش بزرگی از قلمرو کشورهای عضو اکو بوده است. ادبیات فارسی، از رودکی و فردوسی و مولوی تا حافظ و سعدی، امروز نیز حلقه فرهنگی مشترکی میان ملت‌های منطقه است.

ایران و بسیاری از کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو دارای سنت‌های دینی و عرفانی مشابه می‌باشند. تصوف، شعرعرفانی، خوشنویسی اسلامی، معماری گنبدی و باغ‌سازی ایرانی در سراسر منطقه دیده می‌شود. شخصیت‌هایی چون مولانا، ناصر خسرو، بوعلی سینا، بیرونی و ده‌ها دانشمند دیگر، مشترک میان تاریخ فرهنگی این کشورها هستند.

فلات ایران شامل سرزمین‌های امروزی: ایران، افغانستان، تاجیکستان (بخشی از این کشور)، کردستان عراق، پاکستان (مناطق بلوچستان و پنجاب غربی)، و بخش‌هایی از ترکمنستان و ازبکستان، ترکیه، آذربایجان و ارمنستان می‌باشد. این گستره در دوره‌های مختلف بسیار بیشتر از

محدوده فلات بوده است. میانگین ارتفاع آن ۱۲۰۰ متر است و سطح آن حدود ۳/۷ کیلومتر مربع است. بلندترین قله فلات ایران، تیریچ میر با بلندی ۷,۶۹۰ متر در پاکستان واقع است.

از نخستین تمدن های شناخته شده در این منطقه می‌توان به تمدن های ذیل اشاره کرد که قدمت آنها از ۳۰۰۰ تا ۷۰۰۰ سال می‌باشد: تمدن شهر سوخته، تمدن جیرفت، تمدن ایلام، تمدن سغدی، تمدن بلوچستان و غیره.

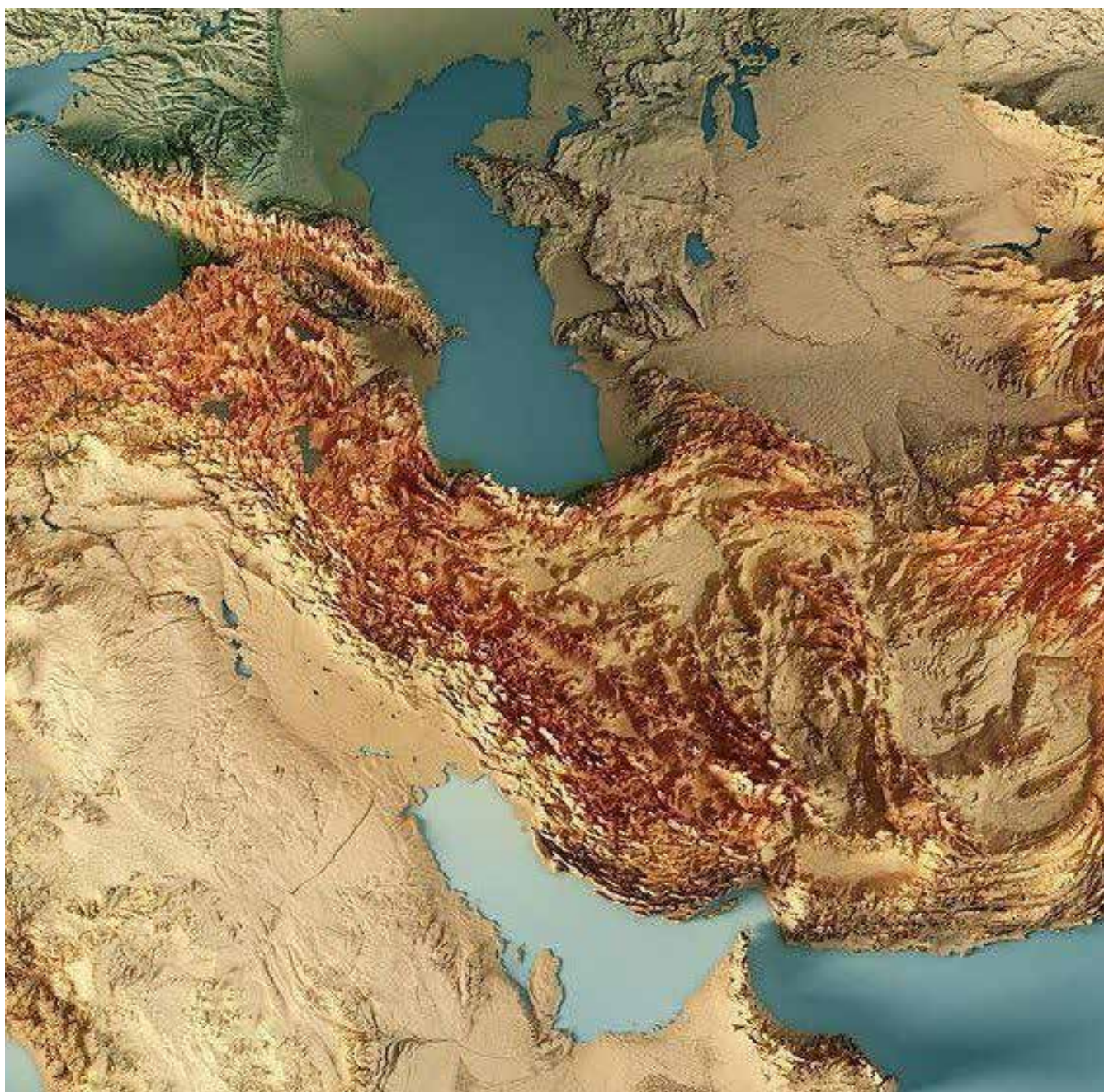
درواقع فلات ایران زادگاه تمدن آریایی‌ها و زبان ایرانی و ادیان مهمی مانند زرتشتی، بودایی و مانوی می‌باشد. این منطقه از نخستین مناطقی است که کشاورزی در آن آغاز شد و حتی قدیمی‌ترین خط موسیقی و ابزارهای پزشکی و شکل‌گیری فلزکاری و مفرغ در این منطقه یافت شده است.

فلات ایران همواره به دلیل شرایط طبیعی، مانند راه‌های باستانی جاده ابریشم (که از پکن، پامیر، بدخشان، بلخ، هرات و فلات ایران عبور می‌کرد)، و شکل‌گیری امپراتوری‌های بزرگی چون هخامنشی، اشکانی و ساسانی و شکل‌گیری زبان‌های پارسی، دری، کردی، پشتو، سغدی، بلخی و غیره، همواره مرکز تبادلات فرهنگی بوده است. یکی از ویژگی‌های بزرگ این منطقه در گذشته راه‌هایی بوده است که بین النهرین و جنوب غربی ایران را به شمال شرق ایران و افغانستان و سرزمین چین متصل می‌کرد و از میان این فلات می‌گذشت. در این منطقه به دلیل نبود رودخانه های بزرگ و صعب‌العبور برسر راه‌های ارتباطی، مراکز فرهنگی شکل گرفت. دیرینه‌ترین انسان‌های پیش از تاریخ در فلات ایران در تپه سیلک کاشان کشف شده‌اند. قدمت آثار باستانی این تپه، با توجه به عنصر سفالهای کشف شده، به حدود حداکثر اواخر هزاره ششم قبل از میلاد می‌رسد.

زبان، تاریخ، تجارت، دین، هنر و ادبیات، هر یک مانند پلی میان این کشورها عمل کرده و زمینه‌ای برای هویت مشترک منطقه‌ای و نزدیکی فرهنگی فراهم ساخته است.

کند. این نقش نه تنها ریشه در گذشته مشترک دارد، بلکه امروزه با شرایط جدید ژئوپلیتیکی، ارتباطات، حمل و نقل و همکاری‌های فرهنگی، بیش از گذشته اهمیت یافته است.

در پایان می‌توان گفت که فلات ایران، با پیشینه تاریخی و تمدنی گسترده و قرار گرفتن در مرکز جغرافیایی منطقه، در عصر حاضر نیز ظرفیت آن را دارد که نقش دروازه فرهنگی میان کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو را ایفا



معرفی کتاب

معرفی کتاب هزار مروارید

کتاب «هزار مروارید»، شامل هزار ضرب‌المثل برگزیده از کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی (اكو) است که توسط آقای شاه‌منصور شاه‌میرزا، کارشناس تاجیکستان در مؤسسه فرهنگی اكو، تدوین شده و به همت مؤسسه فرهنگی اكو در سال ۱۴۰۴ منتشر شده است. این اثر که در قطع رقعی و در ۱۸۵ صفحه تنظیم شده است، بر این حقیقت پای می‌فشارد که تاریخ، فرهنگ و سنن مردم منطقه اكو از یک منشاء واحد سرچشمه می‌گیرد.

کتاب «هزار مروارید» با نگاهی گزیده، از هر کشور عضو اكو، صد ضرب‌المثل را دربر دارد. ویژگی بارز این کتاب، ساختار چندزبانه آن است. هر ضرب‌المثل به زبان اصلی کشور مبدأ و ترجمه به دو زبان فارسی و انگلیسی می‌باشد تا علاوه بر مخاطبان منطقه‌ای، برای پژوهشگران بین‌المللی نیز قابل استفاده باشد.

در تهیه این کتاب از معتبرترین منابع ادبی منطقه؛ ازجمله «امثال و حکم» دهخدا، «کتاب کوچه» احمد شاملو و آثار پژوهشی اندیشمندان افغانستان، آذربایجان و ترکمنستان استفاده شده است. همچنین پژوهشگران برجسته‌ای از کشورهای قرقیزستان، قزاقستان، ازبکستان، پاکستان، ترکیه و تاجیکستان در انتخاب و تطبیق محتوا همکاری داشته‌اند.

شاه‌منصور شاه‌میرزا، تدوینگر این کتاب در بخشی از سخن خود، از حمایت‌های بی‌دریغ سفارتخانه‌های کشورهای عضو اكو در تهران و چهره‌های ماندگار ادب و عرفان ایران و همچنین استادان و پژوهشگران برجسته افغانستان و تاجیکستانی که در این مسیر یاریگر بوده‌اند، قدردانی کرده است. وی همچنین ترجمه این اثر را مدیون تلاش‌های «شهربانو شاه‌میرزا خواجه‌زاده» دانسته است. علاقه‌مندان جهت دریافت و امانت گرفتن این گنجینه ادبی می‌توانند به کتابخانه دیپلماتیک مؤسسه فرهنگی اكو مراجعه نمایند.

مؤسسه فرهنگی اكو (ECI) به عنبر فرهنگی سازمان همکاری‌های اقتصادی اكو، مفتخر است که اقدام به چاپ نموده است که شامل صد ضرب‌المثل و به ده زبان رسمی این ده کشور پژوهشگران و علاقه‌مندان به ادبیات فرهنگ‌های منطقه توصیه می‌شود هزارگانه را نه تنها به چشم واژگانی نشانه‌هایی از تاریخ پنهان در دل مر که در قالب جمله‌هایی کوتاه، ماندگار است.



تهران، اقدسیه، خیابان موحّد دانش،
کوچه باقر النمر، پلاک ۱۰

کد پستی: ۱۹۵۷۶۵۳۶۲۲

تلفن: ۲۷۶۳۰۰۰

Email: Info@eciico.org

www.eciico.org



ECO Cultural Institute
Eurasian Cooperation
Eurasian Development

A THOUSAND PEARLS

Thousand Proverbs from ECO Member Countries

(هزار ضرب المثل از کشورهای عضو اکو)



ECO Cultural Institute
موسسه فرهنگی اکو

هزار مروارید

شاه منصور شامیرزا

مترجم: شهربانو خواجه زاده

وان آژانس تخصصی
ادی ده کشور عضو
این کتاب ارزشمند
مثل از هر کشور
می باشد. به همه
عامه و دوستداران
د این مرواریدهای
زیبا، بلکه به عنوان
دم بنگرند؛ تاریخی
دگار و زنده شده



شخصیت برجسته

مؤسسه فرهنگی اکو، روز بزرگداشت رودکی را
گرامی می‌دارد

مؤسسه فرهنگی اکو روز پاسداشت ستاره سپهر شعر پارسی، ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی را به تمامی دوستداران فرهنگ، ادب و هنر، به ویژه فارسی‌زبانان در گستره جغرافیای اکو، شادباش می‌گوید.

رودکی، آن چکامه سرای نغزگوی، نه تنها بنیانگذار شعر کلاسیک فارسی، بلکه پیونددهنده دیروز و امروز فرهنگ مشترک ماست. از بلخ و سمرقند تا اصفهان و شیراز، از دیار تاجیک و ایران تا خاک افغانستان و دیگر سرزمینهای همزبان، انگار آوازه رودکی هنوز طنین انداز است.

امروز، ما در مؤسسه فرهنگی اکو، با نگرستن به میراث گرانسنگ او، بر خود می‌بالیم که حافظان بخشی از این گنجینه بی‌همتاییم. باد چنین بادا که پرچم شعر و ادب پارسی، با الهام از سروده‌های جاودان این استاد بی‌بدیل، همواره در بلندای تاریخ و فرهنگ ما برافراشته بماند.

باشد که در پناه زبان مشترکمان، پیوندهای فرهنگی ملتهای منطقه هر روز استوارتر گردد. در پایان، به یاد سروده‌ای از این چکامه‌سرای جاویدان، دل را به نور امید روشن می‌داریم:

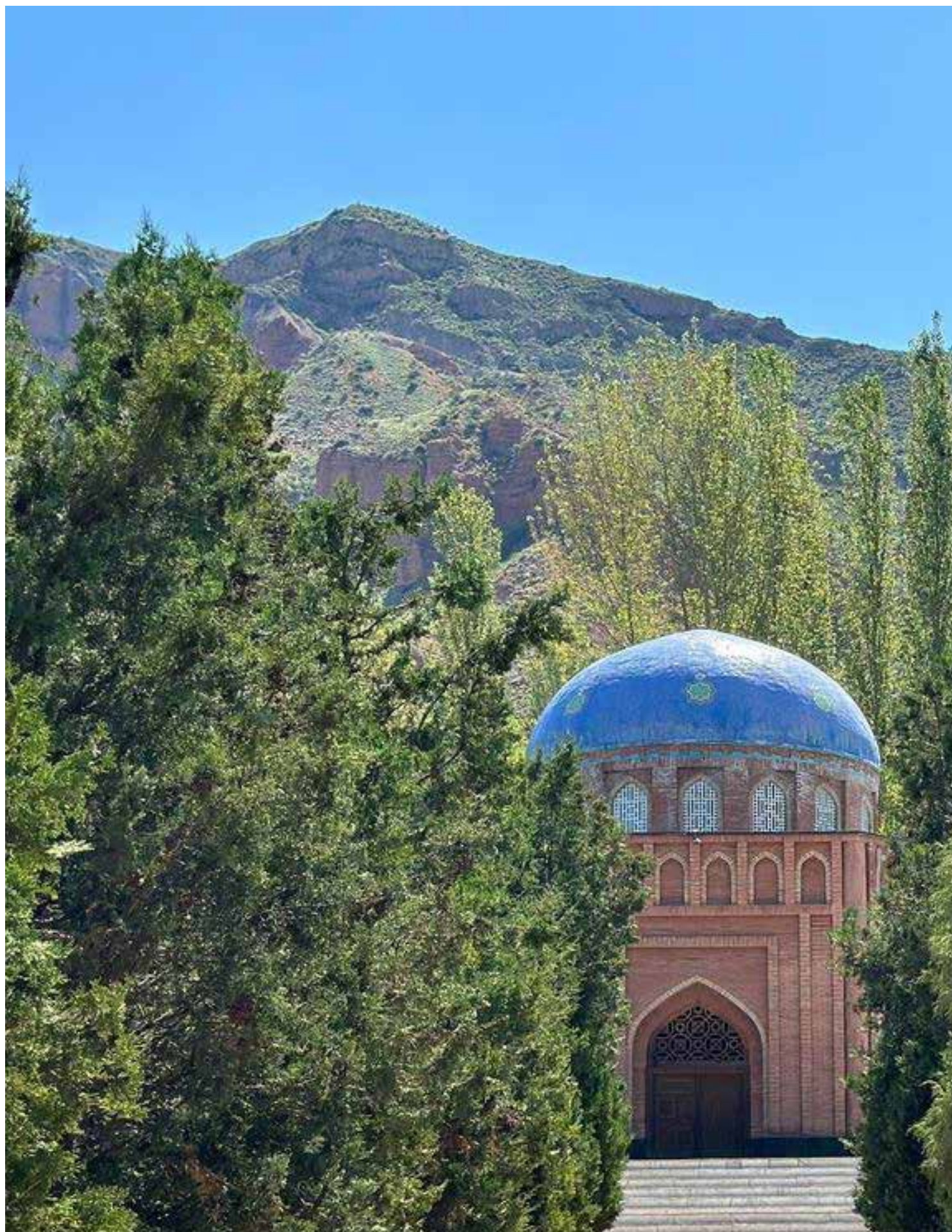
تا جهان بود از سر مردم فراز
کس نبود از راز دانش بی‌نیاز

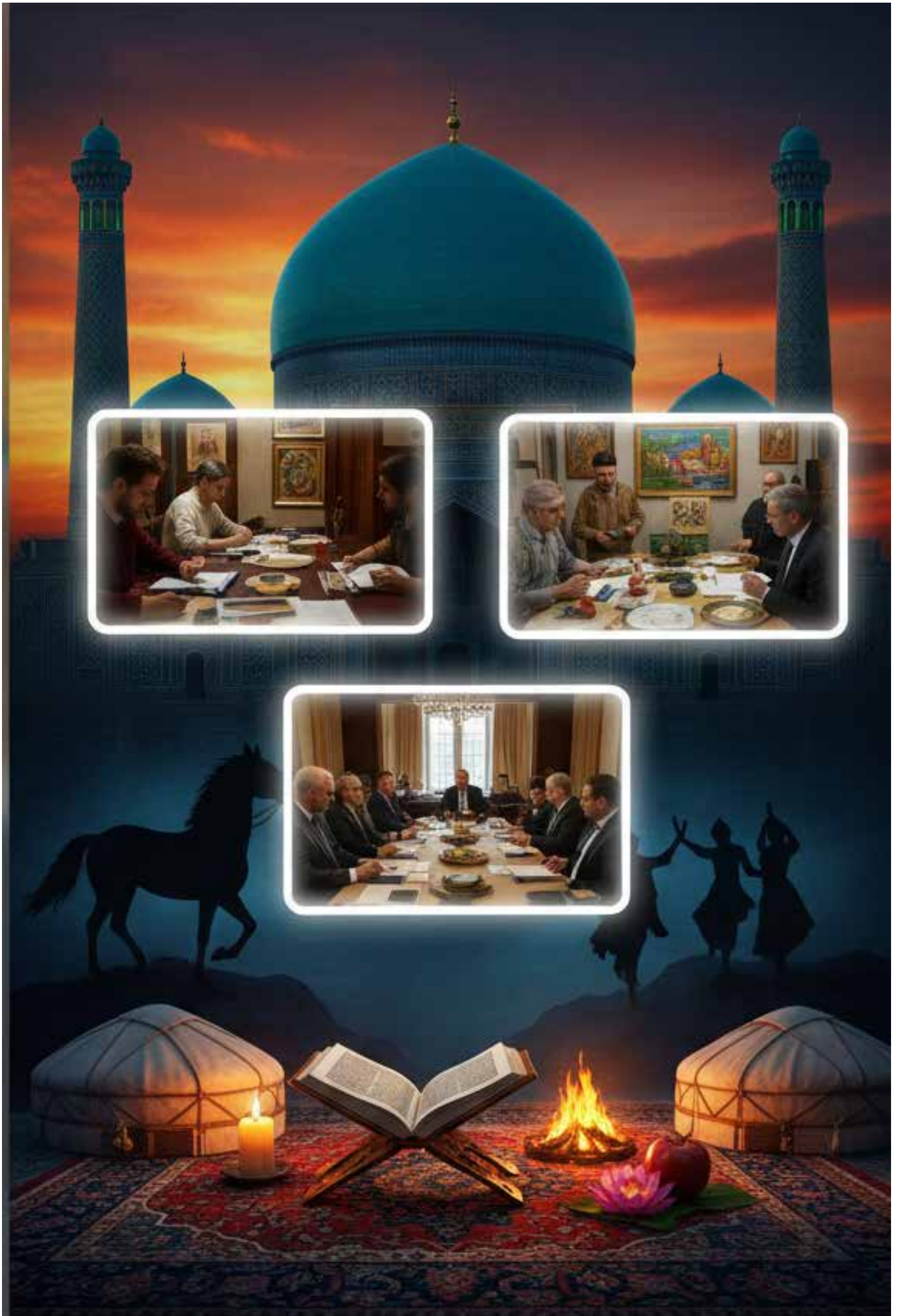
مردمان بخرد اندر هر زمان
راز دانش را به هر گونه زبان

گرد کردند و گرامی داشتند
تا به سنگ اندر همی بنگاشتند

دانش اندر دل چراغ روشنست
وز همه بد بر تن تو جوشنست









فصل دوم

رویدادها و تازه‌های فرهنگی موسسه اکو

(گزارش فعالیت‌ها، نشست‌ها، نمایشگاه‌ها و همکاری‌های اخیر)

بازدید رئیس مؤسسه فرهنگی اکو از مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب



سفیر محمد حسن، رئیس مؤسسه فرهنگی اکو، روز چهارشنبه، ۲۶ آذرماه سال ۱۴۰۴، از مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب بازدید کرد.

این بازدید به دعوت رسمی دکتر اکبر ایرانی، رئیس مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، انجام شد. در طول این بازدید، سفیر محمد حسن با جمعی از دانشمندان برجسته در حوزه‌های فرهنگ و هنر دیدار کرد. در تبادل صمیمانه و سازنده، با دیدگاه‌ها و پیشنهادات مدیران و پژوهشگران در مورد زمینه‌های بالقوه همکاری با مؤسسه فرهنگی اکو آشنا شد.



سفیر محمد حسن همچنین پیامی را در دفتر یادبود مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب ثبت کرد و جایگاه والای آن را در میان مؤسسات فرهنگی برجسته ساخت.

پس از این دیدار، چندین نفر از پژوهشگران خاطرات شخصی و تأملاتی را در مورد زندگی و مشارکت‌های علمی مرحوم استاد کامران فانی، محقق و پژوهشگر برجسته‌ای که مدتی پیش درگذشت، به اشتراک گذاشتند.

دیدار رئیس مؤسسه فرهنگی اکو با رئیس انجمن دوستی ایران و پاکستان



تهران - ۱ دی ۱۴۰۴ (برابر با ۲۲ دسامبر ۲۰۲۵)
به گزارش روابط عمومی مؤسسه فرهنگی اکو، جناب آقای سفیر محمد حسن، رئیس مؤسسه فرهنگی اکو (ECI)، روز دوشنبه در محل این مؤسسه با جناب آقای دکتر هندیوست، رئیس انجمن دوستی ایران و پاکستان، دیدار و گفتگو کرد.

در این نشست، طرفین ضمن تأکید بر اهمیت تقویت روابط فرهنگی و پیوندهای مردمی میان ایران و پاکستان، درباره راهکارهای گسترش همکاری‌ها در حوزه‌های فرهنگی، هنری و علمی تبادل نظر کردند. این دیدار در راستای توسعه دیپلماسی فرهنگی و با هدف تحکیم همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای برگزار شد.



همکاری مشترک مؤسسه فرهنگی اکو و مرکز هماهنگی‌های فرهنگی گفت‌وگوی همکاری آسیا

تهران، ۲۸ یکشنبه ۷ دی ۱۴۰۴ (دسامبر ۲۰۲۵)
آقای محمد جعفری ملک، رئیس مرکز هماهنگی‌های فرهنگی گفت‌وگوی همکاری آسیا (CCACD)، به همراه دکتر تندیس تقوی، سفیر فرهنگ و هنر این مرکز، با آقای محمد حسن، رئیس مؤسسه فرهنگی اکو (ECI)، دیدار و گفت‌وگو کردند.

در این دیدار، طرفین راه‌های گسترش همکاری میان دو نهاد در حوزه فرهنگی را مورد بحث و تبادل نظر قرار دادند.

در پایان، توافق شد که دو طرف به‌صورت مشترک برای برگزاری نمایشگاه خوشنویسی آسیایی و جشنواره غذای آسیایی در تهران همکاری کنند.

رئیس مؤسسه فرهنگی اکو ضمن اعلام حمایت کامل خود، بر آمادگی این مؤسسه برای اجرای موفق این دو ابتکار فرهنگی تأکید کرد.

گسترش تعاملات راهبردی میان منطقه فرهنگی و گردشگری عباس‌آباد و مؤسسه فرهنگی اکو

در راستای تقویت دیپلماسی فرهنگی و بهره‌گیری از اشتراکات تاریخی ملت‌های منطقه، نشست مشترکی میان جناب آقای سید محمدحسین حجازی، مدیرعامل شرکت نوسازی عباس‌آباد، به همراه هیئت همراه و جناب آقای دکتر محمد حسن، رئیس مؤسسه فرهنگی اکو برگزار شد. در این دیدار که روز چهارشنبه ۱۰ دی‌ماه ۱۴۰۴ صورت گرفت، طرفین پیرامون ظرفیت‌های همکاری دوجانبه در حوزه فرهنگی و تمدنی کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی (ECO) به گفتگو و تبادل نظر پرداختند.

محور اصلی این نشست، بررسی پتانسیل‌های موجود برای توسعه «پارک اکو» به عنوان یکی از نمادهای برجسته همبستگی منطقه‌ای در تهران



برگزاری کنسرت «هایریه»؛ جلوه‌ای از اشتراکات فرهنگی در قاب موسیقی

کنسرت گروه کر کودکان یونس امره با عنوان «هایریه» (Hayriye) به عنوان ثمره همکاری مشترک و ارزشمند میان مؤسسه یونس امره تهران و مؤسسه فرهنگی اکو، در تالار اجتماعات این مؤسسه بین‌المللی برگزار شد.

این رویداد هنری که با تکیه بر اصالت‌های بومی و نغمه‌های برخاسته از قلب شهر ارزجان شکل گرفته بود، با رهبری خانم زهره عبدلی و اجرای قطعاتی متنوع توسط کودکان هنرمند، توانست پیام صلح، دوستی و اتحاد میان ملت‌ها را با زبان جهانی موسیقی به گوش مخاطبان برساند.

این برنامه که با سخنان رئیس مؤسسه فرهنگی اکو، جناب آقای دکتر محمد حسن و سخنرانی جناب آقای عاکف شاهین، مدیر مؤسسه یونس امره تهران آغاز شد، فراتر از یک اجرای موسیقایی، به عنوان نمادی از هم‌افزایی فرهنگی و دیپلماسی نرم میان نهادهای بین‌المللی مقیم تهران قلمداد گردید.

در جریان این مراسم که در تاریخ ۱۰ دی ماه ۱۴۰۴ برگزار شد، گروه کر کودکان با اجرای دقیق قطعات منتخب، پیوند عمیق میان میراث ماندگار گذشته و نسل جدید را به نمایش گذاشتند و فضایی سرشار از همدلی و قرابت فرهنگی را خلق کردند که با استقبال گسترده حاضرین و شخصیت‌های فرهنگی همراه شد. موفقیت در اجرای این پروژه مشترک و حضور ارزشمند میهمانان در این شب خاطره‌انگیز، بر توانمندی هنر در ایجاد پیوندهای پایدار و معرفی هویت‌های غنی منطقه تأکید داشته و چشم‌انداز تازه‌ای را برای توسعه همکاری‌های هنری در آینده ترسیم کرد.

بود. پارک اکو که در اراضی عباس‌آباد واقع شده، بستری تخصصی و منحصربه‌فرد برای معرفی میراث معنوی، آداب و رسوم و هنرهای اصیل ملت‌های این حوزه فراهم می‌آورد و نقش بسزایی در تعمیق پیوندهای فرهنگی و تمدنی منطقه ایفا می‌کند.

در جریان این گفتگوها، طرفین بر سر برگزاری رویدادی فراملی و مشترک با موضوع «نوروز» در محل پارک اکو توافق کردند. این رویداد با هدف پاسداشت آیین‌های مشترک تمدنی و معرفی ظرفیت‌های گردشگری منطقه فرهنگی عباس‌آباد در سطح بین‌المللی برنامه‌ریزی شده است. جناب آقای حجازی در این دیدار با تأکید بر اهمیت دیپلماسی شهری، آمادگی کامل شرکت نوسازی عباس‌آباد را برای میزبانی از رویدادهای بزرگ تمدنی با مشارکت کشورهای عضو اکو اعلام کرد تا از این طریق، گامی بلند در جهت همبستگی هرچه بیشتر ملت‌های این حوزه برداشته شود.





چهل‌وهفتمین نشست شورای نمایندگان دائم مؤسسه فرهنگی اکو

چهل‌وهفتمین نشست شورای نمایندگان دائم مؤسسه فرهنگی اکو در تاریخ ۱۲ ژانویه ۲۰۲۶ با حضور نمایندگان کشورهای عضو برگزار شد. در این نشست، ضمن قدردانی از تنوع و گستردگی برنامه‌های ۲۰۲۶ مؤسسه فرهنگی اکو، شروع رسمی برنامه‌ریزی، هماهنگی و اجرای برنامه‌های ۲۰۲۶ مورد تایید قرار گرفت. افزون بر آن، در مورد مسایل اداری، مالی و بودجه ۲۰۲۶ تبادل نظر گردید.





نشست علمی به مناسبت بزرگداشت مقام علمی و فرهنگی دکتر عارف نوشاهی، نسخه‌پژوه معروف منطقه اکو

موسسه فرهنگی اکو به مناسبت بزرگداشت مقام علمی و فرهنگی دکتر عارف نوشاهی، ایران‌شناس و پژوهشگر برجسته نشست علمی با محوریت میرسیدعلی همدانی، عارف و متفکر نامدار را در روز چهارشنبه، ۲۴ دی‌ماه سال ۱۴۰۴ برابر با ۱۴ ژانویه سال ۲۰۲۶ با شرکت سفرا و نمایندگان سفارتخانه‌های کشورهای عضو اکو، دانشمندان و محققان برگزار نمود.

در ابتدای نشست، سفیر محمد حسن، رئیس موسسه فرهنگی اکو ضمن خیرمقدم مهمانان گفت:

مایه‌ی افتخار است که حضور شما در مؤسسه فرهنگی اکو را که محفلی برای تقویت گفت‌وگوی علمی، تفاهم فرهنگی و تبادل اندیشه در سراسر این منطقه می‌باشد، خوش‌آمد گویم. از حضور ارزشمند شما در این نشست و از همراهی مستمرتان با میراث مشترک فرهنگی و فکری حوزه‌ی اکو صمیمانه سپاسگزاریم.

همچنین مایه‌ی خرسندی است که به آقای عارف نوشاهی که به منظور شرکت در همایش بین‌المللی بزرگداشت میرزا عبدالقادر بیدل در تهران حضور دارند، خوشامد گوییم. با توجه به جایگاه علمی ایشان و اهمیت آثارشان، شایسته دیدیم این میزگرد را برگزار کنیم تا بیش از پیش از دیدگاه‌ها و نظرات ایشان بهره‌مند شویم.

رئیس موسسه فرهنگی اکو در ادامه تاکید نمود:

موضوع گفت‌وگوی امروز به میراث میر سید علی همدانی، صوفی برجسته‌ی فارسی‌زبان، عالم نامدار و مرشد معنوی طریقت کبرویه، اختصاص دارد. نقش او در گسترش معارف اسلامی، تهذیب اخلاق و تربیت معنوی در کشمیر، افغانستان و آسیای مرکزی در منابع تاریخی و پژوهشی به‌خوبی شناخته شده است. نفوذ اندیشه و عمل او فراتر از حوزه‌ی الهیات بود و نهادها، سنت‌های فرهنگی و جهت‌گیری‌های فکری را شکل داد که همچنان در سراسر منطقه طنین‌انداز است.

در این فرصت مایلیم توجه شما را به بُعدی از میراث او جلب کنم که نسبتاً کمتر مورد بررسی قرار گرفته، اما برای بحث امروز ما اهمیتی ویژه دارد؛ و آن، تأثیر او در منطقه‌ی بلتستان است؛ سرزمینی که از نظر تاریخی در تلاقی آسیای مرکزی، کشمیر و فلات تبت، در شمال پاکستان، قرار داشته است. برای روشن ساختن این جنبه‌ی مهم، ما پروفسور حسن حسرت، شخصیت نخبه و علمی از منطقه بالتیستان پاکستان را دعوت نمودیم.

سپس، دکتر نظام‌الدین زاهدی، سفیر محترم جمهوری تاجیکستان در تهران درباره جایگاه و مقام میرسیدعلی همدانی در تاجیکستان و محبوبیت او در میان تاجیکان سخنرانی نمود.

سفیر محترم تاجیکستان یادآور شد که در تاجیکستان این عارف بزرگ را حضرت امیرجان نام می‌برند و عکس و ابیاتی از ایشان در روی اسکناس پول ملی تاجیکستان حک شده است. همچنین





بسیاری از آثار او در تاجیکستان به چاپ رسیده و در حال حاضر نیز پژوهشگران به تحقیق و پژوهش آثار او مشغولند.



در ادامه دکتر غلام رضا امیرخانی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، دکتر علی اصغر شعر دوست، رئیس موسسه فرهنگی هنری شهریاران، دکتر اکبر ایرانی، رئیس موسسه پژوهشی میراث مکتوب، دکتر هادی کیاسری، رئیس بنیاد بیدل، دکتر محمد حسن حسرت، دانشمند پاکستانی راجع به خصوصیات و ویژگی‌های آثار میرسیدعلی همدانی، همچنین در مورد فعالیت‌های پژوهشی دکتر عارف نوشاهی، دانشمند معروف پاکستانی سخنرانی و اظهار نظر نمودند.



دکتر محمد حسن حسرت، محقق پاکستانی که در نشست حضور داشت، سخنرانی خود را به جایگاه میرسیدعلی همدانی در بلتستان پاکستان اختصاص داد. وی در بخشی از صحبت‌های خویش گفت: پیشینه تاریخی، تمدنی و فرهنگی بلتستان از اهمیت ژرفی برخوردار است. در روزگار باستان، این منطقه بخشی از امپراتوری تبت بود. ساکنان آن عمدتاً تبار تبتی داشتند و پیرو آیین بودایی تبتی بودند. در آن دوران، بیگانگان این سرزمین را «تبت» یا «تبت کوچک» می‌نامیدند و در میان مردم بومی، به «بالتی یول» مشهور بود؛ یعنی «سرزمین مردم بالتی». زبان بومی بلتستان، «بالتی اسکات»، است که هنوز هم رایج است



و یکی از گویش‌های کهن زبان تبتی به‌شمار می‌رود که ویژگی‌های زبانی خود را طی قرن‌ها حفظ کرده است.



پس از آن‌که مردم این منطقه به همت حضرت شاه همدان اسلام را پذیرفتند، نام «بالتی یول» به فارسی به «بلتستان» ترجمه شد. از قرن هشتم میلادی به بعد، خط بومی تبتی به‌تدریج کنار گذاشته شد و خط فارسی جایگزین آن گردید. بدین‌سان، هم‌زمان با گسترش اسلام، هویت فرهنگی، زبانی و اجتماعی منطقه در چارچوبی نوین و معنوی بازتعریف شد.



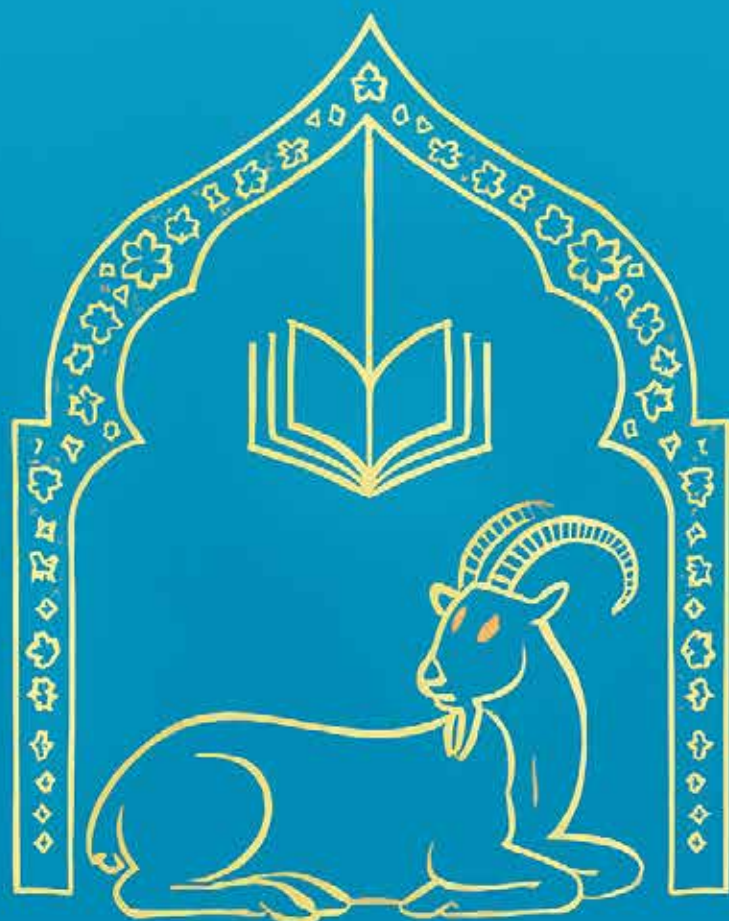
در پایان دکتر عارف نوشاهی، محقق برجسته راجع به فعالیت‌های گسترده خویش در زمینه نسخ خطی گزارش مفصل ارائه نمود و خاطراتی از همکاری با محققان حوزه نسخ خطی از کشورهای عضو اکو را حکایت نمود.



موسسه فرهنگی اکو و سفارت تاجیکستان در تهران و موسسه فرهنگی شهریاران در پایان مراسم هدایایی ای را به جناب دکتر عارف نوشاهی اعطا نمودند.

پس از پایان مراسم سفیر محمد حسن، رئیس موسسه همراه با دکتر نوشاهی و دکتر حسرت از کتابخانه موسسه بازدید نمودند.







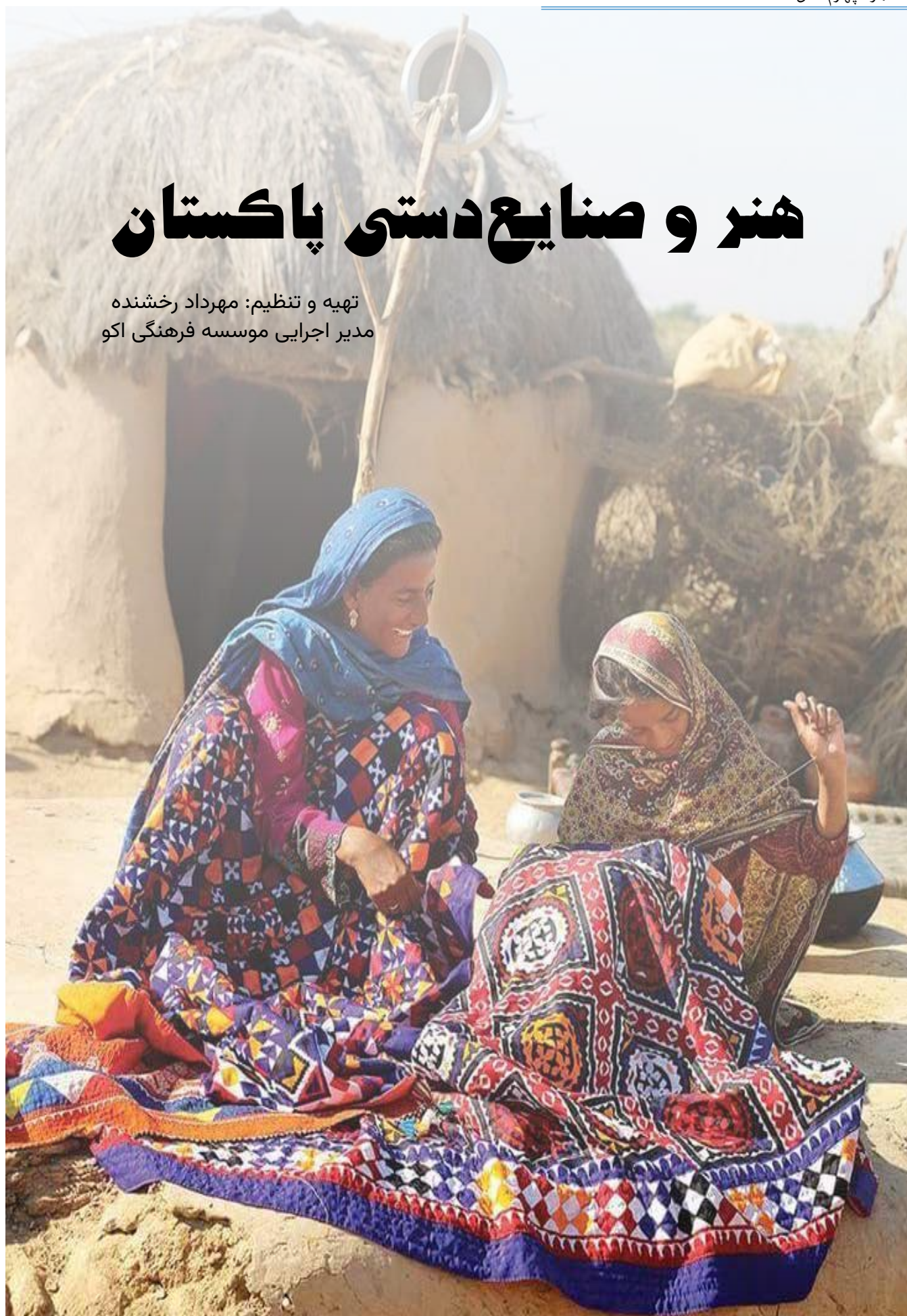
فصل سوم

ویژه‌نامه

(فصلی برای تأمل و تعامل تحلیل‌های عمیق، گفت‌وگوهای تخصصی و مقالات منتخب درباره یک محور فرهنگی مشترک)

هنر و صنایع دستی پاکستان

تهیه و تنظیم: مهرداد رخشنده
مدیر اجرایی موسسه فرهنگی اکو



هنر و صنایع دستی پاکستان؛

پیوند سنت، هویت و خلاقیت

ورود فرهنگ موسیقایی اسلامی به شبه قاره

مسلمانان با ورود به سرزمین شبه قاره، مجموعه‌ای فرهنگی و بسیار پیشرفته را در زمینه موسیقی، آلات موسیقایی، نت‌ها و اصوات به این سرزمین وارد ساختند. مسلمانان خود پیشگامان بزرگی در علم موسیقی بودند؛ دانشمندان برجسته اسلامی نظیر ابوعلی سینا، فارابی و الکندی میراث غنی و بزرگی از این علم را که با تکنیک‌های دقیق آمیخته بود، به جای گذاشتند. در دوران امپراتوری اسلامی، شهرهای دمشق، بغداد، قرطبه و بعدها گرانا‌دا، بزرگ‌ترین مراکز توسعه و آموزش موسیقی به شمار می‌رفتند.

از همین مراکز بود که علوم موسیقایی عربی بر موسیقی اولیه اروپایی تأثیر گذاشت؛ اروپاییانی که در آن زمان تنها دارای آلات موسیقی محدودی نظیر «سیتا» (که بعدها به گیتار معروف شد) و «بربط» بودند و نت‌ها و اصوات را تنها از طریق شنیده‌ها از اعراب می‌نواختند. اعراب آلات موسیقی مخصوص به خود مانند عود، بندری و گیتارا را داشتند که دارای نت‌های خاص و شیوه‌های نواختن ویژه بود. برای نمونه، نحوه نواختن «عود عربی» بعدها به‌طور گسترده‌ای توسط اروپایی‌ها اقتباس و بر روی سازهای خودشان اجرا گردید. با آشنایی مسلمانان با سنت‌های موسیقایی ایرانی و آسیای میانه، دستگاه‌های مختلف موسیقی ایرانی نیز وارد حیطه موسیقی اسلامی شد و اضافات بسیار مهمی بر نت‌ها و علم موسیقی افزوده گشت.

مطالعه هنرهای سنتی در جوامع چندفرهنگی، ابزاری مؤثر برای درک سازوکارهای هویت‌سازی و تداوم فرهنگی است. پاکستان سرزمینی است با پیشینه‌ای کهن و تنوع فرهنگی گسترده؛ کشوری که در چهارراه تمدن‌های جنوب آسیا، آسیای مرکزی و خاورمیانه قرار گرفته و این موقعیت تاریخی سبب شده هنرها و صنایع دستی آن آمیزه‌ای از سنت‌های باستانی، مهارت‌های محلی و تأثیرات اقوام گوناگون باشد. صنایع دستی پاکستان نه تنها بازتاب فرهنگ و باورهای مردمان این کشور است، بلکه امروز نقشی مهم در اقتصاد محلی و گردشگری نیز ایفا می‌کند.

ریشه‌های تاریخی و فرهنگی

پایه‌های هنر در سرزمین پاکستان به تمدن هاراپا و موهنجودارو در دره سند می‌رسد؛ تمدنی که در آن هنر سفالگری، مهرسازی، فلزکاری و نقش‌پردازی رشد چشمگیری داشت. در دوره‌های بعد، ورود اسلام، حکومت گورکانیان و حضور قبایل مختلف پشتون، سندی، بلوچ، پنجابی و کشمیری باعث شکل‌گیری سبک‌ها و فنون متنوعی شد. این تنوع سبب شده هر منطقه پاکستان ویژگی‌های هنری خاص خود را حفظ و توسعه دهد.

تکامل آلات موسیقی و انتقال به اروپا

بسیاری از موسیقیدانان مسلمان هم‌زمان با گروهی از آلات موسیقی به اوج شهرت رسیدند که این سازها بعدها از سرزمین‌های اسلامی وارد اروپا شده و نام‌های جدیدی به خود گرفتند. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- رباب (Rebecca)
- گیشاک (ویولن - Viol)
- چنگ (هارپ - Harp)
- تنبوره (Pandora)
- شهرود یا سرود (Arch lute)
- قانن (Dulcimer)
- نی (فلوت - Flute)
- نقاره (Drum)

این آلات موسیقی در شبه‌قاره توسط مسلمانان به اوج محبوبیت رسیدند. در همین راستا، مسلمانان ترکیبات غنی و جالبی از نت‌ها و اصوات ایرانی، عربی و آسیای میانه را در شبه‌قاره به‌وجود آوردند؛ سرزمینی که خود پیش از آن دارای یک سیستم باستان و مستقل موسیقی بر پایه آلات زهی و بادی نظیر Basri، Vina و Pakhawaj بود.

نقش امیرخسرو دهلوی و نوآوری‌های موسیقایی

بعدها، ترکیبی جدید از سیستم‌های موسیقایی اسلامی و بومی توسعه یافت که ملودی‌ها و نت‌های بسیار غنی از آن استنتاج گردید. بزرگ‌ترین مبتکر این ترکیب، امیرخسرو دهلوی بود. او با درهم‌آمیختن موسیقی ایرانی-عربی با ترکیبات موجود در شبه‌قاره، فرم جدیدی از ملودی‌ها را خلق کرد که از میان آن‌ها می‌توان به قوالی، گل‌بانا (Qalbana)، ترانه، موندها (Mundaha)، نقش‌ونگار، گل، و هوا (Hawa) اشاره کرد. «قوالی» (موسیقی عبادی-مذهبی) معروف‌ترین شکل موسیقی شبه‌قاره است که توسط امیرخسرو ابداع شد. شاگردان وی نیز با

ترکیب ملودی‌های Qawl و Qalbana، ترکیبات جدیدی ایجاد کردند. همچنین در همین دوران، روش خاص «غزل‌خوانی» مرسوم و توسعه یافت و شکل جدید ساز «سیتار» نیز از اقدامات امیرخسرو به شمار می‌رود.

توسعه کلاسیک و جایگاه موسیقی در پاکستان

ساز Pakwaj نیز ترکیبی از یک جفت طبله و دهلک است. در توسعه این هنر، افرادی چون سلطان حسین شرقی از شهر جیپور و ابراهیم شاه دوم از شهر دکن نقش بسزایی داشتند؛ به‌طوری که موسیقی کلاسیک «راگا» (Raga) و «خیال» (Khayal) عمیقاً مدیون سلطان حسین شرقی است.

بر اساس مایه‌های اجتماعی-فرهنگی پاکستان، دو شکل موسیقی غزل‌خوانی و قوالی بیشترین پیشرفت را داشته‌اند. قوالی که ریشه در مکتب صوفیسم دارد، در مقابر، بارگاه‌ها، اقامتگاه‌های صوفیان و مراسم مذهبی اجرا می‌شد. محتوای قوالی بر اساس عشق بی‌پایان به خدا، رسول (ص) و رهبران روحانی استوار بوده و ماهیتی عمیق، اخلاقی، معنوی و عارفانه دارد.

ترکیبات موسیقایی که بدنه موسیقی کلاسیک و روحانی پاکستان را تشکیل می‌دهند، توسط صوفیان بزرگی چون شاه حسین، بوله شاه، شاه عبداللطیف بهتائی، سچل سرمست و خواجه غلام فرید توسعه یافته‌اند. امروزه سازهایی چون سرنگی، سیتار، تنبوره، طبله، دهلک و بنسری (Bansri) از مشهورترین آلات موسیقی در پاکستان هستند که در موسیقی کلاسیک به‌طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرند. با این حال، موسیقی کلاسیک در پاکستان به دلیل عدم حمایت‌های کافی دولتی و مالی و همچنین از دست رفتن نسل قدیم استادان، با نوعی رکود مواجه شده است؛ با وجود آنکه مسلمانان شبه‌قاره نقش کلیدی در توسعه این هنر ارزشمند داشته‌اند.





نقاشی (تصویر گری)

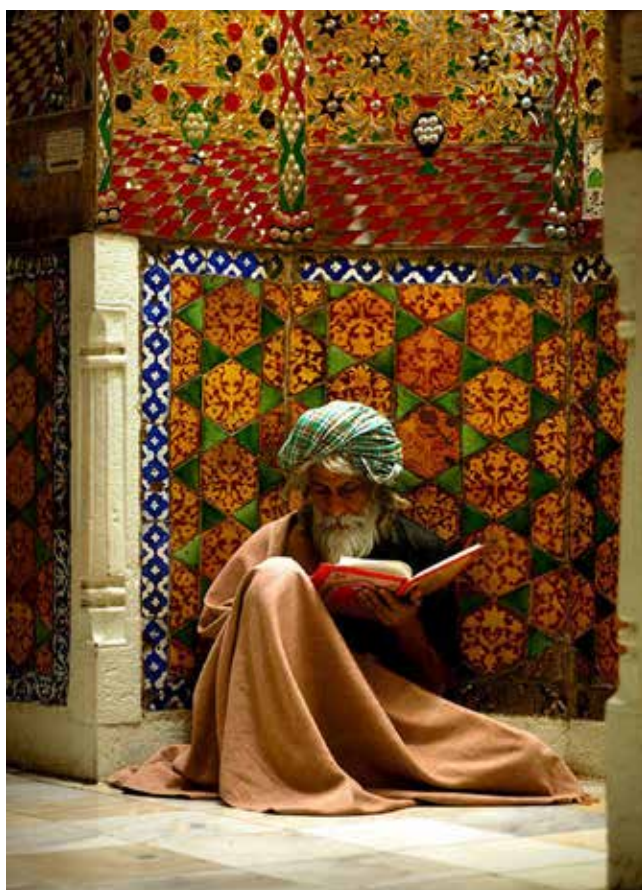
نقاشی یکی از هنرهای بسیار همه‌گیر و محبوب می‌باشد که در پاکستان، همچون دیگر شعبه‌های هنری گسترش یافته است؛ اما با این تفاوت که این هنر از آن دسته هنرهایی است که به شکل بسیار گسترده‌ای با تکنیک‌های تصویرگری اسلامی ممزوج گشته است. هنر در اسلام به عنوان یک مذهب کاملاً توحیدی آغاز گردید و جوامع اسلامی توجه بسیاری به توسعه و ارائه همه زمینه‌های هنری از خود نشان دادند که پیکرتراشی (Sculpture) را باید از آن استثناء کرد؛ بنابراین جوهی از هنر که با اعتقادات مذهبی اسلام منافاتی نداشت در جوامع اسلامی گسترش یافت. با این حال، غریزه و حس مدل‌سازی و پیکرتراشی، مجرا و مسیر خود را در دیگر هنرهای خلاق در میان مسلمانان پیدا کرد.

بنابراین، مسلمانان هنرهایی چون خطاطی (خوشنویسی)، نقاشی تزیینی، طغرا (Monograms)، نقاشی‌های تزیینی و گل‌دار، حکاکی بر روی چوب و فلز، تذهیب و صحافی کتاب را به عنوان هنرهای

قرائت، حمد و نعت؛ هنرهای آوازی مذهبی

هرچند این دو آواز ریتمیک و نت‌دار سنتی در طبقه‌بندی‌های موسیقایی محسوب نگردیده‌اند، با این حال حمد (Hamd)، نعت (Naat) و قرائت (Qira'at) به عنوان بخشی از اعمال روزانه مردم پاکستان مورد استفاده قرار می‌گیرند. قرائت، هنر خواندن قرآن با صدایی ریتمیک و نت‌دار می‌باشد و در پاکستان آغازگر هر جلسه‌ای، قرائت قرآن است. حمد و نعت نیز تکریم و ابراز احترام و عشق به پیامبر بزرگ اسلام (ص) با آوازی ریتمیک و موسیقی‌دار می‌باشد.

نعت‌خوانی و حمدخوانی به عنوان دو شاخه اصلی و مهم از ترکیبات شعری (Poetic Compositions) ترویج یافته‌اند که در حیات فرهنگی پاکستان به شکل معنوی و آکادمیک حضور مؤثر داشته است. هرچند در این دو آوازخوانی مذهبی و روحانی، ابزارآلات موسیقی (Musical Instruments) به کار نمی‌رود، اما به علت نوای موسیقایی که دارد، از هنرهای موزیکال (Musical Arts) به شمار می‌رود.



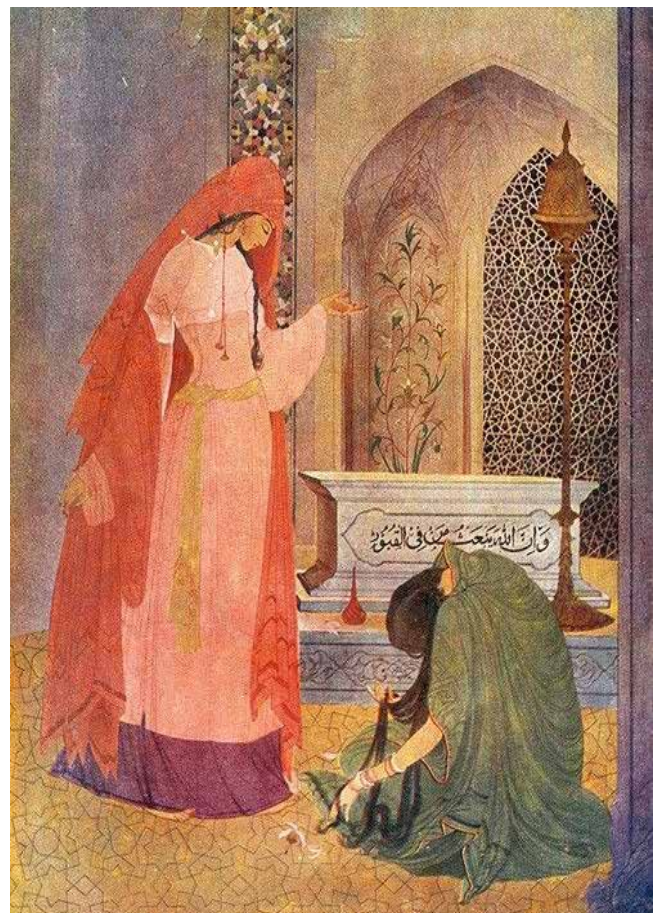


متمایز و ویژه خلق نمودند؛ به طوری که این هنرهای ظریف و ممتاز به عنوان هنرهای اسلامی معرفی و مطرح گردیدند. بعدها، زمانی که افکار توحیدی به شکل وسیعی گسترش یافت و خطر بازگشت به بت پرستی از بین رفت، هنرمندان مسلمان مدل‌های مختلف نقاشی را به کار گرفتند.

با شروع قرن سیزدهم، در بغداد نقاشی تحول و پیشرفت زیادی نمود اما این هنر تنها در تذهیب کتب و حاشیه کتاب‌ها به کار گرفته شد. بعد از تخریب بغداد توسط مغول‌ها، این هنرها در بخش شمالی ایران پیشرفت زیادی نمود؛ جایی که موضوعات زنده و طبیعی چون پرنده در حال پرواز در میان ابرها، نوع جدیدی از نقاشی مناظر طبیعی (Landscapes) را معرفی نمود. با نفوذ روش نقاشی چینی در ایران، خطاطی و هنرهای تزیینی نیز شکل جدیدی به خود گرفت. تصویر جدیدی از نقاشی بعد از غلبه تیموریان بر ایران در اوایل قرن پانزدهم شکل گرفت. «بهزاد»، نقاش معروف این عهد، پایه‌گذار این سبک جدید بود؛ وی در زمینه نقاشی مینیاتور (Miniature) زیباترین

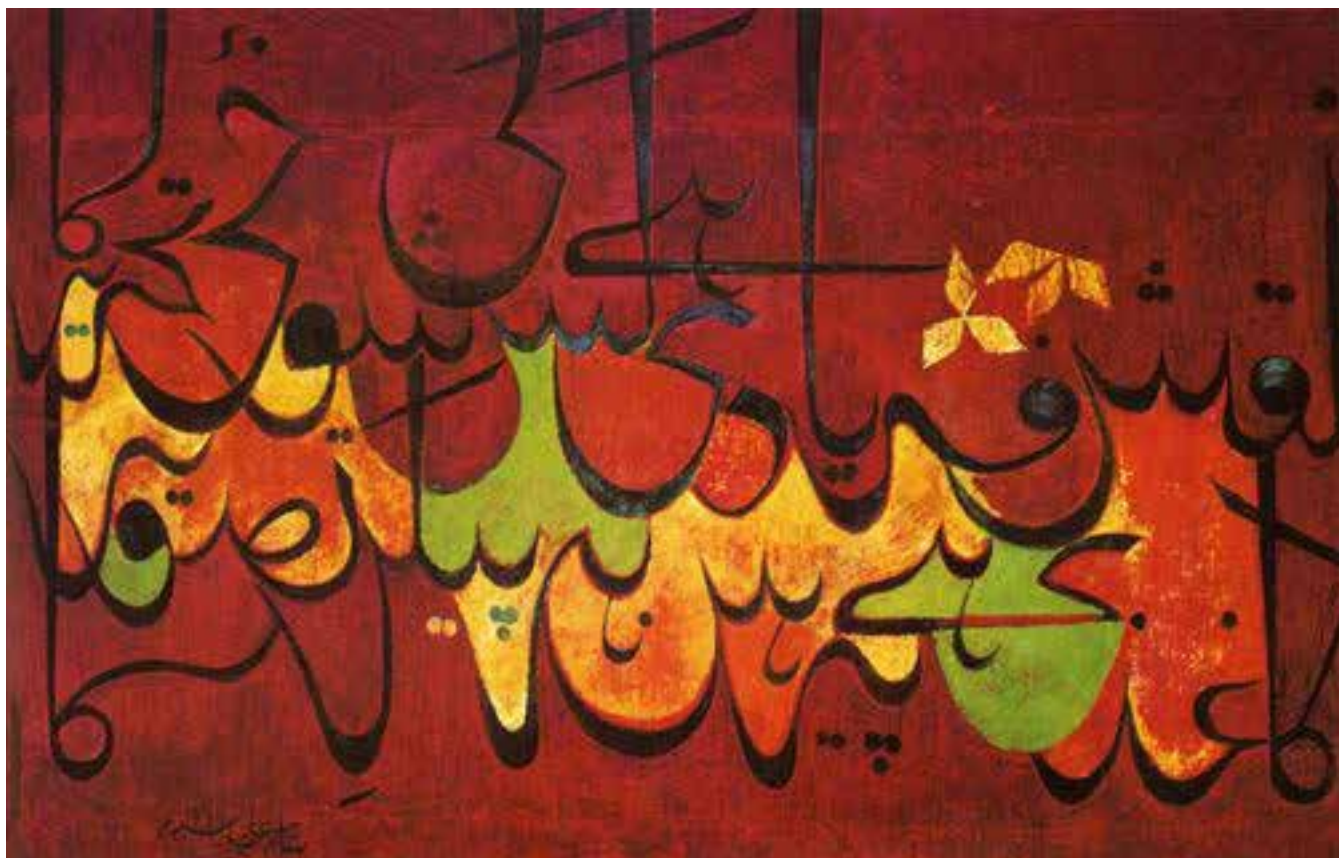
و متعالی‌ترین آثار را خلق نمود. با سرپرستی و حمایت صفویان در ایران، تصویرگری شکار در خاندان سلطنتی، جنگ‌ها، دادگاه‌های سلطنتی، عشق و دلدادگی و نقاشی شاهزادگان در رنگ‌های مجلل و عالی خلق شد و به عنوان سبک صفوی مشهور و معروف گردید.

نقاشی در شبه‌قاره تحت سلطنت سلاطین دهلی به طور عمده تحت تأثیر نقاشی سبک بغداد در قرن سیزدهم قرار داشت تا آنکه مغول‌ها به شبه‌قاره وارد گردیدند. با ورود آن‌ها، سنت‌های تصویرگری تیموری، چینی و صفوی رونق گرفت که در مجموع به سبک مغول (Mughal Style) معروف و شناخته گردید. سبک‌های نقاشی در پاکستان شامل میراث بزرگی از سبک مغولی می‌باشد. «عبدالرحمن چغتایی» (۱۸۹۷-۱۹۷۵ م) پیشگام در معرفی سبک قدیم نقاشی مغول بود؛ درهم‌آمیزی موضوعات با رنگ‌های هم‌شکل، ترکیب و شیوه‌ای جدید و زیبا را به وجود آورد. یکی دیگر از پیروان سبک‌های قدیمی، «استاد الله‌بخش» می‌باشد که روش ویژه خود را در نقاشی صورت با توجه به سنت‌های پنجابی خلق نمود.



نفوذ روند مدرن‌گرایی (Modernism) غربی قرار گرفته است که می‌توان از روش‌هایی چون امپرسیونیسم (Impressionism)، آبستره، سوررئالیسم، رمانتیسم (Romanticism)، رئالیسم (Realism) و پاپ‌آرت (Pop Art) نام برد. اما به نظر می‌رسد گروه کثیری از هنرمندان با پیشرفت احساس بازگشت به سبک نیاکان، نگاهی به ریشه‌های فرهنگی که طرح‌های زیبا و اصیل باستانی و قدیمی را ترسیم می‌نمود، داشته‌اند. نقاشی پاکستان جریانات و تجربیات سرد و گرم زیادی را پشت سر گذاشته است. نسل جوان هنرمندان تجربیات افتخارآفرینی را در سبک و تکنیک به دست آورده‌اند که همخوانی بسیاری با مدل‌های سنتی دارد. اکنون نقاشان پاکستانی به سبکی دست یافته‌اند که به «سبک نقاشی پاکستانی» معروف و شناخته گردیده است.

در کنار نقاشی‌های سبک قدیم، نسل جدیدی از نقاشان تحت تأثیر هنر نقاشی غرب، آثاری را خلق کردند که تعدادی از آن‌ها در سبک آبستره (Abstract) بود. کسانی چون «شاکر علی» و «زبیده آغا»، آثاری را در کوبیسم (Cubism)، آبستره و سوررئالیسم (Surrealism) ارائه نمودند. بعد از آن‌ها این روش توسط احمد پرویز، شمزا، معین نجمی، علی امام و دیگران ادامه یافت. نقاشی چون «صادقین» سبک مخصوص به خود را ارائه نمود که سبکی متفاوت به شمار می‌رود. نسل جدید نقاشان تحت تأثیر روند غربی تصویرگری، تجربه جدیدی را در سبک و تکنیک برای معرفی فرهنگ و سنت‌های بومی خود به دست آوردند. آیات قرآنی توسط چنین هنرمندانی به شیوه‌ای جدید خطاطی شد و اکثر تصویرنگاران تحت تأثیر همین روند، به نقاشی آیات قرآنی اقدام نمودند. در حقیقت نقاشی در پاکستان عمیقاً تحت



خطاطی

معروف‌ترین خطاطان «ابن مقله» (در متن اصلی ابن مغول) بود که شش نوع روش خطاطی را به نام‌های نسخ (Naskh)، محقق (Muhaqqaq)، رقعہ (Riqa)، توقیع (Tawqi)، ثلث (Thuluth) و ریحان (Rayhan) به‌وجود آورد و روش آموزش خطاطی مدونی را ایجاد کرد. تحول بنیادین در خطاطی در طول قرن‌های چهاردهم و پانزدهم با تداخل روش‌های ایرانی و عربی به‌وجود آمد. تلفیق خطوط نسخ و تعلیق، خطی بسیار موزون و زیبا را به نام نستعلیق (Nastaliq) به‌وجود آورد. معرف و بنیان‌گذار نستعلیق «خواجه میرعلی تبریزی» در عهد تیموریان بود. بعدها، این خط توسط سلطان‌علی مشهدی و میرعلی هروی توسعه یافت.

در شبه‌قاره نیز هنر خطاطی مراحل مختلف فوق را پشت سر گذاشت و رشد و توسعه یافت. روش کوفی و به دنبال آن نسخ و ثلث در قرن شانزدهم به اوج خود رسید تا اینکه خط تازه رونق یافته نستعلیق توسط مغولان در شبه‌قاره رشد و توسعه و ترویج داده شد و خطاطان بسیاری تشویق گردیدند تا خطاطی به عنوان اصلی‌ترین هنر درباری معرفی گردد. تحت حمایت و تشویق این سلاطین، تعداد کثیری از خطاطان بزرگ از آسیای میانه و ایران به سوی سرزمین هند روانه شدند. «بابر» خود خطی را به نام «خط بابری» ابداع نمود. همایون و اکبر نیز برای توسعه و ترویج خطاطی در شبه‌قاره اقدامات مهمی را انجام دادند و با هزینه‌های فراوانی، خطاطان معروف زمان خود را به خدمت گرفتند تا نسخه‌های خطی بی‌شمار نفیسی را خلق کنند. آن‌ها علاوه بر توجه به هنر خطاطی، در معماری نیز هنر خطاطی را به‌کار گرفتند و با نوشتن کتیبه‌های زیبا در ساختمان‌های عظیم و مجلل، این هنر را بیش از پیش رونق بخشیدند. این هنر در عهد جهانگیر و شاه‌جهان به اوج محبوبیت و معروفیت خود رسید. مردم آموختن هنر خطاطی را برای خود افتخاری محسوب می‌نمودند و کتابخانه‌های شخصی خود را با این کتاب‌های زیبا تزئین می‌کردند و بدین‌گونه

اساساً خطاطی (Calligraphy) یک هنر اسلامی است که به صورت خالص و کامل برای ثبت و رونوسی آیات و کلام خداوندی رشد و توسعه یافت. کلام الهی در قرآن مقدس زمینه‌ای بود برای پیشرفت و رونق هنر خطاطی که با توسعه این هنر، دیدن کلام خدا موجب حظ بصری، آرامش قلبی و معطر شدن روح می‌گردد. بنابراین، هنر نگارش در خدمت زیباسازی قرآن کریم درآمد که در زمینه فرم و روح این هنر به کار گرفته شد. خطاطی‌های قرآن کریم در مرحله اولیه به خط کوفی (Kufic) انجام می‌پذیرفت. پس از استقلال کشور پاکستان، روش نگارش قدیمی خط که در گذشته در این منطقه مرسوم بود به فراموشی سپرده شد و رو به انحطاط نهاد. بنابراین برای شناخت هرچه بهتر تاریخ خطاطی در پاکستان، ضروری است تا پیشینه آن را در این سرزمین مطالعه و بررسی نماییم.

زمانی که عرب‌های مسلمان وارد شبه‌قاره شدند، از همان زمان هنر خطاطی نیز در این سرزمین آغاز گردید. چهارده قطعه از کتیبه‌هایی که از آن عهد در شهر «بهوربن» به‌جای مانده، نشان می‌دهد که روایاتی مربوط به شهر دمشق را با خط کوفی بر آن حکاکی کرده‌اند. علاوه بر آن، ظروف و سکه‌های به‌دست آمده از آن زمان، معرف این امر می‌باشند که در عهد غزنویان در این منطقه خط کوفی رایج بوده و کتب و نسخ خطی با این خط نوشته می‌شده است.

در طول حاکمیت سلاطین دهلی (۱۲۰۶ م تا ۱۵۲۶ م) روش خطاطی در شبه‌قاره نه تنها تحت تأثیر و نفوذ رسوم رایج در بغداد، کوفه و دمشق بوده، بلکه خطاطانی که از خاورمیانه به شبه‌قاره آمده و در شهرهای فرهنگی چون لاهور و ملتان اقامت نموده، با روش‌های خود، خطاطان شبه‌قاره را نیز تحت تأثیر خود قرار دادند. بدین‌گونه رسم‌الخط آسیای مرکزی در این سرزمین رایج گردید و خطاطان تجربیات جدیدی کسب کردند. فرم‌های مثلثی و افقی موجب ایجاد طرح‌های هندسی گردید. معروف‌ترین روش‌های خطاطی در عهد عباسیان در بغداد توسعه یافت که یکی از



پاکستان بیشتر به خط نسخ و ثلث انجام می‌گیرد اما با این حال نستعلیق در خطاطی‌های تزئینی بیشترین جا را به خود اختصاص می‌دهد. حافظ محمد یوسف سیدی، انورحسین نفیس‌الرقم، حافظ محمداعظم، غوث محمد خوش‌رقم و تعدادی دیگر در رشته نسخ استادان بی‌بدیلی به‌شمار می‌روند. به همان میزان حافظ یوسف، انورحسین، حاجی دین محمد و عبدالوحید نادرالقلم در طغرانوسی (Monograms) و نستعلیق به درجه استادی رسیده‌اند.

مهم‌ترین تحول هنری در این زمان، اختراع «خط بهار» برای نوشتن قرآن مجید بود. نمونه‌هایی از این خط در اطراف شهرهای ملتان و پاکپتن پیدا شده‌اند و همچنین کتیبه‌هایی که در مساجد و مزارها نصب گردیده‌اند به خط بهار و کوفی نوشته شده‌اند. در اواخر همین دوره که عهد تیموریان بود، در هرات خط نستعلیق که اختراع ایرانی‌ها می‌باشد، رواج پیدا کرد و زمانیکه سلاطین محلی «هته» با تیموریان متحد شدند، خطاطان هراتی که به هته آمدند این خط تازه اختراع شده را



تعداد کتابخانه‌ها هم رو به فزونی گذاشت. اورنگ‌زیب عالمگیر خود خطاط بود و این هنر را بسیار دوست می‌داشت. خطاطان معروفی که در عهد مغول به اوج شاهکارهای هنری خود دست یافتند، عبارتند از: میرعلی تبریزی، عبدالصمد شیرین‌قلم، محمدحسین کشمیری، بابزید دوری و عبدالرشید دیلمی. اینان ستارگان درخشان آسمان هنر نگارش به‌شمار می‌روند که تا امروز آثار آن‌ها به شکل کتاب و کتیبه در نزد مردم قابل احترام و ارزش می‌باشد. در همین دوره خط شکسته (Shekasteh) و خط دیوانی (Diwani) هم رایج گردیدند. هنرمندان خطاط در نگارش از انواع خطوط در جاهای مختلف استفاده می‌کردند؛ به‌طور مثال از خطوط نسخ و نستعلیق در نوشتن فرامین، دستورالعمل‌های دولتی، اسناد و دیوان‌های شعر استفاده می‌شد.

در زمانیکه که امپراتوری مغول در شبه‌قاره رو به زوال نهاده بود، آخرین سلطان مغول، «بهادرشاه ظفر» خود یکی از خطاطان معروف بود و «حافظ نورالله» به عنوان هنرمند خط در سراسر شبه‌قاره مشهور بود. «محمد افضل لاهوری»، مشهورترین خطاط نستعلیق در لاهور که بعد از عبدالرشید دیلمی، ماهرترین خطاط نستعلیق بود، به همین سبب به او لقب «آقای ثانی» داده بودند. در این زمان، خط نستعلیق به دو شیوه به‌نام‌های «دبستان لکهنو» و دیگری «دبستان دهلی» کتابت می‌گردید. در شیوه دبستان لکهنو خطاطانی چون حافظ نورالله و منشی شمس‌الدین اعجاز‌رقم بودند که به اوج شهرت رسیده و در پیشرفت و اصلاح این خط گام‌های بزرگی برداشتند. در شیوه دهلی نیز میر حافظ امیرالدین و مولوی ممتاز علی معروف‌ترین اساتید شیوه دهلی در شبه‌قاره بودند. بعدها در آغاز قرن بیستم، حافظ محمد یوسف از اطراف شهر گوجرانواله به دهلی رفت و از خطاطان بنام خط نستعلیق گردید و در شیوه کتابت این خط تغییراتی را ابداع کرد که به «طرز دهلوی» معروف شد.

خطاطان بزرگی چون امام‌وردی، صوفی عبدالمجید پروین‌رقم و تاج‌الدین زرین‌رقم در لاهور طرز نگارشی را ابداع کردند که به «طرز لاهوری» معروف گردید. خطاطی قرآن در این روزها در

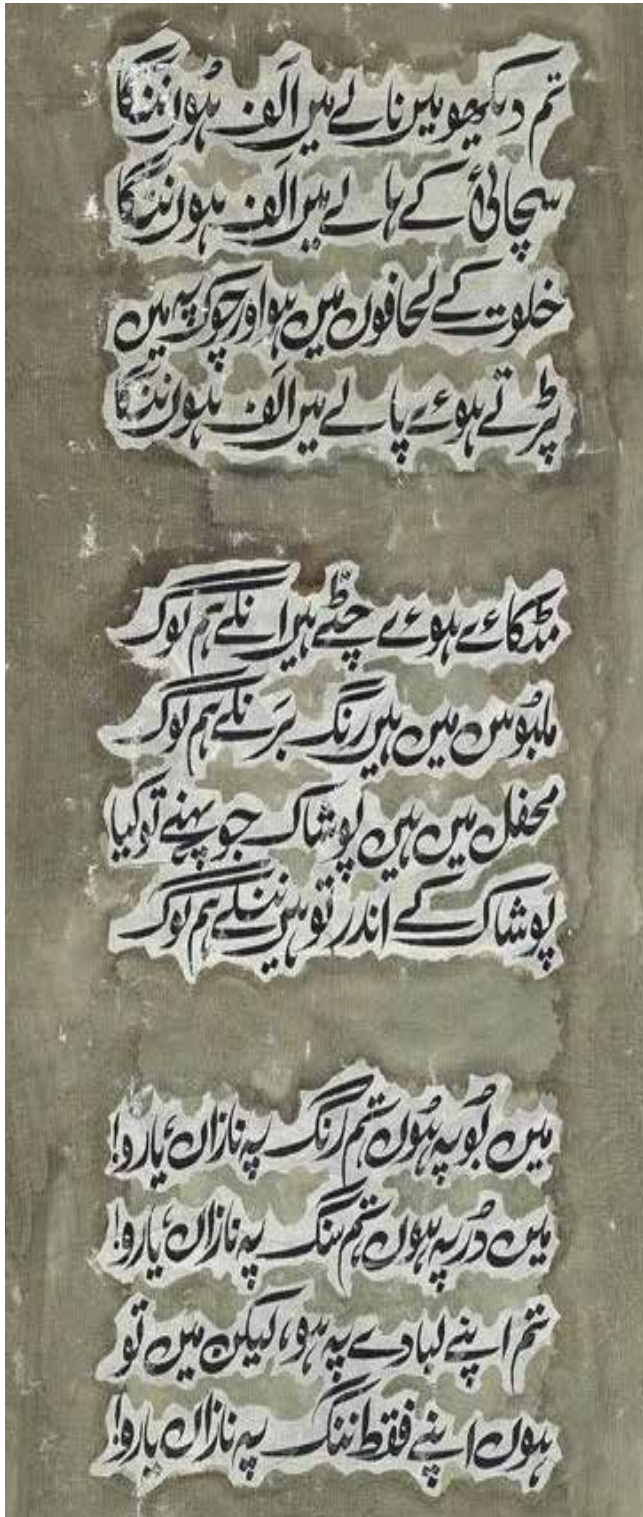
«در لوهاری» تاج‌الدین زرین‌رقم یک آموزشگاه خطاطی را بنام «کاتبان» افتتاح نمود که خطاطان معروف پاکستان چون محمد یوسف، سید حسین نفیس‌الرقم و صوفی خورشید عالم آموزش دیده و به تدریس پرداختند. در اصل همه این افراد، پیروان شیوه جدید عبدالمجید پروین‌رقم بودند و از وی تأثیر بسیاری گرفته بودند. حقیقت این است که شیوه اختراعی خط عبدالمجید یک تحول بزرگ در خطاطی بود و بخاطر همین روش، شیوه ایرانی که بعد از زمان انحطاط مغول‌ها از رواج افتاده بود، مجدداً با یک نیروی جدید به کار افتاد و معروف گشت. اگرچه در همان ابتدایی که پاکستان به استقلال خود دست یافت، منشی عبدالمجید فوت کرد (۱۹۴۶ م) اما شیوه او هنوز مورد احترام و استفاده بود.

منشی تاج‌الدین، حافظ محمد یوسف خورشید عالم، سید انور حسین نفیس‌رقم، ام‌ام شریف، حاجی دین محمد، حافظ محمودالله صدیقی، خوشی محمد خوش‌رقم، محمد صدیق الماس‌رقم و تعدادی دیگر از خطاطان معروف، در این منطقه زندگی کرده و یا در زمان تشکیل پاکستان به این منطقه مهاجرت نمودند. از خطاطان مهاجر، مولانا محمد یوسف است که از دهلی به کراچی آمد و در این شهر اقامت نمود و شروع به کار و آموزش کرد. در آن زمان، دو روش خط که قبلاً ذکر آن رفت به نام‌های «دبستان لاهوری» که بانی آن صوفی عبدالمجید بود در بلوچستان رایج گردید و روش «دبستان دهلی» در منطقه سند گسترش یافت و اکثر کتاب‌ها، روزنامه‌ها و حتی خط مورد استفاده در اسکناس رایج کشور نیز به این روش نگارش یافت. این شیوه بسیار مشکل است و حروف به شکل هندسی نوشته شده و به همین خاطر گوشه‌های حروف نازک و باریک‌اند. این خط خیلی روان نیست اما گسترش بسیاری یافته و معروف‌ترین پیرو این شیوه، عبدالرشید رستم‌قلم بود. با روندی که در کتابت این خط وجود دارد، بنظر می‌رسد این روش به‌زودی تبدیل به یک روش فراموش شده قدیمی شود.

از معروف‌ترین پیروان شیوه صوفی عبدالمجید مرحوم، محمد اقبال پسر صوفی عبدالمجید پروین می‌باشد که نمونه‌های کار او بر مزار علامه

رایج نمودند. زمانیکه پاکستان پا به عرصه وجود گذاشت، پیشگام و مؤسس هنر خطاطی، شخصی بنام عبدالمجید پروین‌رقم بود. وی در شهر گوجرانواله از توابع پنجاب و از خانواده‌ای که همه از اساتید و علاقمندان به خط و نگارش بودند متولد گردید. وی تحت سرپرستی محمد فقیر کار خطاطی را آغاز نمود و یکی از کارهای او نگارش دیوان شعر علامه محمد اقبال می‌باشد. در زمان عبدالمجید پروین‌رقم، ماشین چاپ تازه مورد استفاده قرار گرفته بود و کتاب‌ها با ماشین چاپ منتشر می‌گردید و از روش لیتوگرافی (Lithography) استفاده می‌شد. در این روش، شیوه مرسوم خطاطی ایرانی به‌علت نازک بودن حروف ربط و فواصل بین کلمات، معمولاً حروف به‌درستی چاپ نمی‌شد و این مشکلی عمده برای خوانندگان کتب محسوب می‌گردید. بنابراین با سعی و کوشش عبدالمجید در سال ۱۹۲۷-۱۹۲۸ م روش نگارش ایرانی را ترک و شیوه جدید خط نستعلیق بنام «طرز لاهوری» ابداع نمود. در این روش، اندازه و طول و عرض بعضی حروف تغییر کرده و بزرگ‌تر و با ضخامت‌تر نوشته شد. در شیوه ایرانی از دوایر کاملاً گرد و خورشیدی استفاده می‌شد اما در شیوه جدید دوایر قدری بیضوی گردید و با رواج یافتن این خط، رسم‌الخط این طرز آموزش داده شد و این روش آنچنان مورد پسند قرار گرفت که علامه اقبال نیز دیوان خود را برای کتابت به او سپرد. جذابیت این نوع نگارش به حدی بود که مدیران روزنامه «زمیندار»، مولانا عبدالمجید سالک و غلام‌رسول مهر برای نگارش روزنامه خود از او استفاده نمودند.

تدریس خط در روستاها بسیار رواج یافته بود و در این میان روستاهای اطراف شهر گوجرانواله چون کوت (قلعه) وارث، عادل‌گره، کیلیانواله و ایمن‌آباد در کار خطاطی بسیار معروف شدند و افرادی از ایمن‌آباد آثار بسیار مهمی را به نگارش درآوردند. حافظ نور احمد و منشی عبدالمجید پروین نیز از همین منطقه بودند. کارهایی که محمد یوسف از کیلیانواله و مولانا عبدالله وارثی و عنایت وارثی از کوت وارث انجام داده‌اند غیرقابل انکار و فراموش ناشدنی می‌باشد. در همان روزها، در منطقه



اقبال لاہوری، منار پاکستان و مزار علی ہجویری «داتا گنج بخش» دیدہ می شود۔ گرچہ «شیوہ لاہوری» دیر زمانی است کہ مورد استفادہ قرار دارد، اما در طول این مدت طویل، تحولات و تغییرات فراوانی در این شیوہ بہ وجود آمدہ است۔ در این زمینہ معروف ترین خطاط، حافظ محمد یوسف سدید می باشد کہ از شہرت زیادی برخوردار است؛ اگرچہ وی مخترع روش کاملاً متفاوت و مجزایی نبودہ اما در این شیوہ دست بہ ابتکارات و ابداعات جدیدی زد کہ در خطاطی، مقام منحصر بہ فردی را دارا است۔ جاوید یوسفی شاگرد وی بود و توانست در کمال مہارت این فن را جلوہ گر نماید۔ ہرچند صوفی خورشید عالم خورشید رقم نیز ہمین روش را دنبال کرد اما بخاطر استفادہ از دوایر مختلف الشکل، شیوہ او بہ شیوہ لکھنوی نزدیک تر بود۔ سید انور حسین نفیس رقم در ابتدا کار بر اساس ہمین شیوہ آغاز نمود اما بعدھا با تلفیقی از نستعلیق های ایرانی، ترکی و بومی، سبک زیبایی را ابداع نمود کہ توجہ دیگران را بخود جلب کرد و شاگردان وی چون محمد جمیل احمد، الہی بخش مطیع و سید انور حسین نفیس رقم (در متن اصلی تکرار شدہ)، این سبک را پیروی نمودند و حتی در خط ثلث نیز مقامی ممتاز دارند۔

رسم الخط عربی در ابتدای استقلال پاکستان، تحولات زیادی را پذیرفت و طرز نگارش قدیمی آن تغییر یافت و روش بومی جای آن را گرفت۔ در این زمینہ، خط نسخ وارث کوتی و نسخ کیلیانوالی از ہمہ معروف تر است۔ سید انور حسین نفیس رقم در خط ثلث لطافت و ظرافت ویژہ ای بہ کار برد و حافظ محمد یوسف سدید شیوہ خط کوفی را کہ قرن ها متروک شدہ و بہ فراموشی سپردہ شدہ بود مجدداً احیا کرد۔ در این زمینہ او از



استادی خط را نیاموخت، بلکه با مشاهده آثار و ابنیه قدیمی چون ساختمان‌های تاریخی دهلی و کتیبه‌های مسجد وزیرخان و با تمرین و ممارست فراوان به استادی در این خط دست یافت. آثاری چون خطوط به‌کار رفته در منار پاکستان و مقبره اقبال و کتیبه‌های طغرایی و کوفی وی معرف مهارت وی در این خط می‌باشد که اوج آن خطوط کار شده در مسجد منصوره لاهور می‌باشد و یک نمونه کتابت او در ساختمان سازمان ملل متحد تزیین‌کننده سالن این سازمان می‌باشد. سبک خطاطی نقاشی (Calligraphic Painting) یکی دیگر از معروف‌ترین کارهای هنری خطاطان پاکستانی است که اساس آن بر کاربردی نمودن آیات قرآنی و احادیث نبوی استوار گردیده است. رهبری این سبک هنری متعلق به صادقین (Sadequain) می‌باشد که شیوه کاری او بسیار معروف و همه‌گیر می‌باشد. «اسلم کمال» از پیروان سبک وی است که به خوبی نیز از عهده این مهم برآمده است. هنر خطاطی در پاکستان نشان داده است که دارای یک پتانسیل ذاتی تجلی روح فرهنگی و اسلامی با عصر مدرن و جدید می‌باشد.



صنایع دستی و هنرهای بومی

و دیگر اقسام پارچه در این سرزمین از زمان‌های دور تا به امروز تولید می‌گردد. به‌طور مشابه، صنایع هنری بسیار پیشرفته‌ای از قبیل ملیله‌دوزی، نقره‌دوزی و قلابدوزی، از زمان صنعت‌کاران مغول به ارث رسیده است که از میان آن‌ها می‌توان به زردوزی، گلابتون، کرچوب (نوعی آیینه‌دوزی بر روی لباس)، سلما ستاره، کشیده‌کاری و گوتا کناری اشاره نمود. «چکناکاری» نیز یک نوع پارچه‌ی پشت‌نم است که از آینه و کریستال برای تزیین آن استفاده می‌گردد و به «تنزیب» (Tanzeb) نیز معروف است.

آینه‌دوزی (Mirror Work) بر روی لباس در سند و بلوچستان به عنوان یکی از بهترین صنایع دستی محسوب می‌گردد که به نام‌های گاج (Gajj)، کارموچ (Karmoch)، میتی (Mithi) و بلوچ معروفند. از دیگر صنایع معروف دستی پاکستان، کارهای چرمی است که از نظر تاریخی به دوره مسلمانان ارتباط پیدا می‌کند و مهد آن در پنجاب می‌باشد.

نقش اقتصادی و اجتماعی صنایع دستی

صنایع دستی در پاکستان علاوه بر حفظ میراث فرهنگی، منبع درآمد مهمی برای زنان و خانواده‌های روستایی است. بسیاری از تعاونی‌ها و نهادهای غیردولتی با آموزش، حمایت مالی و معرفی محصولات به بازارهای جهانی، به توسعه این بخش کمک کرده‌اند. امروزه محصولات سنتی پاکستان در نمایشگاه‌های بین‌المللی حضور چشمگیری دارند و گردشگران خارجی نیز از این صنایع استقبال می‌کنند.

چالش‌ها و فرصت‌ها

اگرچه صنایع دستی پاکستان جایگاه مهمی در اقتصاد محلی دارد، اما با چالش‌هایی مانند کمبود بازارهای بین‌المللی پایدار، رقابت محصولات صنعتی، و نبود حمایت کافی برای آموزش نسل جدید روبه‌روست. با این حال، رشد گردشگری، تجارت الکترونیک و توجه جهانی به محصولات دست‌ساز، فرصت‌های قابل‌توجهی برای احیای این هنرها ایجاد کرده است.

مناسب است گفته شود که این هنر در تاریخ اولیه پاکستان با کار سرامیک (Ceramics)، فلزکاری (Metalwork)، نساجی و بافندگی شکل گرفته است. آداب و رسوم و تکنیک‌های هنری صنایع دستی در این سرزمین توسط مردمان عهدهای تمدن «موهنجودارو»، «هاراپا» (Harappa) و «گندهارا» (Gandhara) به ثمر رسید و بعدها توسط مغولان و هنرمندان آن دوره به اوج زیبایی و استادی رسید که تا به امروز ادامه دارد. این صنایع یقیناً معرف هویت فرهنگی مردم به شمار می‌روند و احتمالاً بیش از معماری، نقاشی یا دیگر شعبه‌های هنری، این مهم را به عهده داشته و دارند.

موافقت و هماهنگی با شرایط محیطی و اقلیمی در این هنرهای بومی و تزیینی، موجب گردیده تا عواملی چون جغرافیا، آب‌وهوا و رسومات در شکل‌گیری نوع این صنعت نقش داشته باشند؛ بنابراین هر منطقه در پاکستان، نوع جدیدی از این هنر و صنعت را معرفی نموده است. دره سند دارای قدیمی‌ترین سنت ریسندگی، طراحی، سرامیک‌سازی و سفال‌سازی (Pottery) است. منطقه بلوچستان مرکز بهترین کارهای قلابدوزی، سوزن‌کاری (Embroidery)، قالی‌بافی، چرم‌سازی و سلاح‌های تزیینی است. ناحیه سرحد شمال غربی نیز معرف برجسته‌ترین کارهای سرامیک و فلزکاری، سوزن‌کاری در ابریشم و پشم، قلم‌کاری بر روی فلز و چوب، خاتم‌کاری و پشم‌بافی می‌باشد. در میان این صنایع هنری، ریسندگی شاید قدیمی‌ترین میراث هنری پاکستان به شمار رود. گلیم و فرش‌های دست‌باف از عهد باستان، از طریق سند به کشورهای آسیای غربی صادر می‌گردیده است. در قرن‌هایی که سلاطین دهلی و سپس مغولان در شبه‌قاره حاکم بودند، اوج ترقی و پیشرفت کارهای دستی ابریشمی و کتان‌ی بود. بهترین پارچه‌ها نظیر جاز (Juzz)، دیبا، حریر، اطلس، کین‌خواب (Kinkhab)، شین‌باف، شیرین‌باف، بیرامی، شوشتری، تبریزی، گل‌باقالی



جمع‌بندی

هنر و صنایع‌دستی پاکستان مجموعه‌ای چندلایه از تاریخ، فرهنگ و خلاقیت مردم این سرزمین است. این هنرها نه تنها هویت فرهنگی را حفظ می‌کنند بلکه می‌توانند به عنوان یک ظرفیت اقتصادی و فرهنگی ارزشمند نقش‌آفرین باشند. پیوند میان سنت و نوآوری، آینده‌ای روشن برای صنایع‌دستی پاکستان نوید می‌دهد.

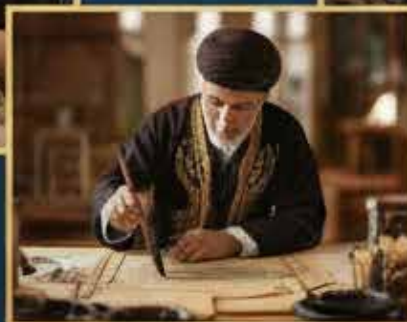
منابع:

کتاب‌های مرجع مرتبط از کتابخانه سازمان میراث فرهنگی پاکستان - اسلام آباد
 زهره، نادره. صنایع‌دستی پاکستان. لوکوپرسا، ۲۰۱۴
 حسین، محمد. "سفال آبی مولتان: تکنیک‌ها و تاریخچه." Pakistan Journal of Art & Design. ۲۰۲۰.
 Khan, R. "Traditional Textiles of Sindh." Journal of South Asian Studies. ۲۰۱۷.
 ... و غیره.





ECI





فصل چهارم

رویدادها، برنامه‌ها و اخبار فرهنگی منطقه اکو

(مروری بر فعالیت‌ها، همایش‌ها و گردهمایی‌های فرهنگی و علمی کشورهای عضو)



کشف یک ساحه جدید باستانی در ولایت بغلان

مسئولان مدیریت حفظ میراث‌های فرهنگی در ولایت بغلان از شناسایی یک محوطه تاریخی جدید در ولسوالی برکه خبر دادند. بررسی‌های اولیه نشان‌دهنده وجود بقایای سفالینه‌ها و آثار متعلق به دوران پیش از اسلام است که اهمیت ویژه‌ای برای مطالعات تمدنی حوزه اکو دارد.

بازدید سفیر اندونزی از موزه و مکان‌های تاریخی غزنی

سفیر اندونزی در کابل طی سفری به ولایت غزنی، از موزه ملی و آثار باستانی این شهر که زمانی پایتخت تمدن غزنویان بوده است، بازدید کرد. این بازدید دیپلماتیک با هدف بررسی ظرفیت‌های گردشگری فرهنگی و تقویت تعاملات بین‌المللی در حوزه میراث مشترک اسلامی صورت گرفته است.



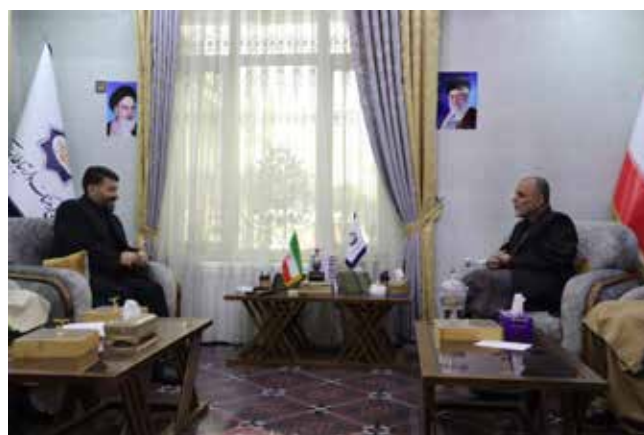
توسعه همکاری‌های علمی و فرهنگی میان افغانستان و ایران

در دیدار میان مقامات فرهنگی مرکز مطالعات سحر افغانستان و رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کابل، طرفین بر تدوین تفاهم‌نامه همکاری‌های مشترک علمی تاکید کردند. این توافق‌نامه شامل اجرای پروژه‌های مشترک در حوزه‌های پژوهشی و فرهنگی است که پیوندهای تمدنی دو کشور همسایه را مستحکم‌تر می‌کند.



تدوین استراتژی جدید وزارت اطلاعات و فرهنگ برای تقویت صنعت گردشگری

وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان اعلام کرد که برنامه‌های ویژه‌ای را برای معرفی جاذبه‌های فرهنگی و تاریخی کشور به سطح منطقه و جهان در دست اجرا دارد. این استراتژی با هدف تبدیل افغانستان به چهارراه فرهنگی آسیا و جذب گردشگران از کشورهای عضو اکو و سایر نقاط جهان تدوین شده است.



سرپل قهرمان هفتمین دوره لیگ برتر بزکشی افغانستان شد

این دوره از لیگ با حضور ۱۱ تیم برگزار شد و سوارکارانی از کشورهای قرقیزستان و تاجیکستان نیز در آن شرکت داشتند؛ امری که نشان‌دهنده پیوندهای عمیق فرهنگی و ورزشی در منطقه اکو است. بزکشی به‌عنوان یکی از کهن‌ترین ورزش‌های سنتی آسیای مرکزی، همچنان نمادی از هویت منطقه‌ای و تداوم میراث فرهنگی مشترک به‌شمار می‌رود.

هفتمین دوره لیگ برتر بزکشی افغانستان روز دوشنبه، ۱ دی با قهرمانی تیم ولایت سرپل به پایان رسید. در دیدار نهایی، تیم سرپل با نتیجه قاطع ۷ بر صفر تیم بدخشان را شکست داد و عنوان قهرمانی این دوره از رقابت‌ها را از آن خود کرد.

در این مسابقات، تیم بدخشان مقام دوم را به دست آورد و تیم بغلان نیز با غلبه بر تیم قندوز، در جایگاه سوم قرار گرفت. دیدارهای پایانی این رقابت‌ها در میدان ورزشی یکه‌توت شهر کابل برگزار شد.





برگزاری روزهای فرهنگی تاجیکستان در پاکستان

در چارچوب برگزاری روزهای فرهنگی تاجیکستان در پاکستان که از ۱۸ دسامبر ۲۰۲۵ آغاز شد و تا ۲۴ دسامبر ادامه داشت، با مشارکت هنرمندان، اهل هنر و محافل فرهنگی و ادبی تاجیک در این کشور، مجموعه‌ای از برنامه‌های فرهنگی و علمی برگزار گردید. در آیین گشایش این روزهای فرهنگی، آصف علی زرداری، رئیس‌جمهور پاکستان نیز حضور داشت. پس از افتتاح رسمی، با حضور رئیس‌جمهور پاکستان، برنامه‌ای کنسرتی با اجرای هنرمندان تاجیکستان برگزار شد. این کنسرت با مشارکت هنرمندان شناخته‌شده کشور، از جمله نازیا و محمدرافع کرامت‌الله، فاطمه مشرب‌آوا، آنسامبل سازهای ملی و گروه‌های رقص «لاله» و «پرستو» اجرا شد. به گزارش وزارت فرهنگ تاجیکستان، پیش از آغاز برنامه کنسرت، در سه تالار بزرگ این مجموعه، نمونه‌هایی از هنرهای مردمی، صنایع دستی، انواع محصولات نانی، میوه، آش پلو و همچنین نمایشگاه نقاشی و عکس به نمایش گذاشته شد. پیش از این، در شهر اسلام‌آباد، دیداری میان مطلوبه‌خان ستاریان، وزیر فرهنگ تاجیکستان و اورنگ‌زیب خان خیچی، وزیر فرهنگ پاکستان انجام شد. در این دیدار طرفین با هدف توسعه همکاری‌های تاجیکستان و پاکستان در حوزه فرهنگ و هنر، آمادگی خود را برای برقراری همکاری‌های متقابل و سودمند میان مؤسسات آموزشی، همچنین آموزش متخصصان حرفه‌ای و تبادل تجربه اعلام کردند. در حاشیه برگزاری این روزها، در ۱۹ دسامبر ۲۰۲۵، دیداری میان مطلوبه‌خان ستاریان و

«کلیات» آثار میرزا تورسون‌زاده رونمایی شد

روز ۱۲ دسامبر سال جاری در آکادمی ملی علوم تاجیکستان از «کلیات» آثار استاد میرزا تورسون‌زاده، شاعر خلقی و قهرمان تاجیکستان که به‌تازگی به چاپ رسیده است، رونمایی شد. به گزارش خبرگزاری «خاور» به نقل از آکادمی ملی علوم تاجیکستان، «کلیات» در شش جلد تدوین شده است: جلد نخست شامل اشعار، جلد دوم منظومه‌ها، جلد سوم نمایشنامه‌ها و لیبرتوها، جلد چهارم نوشته‌های مطبوعاتی به زبان تاجیکی، جلد پنجم نوشته‌های مطبوعاتی به زبان روسی، و در جلد ششم نامه‌های استاد تورسون‌زاده گردآوری شده است.



همایش «کوروش کبیر و اعلامیه جهانی حقوق بشر» در دوشنبه برگزار شد

در کتابخانه ملی تاجیکستان همایشی با عنوان «کوروش کبیر و اعلامیه جهانی حقوق بشر: تحول تاریخی حقوق بشر و نقش پیشوای ملت در احیای این ارزش‌ها» برگزار شد. خبرگزاری «خاور» به نقل از کتابخانه ملی تاجیکستان این خبر را گزارش داده است. معاون مدیر کتابخانه ملی تاجیکستان، سیف‌الدین کمال‌زاده، اظهار داشت: «نیاکان ما در آن روزگاران دور، زیر پرچم کوروش، نه تنها دولتی نیرومند و متمرکز و مشترک را پدید آوردند، بلکه بنیان شکل‌گیری همه عناصر هویت فرهنگی منطقه آریایی را نیز گذاشتند. آنان تاریخ و فرهنگی واحد، زبان و خطی نزدیک به هم، و آیین‌ها و سنت‌های ریشه‌داری را پدید آوردند که همگی از سرچشمه‌های کهن تمدن آریایی سیراب می‌شدند.»



مطلوبه‌خان ستاریان و عطاالله ترار، وزیر اطلاعات و تلویزیون پاکستان برگزار شد. در این دیدار، موضوعات گوناگون همکاری‌ها از جمله تشکیل گروه کاری میان وزارتخانه‌ها برای سامان‌دهی همکاری‌های فرهنگی آینده، آموزش نیروی انسانی این حوزه در دانشکده‌های دو کشور در زمینه‌های فیلم‌سازی، تئاتر و کتابخانه‌ها، تداوم برگزاری روزهای فرهنگی در دو کشور و دیگر مسائل، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در حاشیه این روزها، در ۲۰ دسامبر در اسلام‌آباد همایش بین‌المللی «پاکستان و تاجیکستان؛ دو پیکر و یک جان» برگزار شد که در آن دانشمندان، شاعران و نویسندگان تاجیکستان و پاکستان حضور یافته و سخنرانی کردند.

شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان انجام شد. وزارت فرهنگ می‌نویسد: «نخست‌وزیر پاکستان این دیدار از برگزاری روزهای فرهنگی تاجیکستان ابراز خرسندی کرد و تأکید نمود که این اقدام نشان‌دهنده سطح بالای روابط میان کشور دوست پاکستان و تاجیکستان است و برگزاری نخستین بار این رویداد مهم فرهنگی، به‌منزله پل ارتباطی جهت تقویت همکاری‌های آینده دو کشور، زمینه‌ای پایدار فراهم خواهد کرد.» همچنین در همین روز، در مرکز میراث فرهنگی مردمی «لوک ویرسا» نمایشگاهی از کالاهای و محصولات تاجیکی و هنر ملی افتتاح شد که در آن وزیران فرهنگ دو کشور، اعضای هیئت‌های دیپلماتیک مقیم اسلام‌آباد و هنرمندان و فرهیختگان فرهنگی دو کشور حضور داشتند. این نهاد همچنین اعلام کرد که در چارچوب این رویداد، در ۱۹ دسامبر دیداری میان



برگزاری جشنواره بین‌المللی سوزن‌دوزی در تاجیکستان

روزهای ۱۲ و ۱۳ ماه دسامبر سال روان، جشنواره بین‌المللی هنرهای مردمی «سوزن‌دوزی پنجکنت» در شهر پنجکنت برگزار خواهد شد. این خبر را خبرگزاری «خاور» با استناد به مقامات اجرایی شهر پنجکنت منتشر کرده است.

این جشنواره به افتخار ورود شهر پنجکنت به فهرست «شهرهای جهانی صنایع‌دستی» برگزار می‌شود. در چارچوب آن نمایشگاه «سوزانی پنجکنت»، نمایش آثار هنرمندان محلی و بین‌المللی، کنفرانس علمی - نظری و بازدید از مکان‌های تاریخی پیش‌بینی شده است.

رویدادهای اصلی در کاخ لایق و کاخ فرهنگ شهر پنجکنت به نام «عالم بابایف» برگزار خواهند شد. یادآوری می‌شود که در ماه اکتبر سال جاری، شهر پنجکنت از سوی «شورای جهانی صنایع‌دستی» رسماً به عنوان «شهر جهانی صنایع‌دستی برای سوزن‌دوزی» شناخته شد.

این اقدام بیانگر ظرفیت هنر و سنت‌های کهن سوزن‌دوزی است که ریشه در تاریخ پربار شهر باستانی پنجکنت دارد.

«شورای جهانی صنایع‌دستی» (World Crafts Council) وابسته به یونسکو بوده و برای توسعه بخش اقتصادی از طریق صنایع‌دستی، حمایت از هنرمندان و تشویق همکاری فعالیت می‌کند. این سازمان شهرهایی را که در پاسداری از میراث صنایع‌دستی فعال هستند، به عنوان «شهر جهانی صنایع‌دستی» معرفی می‌نماید.



دستور رئیس جمهور تاجیکستان مبنی بر تاسیس کانون تمدن آریایی

در تاجیکستان بنا بر پیام رئیس‌جمهور کشور به مجلس عالی، پیشنهاد شده است که مرکز تمدن آریایی تأسیس گردد. این اقدام بخشی از سیاست فرهنگی و تاریخی دولت محسوب می‌شود. در پیام تأکید شده است که این مرکز به احیای میراث تمدن نیاکان، از جمله تمدن آریایی، و معرفی آن در سطح ملی و بین‌المللی خدمت خواهد کرد. این اقدام برای تقویت هویت ملی، خودشناسی و توسعه فرهنگی در تاجیکستان اهمیت دارد.

اهداف مرکز مذکور

- فراهم آوردن بستری علمی و فرهنگی برای مطالعه و معرفی تمدن آریایی
- تقویت هویت ملی تاجیکان به عنوان وارثان تمدن‌های کهن
- برگزاری همایش‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی برای مردم و جامعه بین‌المللی



۲۷ سند تاریخی در دیپلماسی فرهنگی ایران و قزاقستان

روایت‌های کهن و پیوندهای دیرینه حوزه تمدنی آسیای مرکزی، در ۲۷ سند تاریخی تجلی یافته که به‌عنوان میراثی مشترک، بخش‌های ارزشمندی از شناسنامه فرهنگی منطقه را بازخوانی می‌کنند. این گنجینه تاریخی که در سایه تعاملات دیرینه دو ملت ایران و قزاقستان حفظ شده است، در سه محور «مکاتبات دیپلماتیک»، «نقشه‌های تاریخی» و «گزارش‌های کارگزاران»، ابعاد پنهان تاریخ «دشت بزرگ» را روایت می‌کند. در بخش مکاتبات، نامه‌های تائوک‌خان به شاه سلطان حسین و مکاتبات حکام قزاق با دربار قاجار به زبان فارسی، گواه رسمیت بین‌المللی خانات قزاق و ریشه‌های فرهنگی مشترک میان دو ملت است. در بُعد جغرافیایی، نقشه‌های دقیق حوضه سیردریا و فرارود که توسط کاتبان ایرانی ترسیم شده‌اند، قلمرو نفوذ قزاق‌ها را با جزئیات کامل نشان می‌دهند. این نقشه‌ها با ثبت مسیرهای تجاری و فواصل میان شهرهایی چون سایرام، ترکستان و تراز تا خراسان بزرگ به واحد «فرسخ»، ابزاری ارزشمند برای باستان‌شناسان در شناسایی سکونتگاه‌های قدیمی با نام‌های اصیل فارسی و ترکی جغتایی فراهم آورده است. بخش سوم این مجموعه شامل گزارش‌های مردم‌شناختی و اقتصادی است که در آن کارگزاران و سیاحان ایرانی با دقت علمی، ساختار قبایلی و نظام عشایری قزاق‌ها را در قرن ۱۸ میلادی توصیف کرده و گزارش‌های مفصلی از توان رزمی و شجاعت سوارکاران قزاق، به دربار ایران ارسال نموده‌اند؛ همچنین آن‌ها در این نسخ، جزئیات دقیقی از معادن فیروزه، مس، سرب و زغال‌سنگ قزاقستان ثبت نموده و کیفیت آن‌ها را با معادن مشهور ایران مقایسه کرده‌اند. این ۲۷ نسخه از منظر فنی نیز شاهکارهای هنر دیوانی محسوب می‌شوند؛ آثاری که به زبان فارسی و با خطوط نستعلیق دیوانی و شکسته کتابت شده‌اند و به‌دلیل وجود مهرهای حکام

با کتیبه‌های هنری و استفاده از کاغذهای دست‌ساز که پس از قرن‌ها همچنان کیفیت خود را حفظ کرده‌اند، ارزش موزه‌ای والایی دارند. اهمیت راهبردی این میراث برای قزاقستان در بازخوانی اصیل و همه‌جانبه از تاریخ ملی نهفته است. درحالی‌که دولت قزاقستان در حال تدوین تاریخ هفت‌جلدی خود است، این نسخه‌ها مستند می‌کنند که قزاقستان قرن‌ها پیش، جایگاهی محوری و مستقل در سپهر فرهنگی مشترک داشته و پیوندهای عمیقی میان هویت این سرزمین و مفاخری چون ابونصر فارابی و خواجه احمد یسوی برقرار بوده است. رونمایی و اهدای این آثار تاریخی از سوی ایران در نمایشگاه «تاریخ دشت بزرگ در منابع ایرانی» در شهر آستانه (آذر ۱۴۰۴)، دریچه‌ای نو به سوی پژوهش‌های مشترک گشود. این رویداد با تمرکز بر پیشینه کهن ایران و قزاقستان، نشان داد که میراث مکتوب بستری پایدار برای درک متقابل جوامع است و تصویر روشن‌تری از تعاملات تمدنی این پهنه جغرافیایی در اختیار علاقمندان قرار می‌دهد.









فصل پنجم

چشم‌انداز فرهنگی منطقه اکو: برنامه‌ها و اخبار آتی

(معرفی برنامه‌های پیش‌رو، فراخوان‌ها، فرصت‌های همکاری و تقویم فرهنگی آینده)

میزبانی کابل از کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های گردشگری و هتلداری



کابل، ۶ فوریه ۲۰۲۶ - پایتخت افغانستان در ششم فوریه میزبان «کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های گردشگری و هتلداری» (ICTRH) خواهد بود که با حضور کارشناسان منطقه‌ای برگزار می‌شود. این رویداد بر بررسی الگوهای گردشگری پایدار و نقش حفاظت از میراث فرهنگی در رشد اقتصادی افغانستان تمرکز دارد.

کنفرانس بین‌المللی علوم اجتماعی، آموزش و یادگیری در پایتخت

کابل، ۷ فوریه ۲۰۲۶ - کابل شاهد برگزاری «کنفرانس بین‌المللی علوم اجتماعی، آموزش و یادگیری» (ICSSTL) خواهد بود که پژوهشگران و مربیان را برای گفتگو پیرامون روش‌های نوین آموزشی گرد هم می‌آورد. شرکت‌کنندگان در این نشست بر نقش آموزش فرهنگی در ارتقای تفاهم منطقه‌ای و ثبات پایدار تأکید خواهند کرد.



برگزاری نشست تخصصی بین‌المللی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی در کابل

کابل، ۷ فوریه ۲۰۲۶ - «کنفرانس بین‌المللی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی» (ICLIS) با هدف نوسازی سیستم‌های مدیریت اطلاعات و آرشیو ملی در کابل برگزار خواهد شد. این گردهمایی علمی به دنبال تقویت تبادلات فرهنگی از طریق همکاری‌های دانشگاهی و ترویج سواد دیجیتال در سطح منطقه است.



آماده‌سازی برای آغاز ماه مبارک رمضان و فعالیت‌های فرهنگی مذهبی

کابل، ۱۸ فوریه ۲۰۲۶ - با نزدیک شدن به اواسط فوریه، آمادگی‌ها در سراسر افغانستان برای آغاز ماه مبارک رمضان و اجرای برنامه‌های فرهنگی و معنوی ویژه شروع خواهد شد. این ایام فرصتی برای تأکید بر ارزش‌های مشترک فرهنگی و میراث اسلامی است که پیونددهنده ملت‌های عضو سازمان همکاری اقتصادی (اگو) می‌باشد.





میزبانی باکو از مسابقات قهرمانی تیمی اروپا

۱ تا ۱۵ فوریه ۲۰۲۶ - پایتخت جمهوری آذربایجان در نیمه اول فوریه میزبان «مسابقات قهرمانی تیمی مردان و زنان اروپا ۲۰۲۶» خواهد بود که یکی از بزرگترین رویدادهای بین‌المللی سال در باکو محسوب می‌شود. این میزبانی علاوه بر جنبه ورزشی، با برنامه‌های جانبی فرهنگی همراه است که باکو را به عنوان قطب تعاملات بین‌المللی در منطقه معرفی می‌کند.



برگزاری رویداد تخصصی Luxury Travel Mart در باکو

باکو، ۱۷ فوریه ۲۰۲۶ - هتل چهارفصل باکو در هفدهم فوریه میزبان رویداد بین‌المللی LTM خواهد بود که نخبگان صنعت گردشگری و فرهنگ را برای بررسی ظرفیت‌های گردشگری کیفی جمهوری آذربایجان گرد هم می‌آورد. این رویداد فرصتی کلیدی برای معرفی زیرساخت‌های فرهنگی جمهوری آذربایجان به عنوان مقصدی تمدنی در قلب اوراسیا است.

باکو میزبان کنفرانس بین‌المللی زبان، ادبیات و فرهنگ

باکو، ۱۰ فوریه ۲۰۲۶ - پایتخت جمهوری آذربایجان در دهم فوریه شاهد برگزاری «کنفرانس بین‌المللی زبان، ادبیات و فرهنگ» (ICLLC) خواهد بود. این رویداد با هدف بررسی پیوندهای زبانی و ادبی در منطقه و تقویت تعاملات فرهنگی میان دانشمندان و پژوهشگران حوزه اکو و سایر نقاط جهان برنامه‌ریزی شده است.



حضور فعال جمهوری آذربایجان در نمایشگاه بین‌المللی گردشگری EMITT ۲۰۲۶

استانبول، ۵ فوریه ۲۰۲۶ - هیئت گردشگری جمهوری آذربایجان آمادگی‌های خود را برای حضور گسترده در نمایشگاه بین‌المللی گردشگری و سفر شرق مدیترانه (EMITT) که در اوایل فوریه در استانبول برگزار می‌شود، نهایی کرد. این مشارکت با هدف معرفی ظرفیت‌های گردشگری فرهنگی و تاریخی آذربایجان به کشورهای عضو اکو و بازارهای بین‌المللی صورت می‌گیرد.



آغاز رسمی ریاست پاکستان بر شورای وزیران اکو با رویکرد «فرهنگ و همبستگی»



اسلام‌آباد، ۱ فوریه ۲۰۲۶ - جمهوری اسلامی پاکستان با آغاز ماه فوریه، فعالیت‌های اجرایی خود را به عنوان رئیس دوره‌ای شورای وزیران سازمان همکاری اقتصادی (اکو) برای سال ۲۰۲۶ میلادی به طور جدی پیگیری می‌کند. سناتور محمد اسحاق‌دار، وزیر امور خارجه، تأکید کرد که در این دوره، پاکستان بر «سند چشم‌انداز ۲۰۳۵ اکو» با تمرکز بر گسترش کريدورهاى فرهنگى و گردشگرى میان کشورهای عضو، از جمله راهبرد «اتصال منطقه‌ای از طریق هنر و ادبیات»، تمرکز خواهد داشت.

جشنواره ادبی لاهور؛ کانون تبادلات اندیشه در منطقه اکو



لاهور، ۲۰ تا ۲۲ فوریه ۲۰۲۶ - چهاردهمین دوره جشنواره ادبی لاهور (LLF) در اواخر ماه فوریه در مرکز هنری الحمرا برگزار خواهد شد. این جشنواره که یکی از معتبرترین رویدادهای ادبی جنوب آسیاست، میزبان نویسندگان، شاعران و متفکرانی از ترکیه، ایران و آسیای مرکزی خواهد بود تا در نشست‌های تخصصی به بررسی «میراث مشترک جاده ابریشم» و ادبیات مدرن منطقه اکو بپردازند.

آماده‌سازی لاهور به عنوان «پایتخت گردشگری اکو در سال ۲۰۲۷»



اسلام‌آباد/لاهور، فوریه ۲۰۲۶ - به دنبال انتخاب لاهور به عنوان پایتخت گردشگری سازمان اکو برای سال ۲۰۲۷، وزارت اطلاعات‌رسانی و فرهنگ پاکستان در ماه فوریه برنامه‌های مقدماتی برای بازسازی ابنیه تاریخی و تدوین تورهای گردشگری مشترک با ایران و افغانستان را آغاز می‌کند. این اقدامات در راستای نامگذاری سال ۲۰۲۶ به عنوان «سال اجرایی‌سازی و تحکیم برنامه‌های اکو» توسط دبیرخانه سازمان صورت می‌گیرد.

میزبانی آستانه از کنفرانس بین‌المللی یونسکو در حوزه سواد رسانه‌ای



آستانه، ۲۵ فوریه ۲۰۲۶ – قزاقستان در روزهای ۲۵ و ۲۶ فوریه میزبان کنفرانس بین‌المللی «سواد رسانه‌ای و مبارزه با تبعیض» با همکاری یونسکو خواهد بود. این نشست علمی که متخصصانی از سراسر منطقه اکو را گرد هم می‌آورد، بر نقش آموزش و فناوری‌های نوین در تقویت گفتگوی بین‌فرهنگی و سواد دیجیتال در جوامع در حال توسعه تمرکز دارد.

بزرگداشت روز بین‌المللی زنان و دختران در علم در مراکز علمی قزاقستان



آلماتی/آستانه، ۱۱ فوریه ۲۰۲۶ – دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی برجسته قزاقستان از جمله دانشگاه نزاربایف، مراسم ویژه‌ای را برای تجلیل از بانوان دانشمند برگزار می‌کنند. این رویداد با هدف تقویت همکاری‌های علمی-فرهنگی در سطح کشورهای عضو اکو و معرفی الگوهای موفق زنان در حوزه‌های فناوری‌های پیشرفته و علوم پایه برنامه‌ریزی شده است.

آماده‌سازی برای نمایشگاه بین‌المللی محیط‌زیستی منطقه



آستانه، فوریه ۲۰۲۶ – دبیرخانه اجرایی رویداد «RES+ EXPO ۲۰۲۶» در ماه فوریه نشست‌های هماهنگی را با نمایندگان کشورهای همسایه و سازمان‌های بین‌المللی برگزار می‌کند. این نمایشگاه که بخش اصلی اجلاس منطقه‌ای محیط‌زیست آسیای مرکزی است، بر «فناوری‌های سبز» و «مدیریت منابع آب» تمرکز دارد؛ موضوعاتی که از اولویت‌های اصلی همکاری‌های زیست‌محیطی در سازمان اکو به شمار می‌روند.

بزرگداشت روز جهانی زبان مادری با محوریت حماسه «ماناس»

بیشکک، ۲۱ فوریه ۲۰۲۶ - به مناسبت ۲۱ فوریه، روز جهانی زبان مادری، آکادمی ملی علوم قرقیزستان نشست بین‌المللی «زبان‌های بومی و میراث حماسی» را برگزار می‌کند. در این رویداد، نقش حماسه ماناس در حفظ هویت فرهنگی قرقیزستان و پیوندهای ادبی آن با سایر حماسه‌های ملل حوزه اکو مورد بحث و تبادل نظر قرار خواهد گرفت.



آغاز برنامه ملی برای حمایت از صنایع دستی

بیشکک، ۱ فوریه ۲۰۲۶ - وزارت فرهنگ، اطلاعات، ورزش و سیاست جوانان قرقیزستان رسماً اجرای برنامه دولتی «Önör – Heritage and Development» را برای دوره ۲۰۲۶-۲۰۳۰ آغاز کرد. این برنامه با هدف احیای هنرهای سنتی، حمایت از صنعتگران محلی و تقویت صادرات محصولات فرهنگی تدوین شده است. این طرح بر حفظ میراث ناملموس و آموزش نسل جدید هنرمندان تمرکز دارد.



دوشنبه رسماً فعالیت خود را به عنوان «پایتخت فرهنگی آسیا ۲۰۲۶» آغاز کرد



دوشنبه، ۱ فوریه ۲۰۲۶ - با آغاز ماه فوریه، شهر دوشنبه، پایتخت تاجیکستان، برنامه‌های اجرایی خود را به عنوان «پایتخت فرهنگی آسیا ۲۰۲۶» (عنوانی که از سوی مجمع شهرداران آسیایی AMF اعطا شده) آغاز کرد. شهرداری دوشنبه اعلام کرد که این شهر در طول سال جاری میزبان بیش از ۵۰ رویداد بین‌المللی خواهد بود. هدف از این برنامه‌ها، معرفی میراث تمدنی جاده ابریشم و تقویت پیوندهای فرهنگی میان کشورهای عضو اکو و سایر ملل آسیایی است.

هوشمندسازی اماکن تاریخی دوشنبه

دوشنبه، فوریه ۲۰۲۶ - شهرداری دوشنبه اعلام کرد که تا پایان ژانویه ۲۰۲۶، پروژه نصب کدهای QR در ۴۵ مکان فرهنگی و تاریخی پایتخت به پایان می‌رسد. این ابتکار که توسط «رستم امامعلی»، شهردار دوشنبه، به تصویب رسیده است، به گردشگران (به‌ویژه زائران فرهنگی کشورهای عضو اکو) اجازه می‌دهد اطلاعات دقیق اماکن را به زبان‌های تاجیکی، روسی و انگلیسی دریافت کنند. این پروژه بخشی از استراتژی «اقتصاد دیجیتال ۲۰۲۵-۲۰۳۰» تاجیکستان است.



افتتاح بزرگترین تئاتر ملی منطقه در سالگرد ۳۵ سالگی استقلال



دوشنبه، فوریه ۲۰۲۶ (آماده‌سازی نهایی) - وزارت فرهنگ تاجیکستان تایید کرد که پروژه ساخت «تئاتر ملی تاجیکستان» با ظرفیت سالن اصلی ۲۴۰۰ نفر، به مراحل نهایی نزدیک شده است. این بنای عظیم که در مجاورت موزه ملی واقع شده، قرار است به بزرگترین مرکز هنرهای نمایشی در آسیای مرکزی تبدیل شود.

برگزاری بیست و هشتمین نمایشگاه بین‌المللی گردشگری در استانبول

استانبول، ۵ تا ۷ فوریه ۲۰۲۶ - نمایشگاه EMITT که یکی از پنج نمایشگاه برتر گردشگری در جهان است، در ماه فوریه ۲۰۲۶ در مرکز نمایشگاهی استانبول (IFM) برگزار می‌شود. این رویداد میزبان وزرای فرهنگ و گردشگری و تورگردانان کشورهای عضو اکو خواهد بود تا پیرامون پروژه‌های مشترک از جمله «مسیرهای گردشگری جاده ابریشم» و توسعه گردشگری سلامت و مذهبی به تبادل نظر بپردازند.



آنکارا رسماً فعالیت خود را به عنوان «پایتخت گردشگری جهان ترک ۲۰۲۶» آغاز کرد

آنکارا، فوریه ۲۰۲۶ - پایتخت ترکیه با دریافت کلید نمادین در دسامبر ۲۰۲۵، از ابتدای سال ۲۰۲۶ فعالیت‌های خود را به عنوان پایتخت گردشگری جهان ترک آغاز کرد. در ماه فوریه، آنکارا میزبان نشست‌های هماهنگی برای معرفی ظرفیت‌های تاریخی و تمدنی خود به کشورهای عضو اکو و سازمان کشورهای ترک است. هدف از این برنامه‌ها، برجسته‌سازی همبستگی منطقه‌ای و تبدیل آنکارا به نقطه تلاقی حافظه مشترک و گردشگری مدرن در قلب اوراسیا اعلام شده است.





نامگذاری رسمی سال ۲۰۲۶ در ترکمنستان با نماد «اسب‌های بالدار»

عشق‌آباد، ۲۶ دسامبر ۲۰۲۵ – مجلس ترکمنستان (Mejlis) در آستانه سال نو میلادی، با صدور قطعنامه‌ای رسمی که به تایید پرزیدنت سردار بردی‌محمداف رسید، سال ۲۰۲۶ را سال «ترکمنستان مستقل و بی‌طرف؛ سرزمین اسب‌های بالدار مصمم» نامگذاری کرد.

این نامگذاری که بر پایه تقویم شرقی (سال اسب) و با هدف تجلیل از سی و پنجمین سالگرد استقلال کشور صورت گرفته، اسب اصیل ترکمن را به عنوان نماد سرعت، قدرت و میراث تمدنی مشترک در منطقه معرفی می‌کند. در ماه فوریه ۲۰۲۶، مجموعه‌ای از جشنواره‌های فرهنگی و نمایش‌های سوارکاری بین‌المللی با حضور نمایندگان کشورهای عضو اکو در عشق‌آباد برگزار خواهد شد.

اندیجان رسماً «پایتخت فرهنگی جهان ترک در سال ۲۰۲۶» شد

اندیجان، ۱ فوریه ۲۰۲۶ – شهر تاریخی «اندیجان» در ازبکستان از ابتدای سال ۲۰۲۶ میلادی، عنوان پایتخت فرهنگی جهان ترک را از شهر آکتائوی قزاقستان تحویل گرفت. در ماه فوریه، این شهر میزبان نخستین سری از رویدادهای هنری و نمایشی با حضور بیش از ۲۵۰ هنرمند از کشورهای عضو اکو و سازمان کشورهای ترک است. «شهرت‌بیگ عبدالرحمانوف»، استاندار اندیجان، اعلام کرد که این استان با تاریخ غنی خود آماده است تا در سال ۲۰۲۶ به عنوان پل ارتباطی جوانان و نخبگان فرهنگی منطقه عمل کند.



تقویت و توسعه میراث مشترک فرہنگی کسٹورہای عضو اکو

ناشر: مؤسسہ فرہنگی اکو (ECI)
آژانس تخصصی سازمان همکاری اقتصادی (ECO)



www.ecieco.org

ایران، تہران، اقدسیہ، خیابان شہید موحد دانش، کوچہ باقرالنمر، پلاک ۱۰

